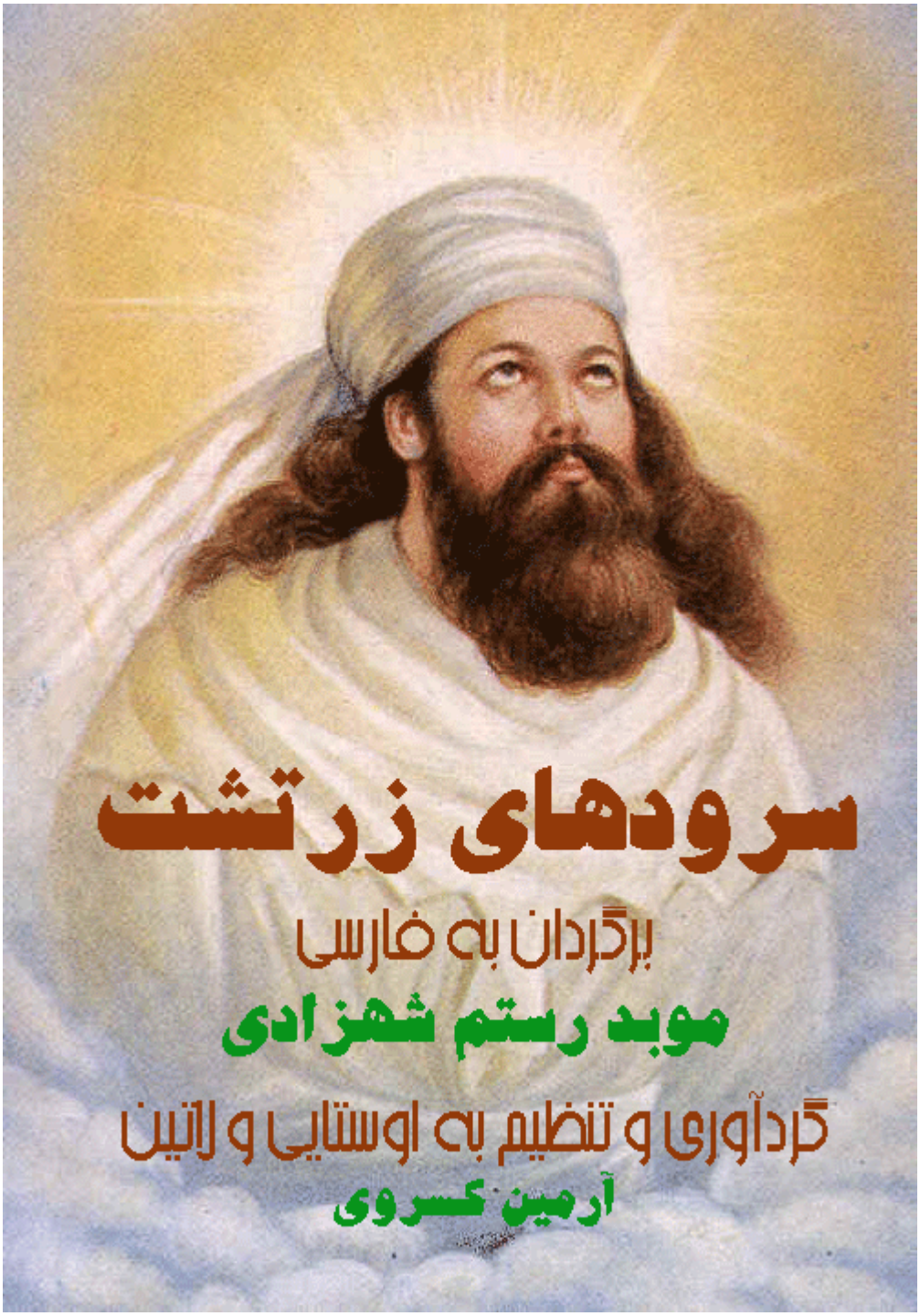

www.zoroaster7.persianblog.com

اشو زرتشت

می فرماید: بیاییم از کسانی شویم که این جهان را تازه و نو می گردانند.

فهرست

پیش از آغاز ۳
هات ۲۸ ..... ۴
هات ۲۹ ..... ۱۵
هات ۳۰ ..... ۲۶
هات ۳۱ ..... ۳۷
هات ۳۲ ..... ۵۹
هات ۳۳ ..... ۷۵
هات ۳۴ ..... ۸۹
هات ۴۳ ..... ۱۰۴
هات ۴۴ ..... ۱۲۰
هات ۴۵ ..... ۱۴۰
هات ۴۶ ..... ۱۵۱
هات ۴۷ ..... ۱۷۰
هات ۴۸ ..... ۱۷۶
هات ۴۹ ..... ۱۸۸
هات ۵۰ ..... ۲۰۰
هات ۵۱ ..... ۲۱۱
هات ۵۳ ..... ۲۳۳

به خشنودی اهورامزدا

پیش از آغاز

گات ها از کهن ترین و سپنتا ترین بخش های اوستاست که از خود اشو زرتشت به یادگار مانده. گات ها جمع گات به چم سرود یا شعر و گفتار منظوم است. گات در زبان پهلوی به گاس تبدیل شده و به فارس گاه گوییم. در علم موسیقی امروزی ایران هنوز واژه گاه به معنی آهنگ یا نت موسیقی باقی مانده، مانند سه گاه و چهار گاه. در زبان سانسکریت، گات به صورت گیت git در آمده که بعدها به عربی جیت یا جید تلفظ می شود و تجوید به معنی خواندن قرآن با آهنگ و وزن می باشد. به طور کلی کهن ترین ادبیات هر قومی را سرود یا شعر یا مناجات تشکیل می دهد، زیرا مردم می توانند شعر و ترانه و سرود را به آسانی از بر کنند و به خاطر بسپارند. ادبیات منثور بعدها پیدا می شود که آن هم پس از پیدایش خط و نوشتار به وجود می آید. بنابراین اهمیت و تقدس گات ها در میان ایرانیان از روزگار بسیار باستان شناخته شده بود، به طوری که اوستاهای بعدی همه آیات گات ها را به نیکی و احترام نام می برند، از جمله در یسنای ۵۷ که به نام ستوت یشت معروف است آمده: " ما می ستاییم کسی که برای نخستین بار گات های اشو زرتشت را بسرود" در وندیداد که کتاب فقهی دین زرتشتی است، در فرگرد ۱۹ بند ۳۸ از پنج گات های زرتشت یاری می طلبد و در نخستین کرده ویسپرد نیز از گات های زرتشت به طور جداگانه نام می برد و به هر یک درود می فرستد. یکی از دلایل تقدس زیاد و اهمیت فوق العاده گات ها، از میان دیگر بخش های اوستا، این است که تمام اصول دین و آموزش های کیش زرتشتی در آن گنجانیده شده است، گرچه دیگر بخش های اوستا را نمی توان از نقطه نظر یادگارهای کتبی فقهی و تاریخی و علمی و حماسی و آیینی کم اهمیت تر دانست، ولی هیچ کدام از لحاظ دارا بودن مفاهیم و معانی ژرف خداشناسی و بیان دلکش و ارزش مینوی به پای گات ها نمی رسند. به راستی می توان گفت که گات های اشو زرتشت کتاب اصول دین زرتشتی و بخش های دیگر اوستا فروع دین و شریعت و فقه زرتشتی است. گات ها دارای پنج بخش است که روی هم به هفده " ها" یا " هات" تقسیم شده است و چون نگینی در میان یسنا جای دارد. گات های پنج گانه عبارتنداز:

۱-اهنود شامل هفت هات۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴

۲-اشتود شامل چهار هات ۴۳-۴۴-۴۵-۴۶

۳- سپنتمد شامل چهار هات ۴۷-۴۸-۴۹-۵۰

۴- وهوخشتر شامل یک هات ۵۱

۵- وهیشتوایشتی شامل یک هات ۵۳

کتاب های دیگر اوستا عبارتنداز:

۱- یسنا

۲- ویسپرد

۳- یشت ها

۴- وندیداد

۵- خرده اوستا

یسنا- هات ۲۸

بند یکم

ustānazastō nəmaŋhā yāsā ahyā

pourwīm mazdā manyəuš rafəδrahyā

šyaoϑanā wīspəṇg aṣā spəṇtahyā

yā manaŋhō xratūm waŋhəuš

gəušcā xṣ̌nəwīṣ̌ā

urwānəm

پس از برگزیده شدن اشو زرتشت به پیامبری، آن وخشور فرموده است:

با دستهای برافراشته به سوی تو ای مزدا با فروتنی تمام پیش از همه چیز، خواستارم که بهره ای از خرد مقدس خود را به من عطا فرمایی تا به همراهی درستی کردار و ضمیر پاک بتوانم خوشبختی روان آفرینش(همه جهان) را فراهم سازم.

بند دوم

pairī-jasāi ahurā mazdā wå yē

ahwå dāwōi maibyō manaŋhā wohū

manaŋhō hyaṯcā astwatascā

hacā aṣāṯ āyaptā

daidīṯ rapaṇtō yāiš

xᵂāϑrē

درخواست دیگر اشو زرتشت

ای اهورا مزدا بشود که با اندیشه نیک به تو نزدیک شوم و با پیروی از هنجار هستی به ارزش نیروهای تن و روان خود پی برم تا بتوانم راستی جویان را به سوی روشنی و خرمی و زندگانی نیک هر دو جهان رهبری کنم.

بند سوم

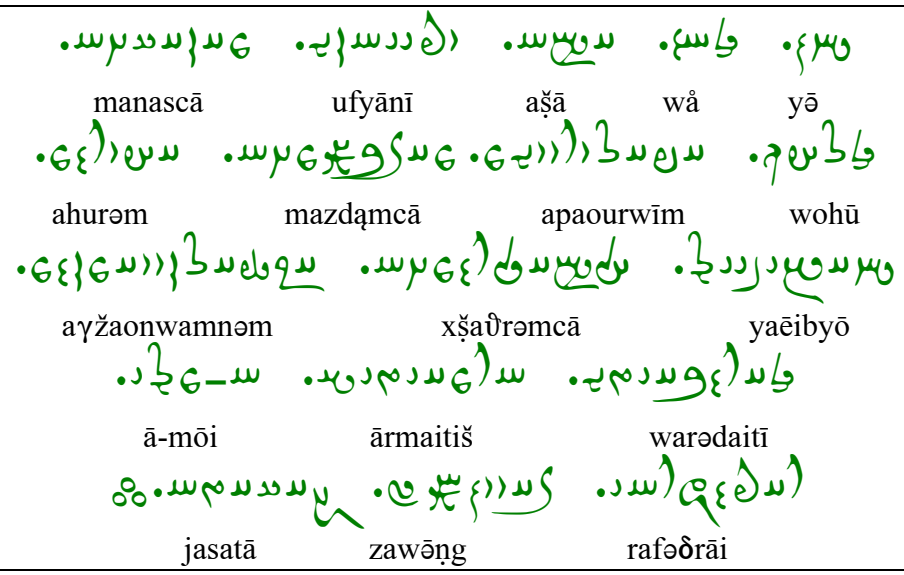

نخستین پیامبر یکتا پرستی، اشو زرتشت است

ای اهورامزدا-من این سرود های ستایش خود را آن سان که پیش از این کسی نسروده است، نیازت می کنم-ای روان راستی و ای نیک اندیش واقعی- از تو درخواست می کنم تا در جهان، نیروی فنا ناپذیر معنوی ات پرتو افکند. اینک که تو را با ستایش خود فرا می خوانم، به سویم شتاب و مرا از خوشبختی و کامیابیِ راستین برخوردار ساز.

بند چهارم

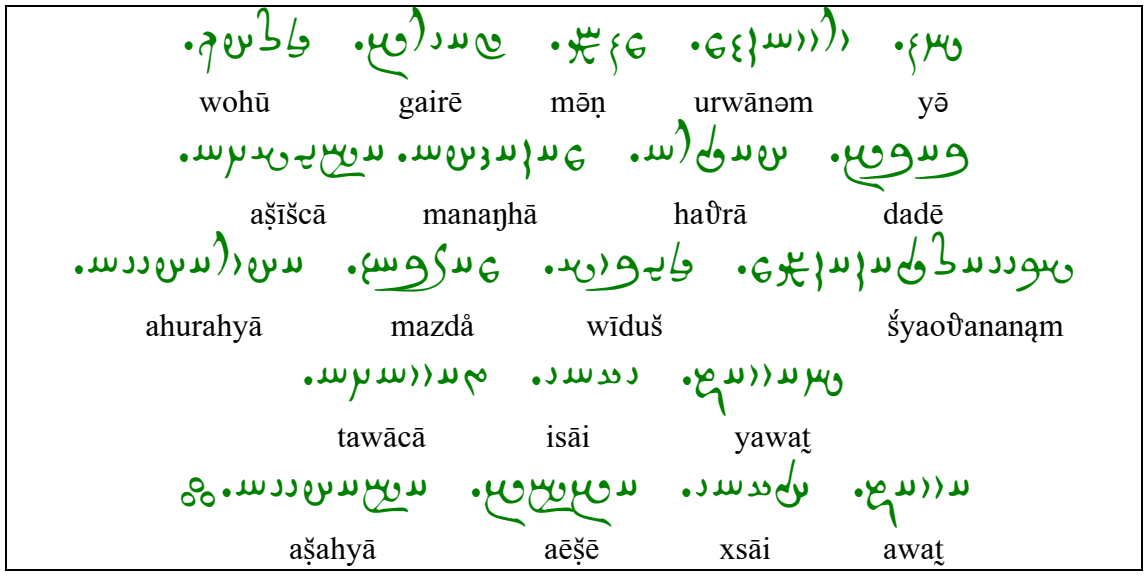

هنگامی که با منش پاک، تو را با سرود های ستایش فرا می خوانم، آگاه هستم که مرا برای رهبریِ روانِ مردمِ جهان گماشته ای و از پاداشی که تو ای مزدا اهورا برای کردار نیک می بخشی خبر دارم و آماده ام تا زمانی که مرا تاب و توان است. به مردم بیاموزم که به سوی راستی راه پویند.

بند پنجم

manascā darəsānī ϑβā kaṯ aṣ̌ā

ahurāi gātūmcā waēdəmnō wohū

mazdāi səraoṣ̌əm səwīštāi

mazištəm mąϑrā anā

hizwā xrafstrā wāurōimaidī

ای راستی کی به تو خواهم رسید؟ کی مانند دانایی از بخشش منشِ پاک خشنود خواهم شد؟ چه وقت به فرمان برداری از ندای دل و وجدان. به سوی تو راه خواهم یافت؟ کی خواهم توانست با زبان خویش و با بیان روشن
آیین مقدس تو را به جهانیان بفهمانم؟ چه وقت توان آن را خواهم داشت که جنگ جویان و بدخواهان و راهزنان و گمراهان را به سوی راهی که از همه بهتر و برتر است رهبری کنم؟

بند ششم

dāidī	manaŋhā	gaidī	wohū
tū	ərəšwāiš	darəgāyū	aṣā-då
	zaraϑuštrāi	mazdā	uxδāiš
ahurā	ahmaibyācā	rafənō	aojōṇghwaṯ
taurwayāmā	dwaēṣå	daibiṣwatō	yā

ای مزدا به سوی من آی و مرا از بخششِ منش پاک و راستی برخوردار ساز- از تو می خواهم که به من زندگی دراز و نیروی سرشاری از مادی و معنوی ارزانی داری تا بتوانم بر کینه بدخواهان و دشمنی دشمنانِ راه تو پیروز گردم.

بند هفتم

dāidī	aṣā	tąm	aṣīm	waŋhāuš
āyaptā	manaŋhō	dāidī	tū	
ārmaitē	wīštāspāi	īṣəm	maibyācā	
dåstū	mazdā	xṣayācā	yā	
wā	mąθrā	srəwīm	ārādå	

ای اشا بهترین راستی را به من آشکار ساز- ای آرمئیتی خواهش و آرزوی مرا نسبت به گشتاسب شاه برآورده ساز.ای مزدا- ای سرور من .چنان کن که پیامبرِ تو بتواند پیروانی برای خود فراهم سازد تا به یاری آنان فرمان مقدست را در جهان بگستراند.

بند هشتم

wahištəm	ϑβā	wahištā	yēm
aṣā	wahištā	hazaoṣəm	ahurəm	yāsā
wāunuš	narōi	fəraṣaoštrāi
maibyācā	yaēibyascā	īṯ	råŋhaŋhōi
wīspāi	yawē	waŋhāuš	manaŋhō

ای اهورا- ای بهتر از همه و ای اشا، ای کسی که پیوسته با بهترین راستی هم اراده ای، آرزوهای مرا و همه یارانم از جمله نامور فرشوشتر و کسانی را که اراده کنی برآورده ساز تا همه از بخشش نیک اندیشی در این جهان و بهشت جاودان در جهان دیگر برخوردار شویم.

بند نهم

anāiš wå nōiṯ ahurā mazdā aṣəmcā

yānāiš zaranaēmā manascā hyaṯ

wahištəm yoi wō yoiθəmā

dasəmē stūtąm yūžēm zəwīštyåŋhō

īṣō xṣaθrəmcā sawaŋhąm

ای اهورامزدا- مبادا هرگز کار ناشایستی از من سرزند که مورد خشم تو قرار گیرم. ای راستی و ای سرچشمه پاک منشی پیوسته می کوشم تو را بستایم- ای کسی که آرزوهای ما را بر می آوری- تو را از ته دل درود می گویم . چه می دانم نمازی که از روی ایمان و اعتقاد کامل انجام گیرد به درگاهت پذیرفته خواهد شد- ای کسی که امید بهشت ما به سوی توست.

بند دهم

woistā	aṣāaṯcā	yōṇg	aṯ
manaŋhō	dāϑōṇg	waŋhōuščā	
aēibyō	ahurā	mazdā	ərəϑβōṇg
wō	aṯ	kāməm	āpanāiš	pərənā
waēdā	asūnā	xṣmaibyā	
srawå	waiṇtyā	xʷaraiϑyā	

ستایشی که با خلوص نیت همراه باشد به درگاه پروردگار پذیرفته می شود.

ای مزدا اهورا. کسانی را که با درستی عمل و خلوص نیت ستایش تو را به جا می آورند کامروا ساز و آرزوهای آنان را برآورده فرما. چه به خوبی می دانم ستایشی که بدون ریا و عمل درست به درگاهت نیاز شود پذیرفته می شود و بازتاب نیک خود را بروز خواهد داد.

بند یازدهم

manascā	nipåŋhē	aṣəm	āiš	yē
mazdā	twēm	yawaētāitē		wohū
ŷβahmāṯ	sīṣā	frō-mā	ahurā	
əəåŋhā	ŷβā	hacā	manyəuš	waocaŋhē
bawaṯ	pouruyō	aŋhuš	ā	yāiš

از روی ستایش درست می توان به خدا رسید و به حقیقت دست یافت.

چون از راه خلوص نیت و ستایش درست می توان به خدا که اصل راستی و پاک منشی است دست یافت. پس ای مزدا اهورا با نیروی خرد و کلام خویش مرا آگاه فرما که در روز نخست. این آفرینش چگونه هستی یافته و پایان آن چگونه پیش خواهد آمد تا من آن را به درستی به مردم بیاموزم.

یسنا- هات ۲۹

بند یکم

gərəždā urwā gāuš xšmaibyā

taṣaṯ kā-mā ŷβarōždūm mā kahmāi

rəmō hazascā aēšəmō ā-mā

təwišcā dərəšcā āhišāyā

anyō xšmaṯ wāstā mōi nōiṯ

wāstryā wohū sąstā mōi aŷā

چگونگی وضع مردمان جهان پیش از برگزیده شدن اشو زرتشت

روان آفرینش(یا روح موجودات جهان) به درگاه آفریدگار به دادخواهی می پردازد و می گوید:

پروردگارا برای چه مرا آفریدی؟ چرا به من پیکر هستی بخشیدی؟ خشم و ستیز و کینه و زور مرا به ستوه آورده و برای من به جز تو دادرسی نیست. از تو درخواست می کنم. برایم یاور و نجات دهنده ای فرستی تا بتواند زندگانی آسوده و خرمی به من بخشد.

بند دوم

aṣəm pərəsaṯ gəuš taṣā adā

ratuš gawōi tōi kaϑā

xṣayaṇtō dātā hīm hyaṯ

ϑβaxṣō gaodāyō wāstrā hadā

yē ahurəm uštā hōi kēm

wādāyōiṯ aēṣəməm drəgwōdəbīš

آن گاه آفریدگار جهان از اشا(که مظهر ضمیر پاک و هنجار آفرینش اهورامزداست) پرسید: چه کسی را تو به عنوان رهبر و نجات دهنده مردمان جهان می شناسی تا او را یاور و پشتیبان باشد تا ما به او نیروی آباد کردن جهان و گسترش راستی بخشیم؟ ای اشا چه کسی را به عنوان پیشوا و رهبر مردمان جهان معرفی می کنی که بتواند سپاه بدکاران و گمراهان را در هم شکند و خشم و نفرت را از جهان و جهانیان دور سازد.

بند سوم

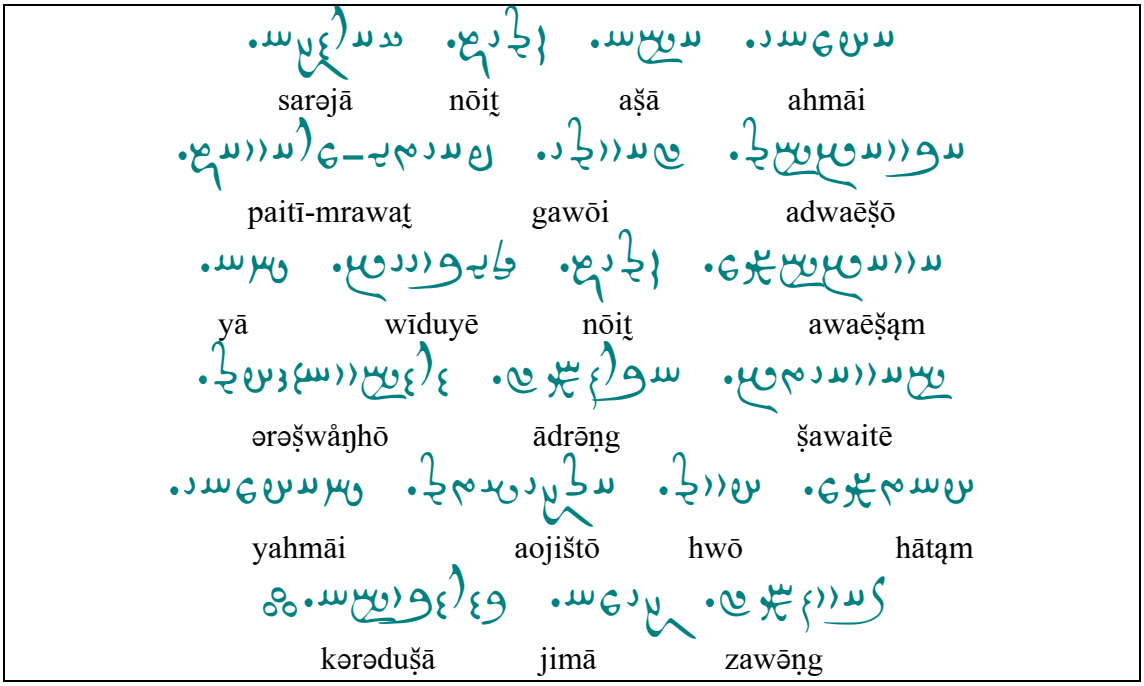

سپس اشا به اهورامزدا چنین پاسخ داد: آن پیشوا و رهبری که برای جهانیان برگزیده خواهد شد. نباید چون سلطانی بیدادگر و زورگو باشد. بلکه باید دادگر و مهربان باشد. ولی من در میان کسانی که در این جهان به سر می برند کسی را نمی شناسم که بتواند نیکوکاران را در برابر ستم پیشگان یاری کند. در واقع چنین کسی باید بسیار نیرومند باشد تا ما بتوانیم به موقع به یاریش برخیزیم.

بند چهارم

mazdå	saxʷārə	mairištō	yā-zī
wāwərəzōi	pairī-ciϑīţ	daēwāišcā	
mašyāišcā	yācā	warəšaitē	
aipī-ciϑīţ	hwō	wīcirō	ahurō	aϑā-nə
aŋhaţ	yaϑā	hwō	wasaţ

دنباله پاسخ اشا

ای مزدا تو خود از همه بهتر می دانی که در گذشته چه کارهای ناشایستی از بدکاران و هواخواهان آنان سرزنده است یا در آینده سر خواهد زد. پس برای این ماموریت بزرگ یعنی رستگاری مردمان جهان اراده تو به هر که تعلق گیرد بدان خرسندم.

بند پنجم

بنابراین من و روان آفرینش با دستهای برافراشته از تو خواستاریم که مبادا هرگز نیکوکاران دچار رنج و آزار شوند و به پارسایان و کارگران درست کار از سوی بدخواهان رنج و آسیب رسد یا بر آن ها غالب شوند.

بند ششم

mazdå ahurō waocaṯ ē aṯ

nōiṯ wyānayā wafūš wīdwå

ratuš naēdā wistō ahū aēwā

zī aṯ hacā aṣāṯcīṯ

wāstryāicā fṣuyaṇtaēcā ϑβā

tataṣā ϑβōrəštā

آن گاه اهورامزدا که همه چیز را از خرد خویش در می یابد خطاب به اشا و روان آفرینش گفت: آیا یک رهبر دنیویِ شایسته یا نجات دهنده روحانی را که سرشار از پاکی و راستی باشد نمی شناسی که من او را به عنوان پاسبان و نگهبان آفرینش بر گزینم و ماموریت آرایش جهان را به او سپارم.

بند هفتم

mąθrəm ahurō āzūtōiš tām

hazaoṣō aṣā taṣaṯ

hwō xṣ̌wīdəmcā gawōi mazdå

sāsnayā spəṇtō urušaēibyō

yə̄-ī manaŋhā wohū kastē

marətaēibyō əəāwā dāyāṯ

اهورامزدا به سخنان خود چنین ادامه می دهد: مگر این سرود مینوی خوشبختی افزا(اهونور) را که یگانه سرود آرامش بخش دلها و اراده اش با اشا یکسان است برای پیشرفت جهان و مردمان درست کردار نبخشیده ام. آن گاه اهورامزدا خطاب به وهومن یا خرد مقدس خویش کرد و گفت: ای وهومن کیست آن رهاننده ای که تو بر خواهی گزید تا بتواند مردمان را یاری کند و از گمراهی برهاند؟

بند هشتم

پاسخ وهومن

یگانه کسی که (به نظر من) آیین مقدس را پیروی می کند و اندیشه راستین را می گستراند. همانا زرتشت اسپنتمان است. تنها اوست که خواستار آموزش آیین راستین و سرودهای ستایش مزداست. بنابراین. برای پیش برد کارش ما به او زبانی سخنور و گویا و گفتاری دل پذیر و شیوا خواهیم بخشید.

بند نهم

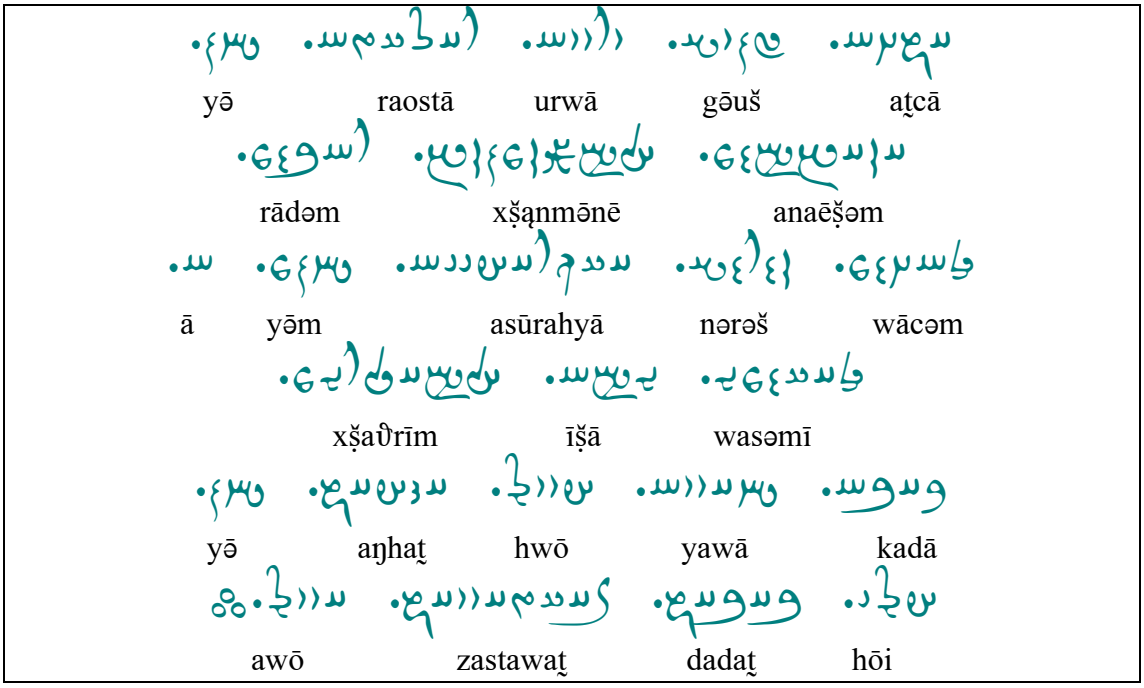

آن گاه روان آفرینش با بانگ بلند فریاد زد: آیا من باید بدون چون و چرا، رهبری و پشتیبانی چنین شخصِ ناتوانی را بپذیرم و به سخنان او گوش دهم؟ در صورتی که من در آرزوی فرمانده و سرداری توانا و سلحشور بودم تا بتواند با بازوان نیرومند خود مرا یاور و پشتیبان باشد.

بند دهم

aogō ahurā aēibyō yūžəm

xšaϑrəmcā aṣā dātā

yā manaŋhā wohū awaṯ

dāṯ rāmąmcā huṣəitīš

ϑβąm mazdā ahyā azəmcīṯ

waēdəm paourwīm məŋ́hī

دنباله تقاضای روان آفرینش

در این صورت. ای اهورامزدا و ای اشا از شما درخواست می کنم. به زرتشت نیروی معنوی و توانایی جسمی ببخشید و ای وهومن تو نیز به زرتشت نیروی اندیشه و هوش سرشار ارزانی دار تا از پرتو آن جهانیان را آرامش و آسایش بخشد. پس ای مزدا با پیشنهادت خشنود و خرسند خواهم بود و زرتشت را به عنوان شایسته ترین مرد جهان به رهبری خود می پذیرم.

بند یازدهم

xšaŷrəmcā	manō	wohucā	aṣəm	kudā
mazdā	yūžəm	maṣā	mā	aṯ
ā	magāi	mazōi	frāxšnənē	
awarə	nū-nå	ahurā	paitī-zānatā	
yūṣmāwatąm		rātōiš	əhmā	

دنباله تقاضای روان آفرینش

ای مزدا- کی راستی و اندیشه نیک و توانایی مینوی به ما روی خواهد کرد؟ کی انجمنِ مغان و پیشوایانِ دین. آیین تو را خواهند پذیرفت. اینک که یاور و پشتیبانی برایم برگزیده ای. آماده ام. او را بپذیرم وخشنودی او را فراهم سازم.

نخستین موعظه اشو زرتشت به مردم

یسنا- هات ۳۰

بند یکم

yā	išəṇtō	waxšyā	tā	aṯ
wīduṣē	hyaṯcīṯ	mazdāϑā		
yesnyācā	ahurāi	staotācā		
humązdrā	manaŋhō	waŋhāuš		
yā	yecā	ašā		
urwāzā	darəsatā	raocābīš		

اینک از برای کسانی که خواستار شنیدن حقیقت هستند سخن می گویم-این گفتار از سوی اهورامزدا سرچشمه راستی و نیک اندیشی است و هر که دانا و هواخواه راستی باشد. باید به آن گوش دهد. زیرا تنها با پیروی آن می توان به سرای درخشان فردوس راه یافت.

بند دوم

wahištā gəušāiš sraotā

manaŋhā sūcā awaēnatā

narəm wīciϑahyā āwarənå

tanuyē xʷaḥyāi ṇarəm

ahmāi yåŋhō mazə parā

paitī baodaṇtō sazdyāi nə

اشو زرتشت مردم را در انتخاب راه خیر و شر آزاد گذارده است.

ای مردم بیایید بهترین گفتار را به گوشِ هوش بشنوید و با اندیشه روشن در آن بنگرید و پیش از آن که فرصت از دست برود هر مرد و زن باید به شخصه میان راه درست(مزداپرستی) یا نادرست(دیوپرستی) یکی را برگزینند. بشود که به یاری مزدااهورا در گزینش راه درست کامیاب شوید.

بند سوم

yā pouruyē mainyū tā aṯ

asrwātəm xʷafənā yəmā

šyaoϑanōi wacahicā manahicā

akəmcā wahyō hī

ərəš hudåŋhō åscā

duždåŋhō nōiṯ wīšyātā

وجود دو نیروی همزادی که در آغازش لازم و ملزوم یکدیگرند.

آن دو نیروی هم زادی که در آغاز در اندیشه آدمی پدیدار شدند. یکی سپنتا مینو یعنی نیکی در اندیشه و گفتار و کردار و دیگری انگره مینو یعنی بدی در اندیشه و گفتار و کردار است. از میان این دو. دانا نیکی را برمی گزیند و نادان بدی را.

بند چهارم

mainyū hēm tā hyaṯ aṯcā

dazdē paourwīm jasaētəm

yaϑācā ajyāitīmcā gaēmcā

aŋhuš apēməm aŋhaṯ

aṯ drəgwatąm acištō

manō wahištəm aṣāunē

کار این دو نیروی همزاد

هنگامی که این دو نیرو به هم رسیدند. هستی و نیستی (حرکت و سکون) پدیدار شد و تا هستی برقرار است بدترین زندگی. و وضع روانی. بهره پیروان بدی. و بهترین زندگی و خوشبختی. پاداشِ پیروانِ نیکی است.

بند پنجم

yē waratā maniwå āyå

wərəzyō acištā drəgwå

yē spēništō mainyuš ašəm

wastē asēnō xraoždištēṇg

haiθyāiš ahurəm xšnaošən yaēcā

mazdąm fraorəṯ šyaoθanāiš

بدان از روی نادانی نیک را از بد نمی توانند تمیز دهند.

از میان این دو نیروی هم زاد. نادان زشت گرا بدترین کردار و خردمند راست گرا. که پیوسته خواستار نیکی و خشنودی پروردگار است. نیکی را که با خرد مینوی و ایزدی آراسته است. بر می گزیند.

بند ششم

wīšyātā ərəš nōiṯ āyå

ā-dəbaomā īš hyaṯ daēwācinā

hyaṯ upā-jasaṯ pərəsmanəṇg

manō acištəm wərənātā

hənḍwārəṇtā aēšəməm aṯ

marətānō ahūm bạnayən yā

در انتخاب راه نیک از بد، نباید گولِ فریب کاران را خورد

از میان این دو نیرو، نادانان چون نمی توانند نیک را از بد تمیز دهند، در هنگام مشورت با بداندیشان و فریبکاران، دیوِ فریب فرا رسد و آنان را به گزینش زشت ترین اندیشه وادار سازد و سپس برای انجام کارِ زشت ناگزیر به سوی خشم و زور روی آورند و بدین وسیله زندگی آدمیان را به تباهی کشانند.

بند هفتم

jasaṯ xṣ̌aϑrā ahmāicā

aṣ̌ācā wohū manaŋhā

utayūitīš kəhrpəm aṯ

ąnmā ārmaitiš dadāṯ

yaϑā aŋhaṯ ā tōi aēṣ̌ąm

pouruyō ādānāiš ayaŋhā

بنابر قانون ازلی پروردگار، نیکی پاداش نیکان و بدی سزای بدان است.

کسانی که از نیروی ایزدی و نیک اندیشی و راستی برخوردار باشند و فرشته مهر و دوستی در وجود آنان راه یافته باشد،در انتخاب راه نیک کامیاب می شوند و به پاداش آن، در دو جهان بهره نیک یابند.

بند هشتم

kaēnā aēšąm yadā aṯcā

mazdā aṯ aēnaŋhąm jamaitī

manaŋhā wohū xšaϑrəm taibyō

sastē aēibyō wōiwīdāitī

ašāi yōi ahurā

drujəm zastayō dadən

ولی در پایان، نیکی بر بدی چیره می شود و رستاخیز فرا می رسد.

هنگامی که کیفر اهورایی بر گناه کاران فرا رسد و بدان به جزای زشت خود رسند، آن گاه جهان را نیروی پاک منشی فرا خواهد گرفت و با پیروی از راه ایزدی، در پایان، بدی به دست نیکی شکست می خورد و دروغ به بند راستی در می آید.

بند نهم

yōi	ħyāmā	waēm	tōi	aṯcā
ahūm	kərənāun	fəraṣ̌əm	īm	
ā-mōyastrā	ahuråŋhō	mazdåscā		
haϑrā	hyaṯ	aṣ̌ācā	baranā	
yaϑrā	bawaṯ	manå		
maēϑā	aŋhaṯ	cistiš		

بشود که ما از زمره رستاخیز کنندگان جهان باشیم و به رهبری دیگران پردازیم.

ما خواستاریم از زمره کسانی باشیم که جهان را به سوی پیشرفت و آبادی. و مردم را به سوی راستی و پارسایی ره نمایند. بشود که مزدا ما را یاری فرماید تا با نیروی اندیشه و دل (عقل وعاطفه) به سرچشمه دانایی پی بریم.

بند دهم

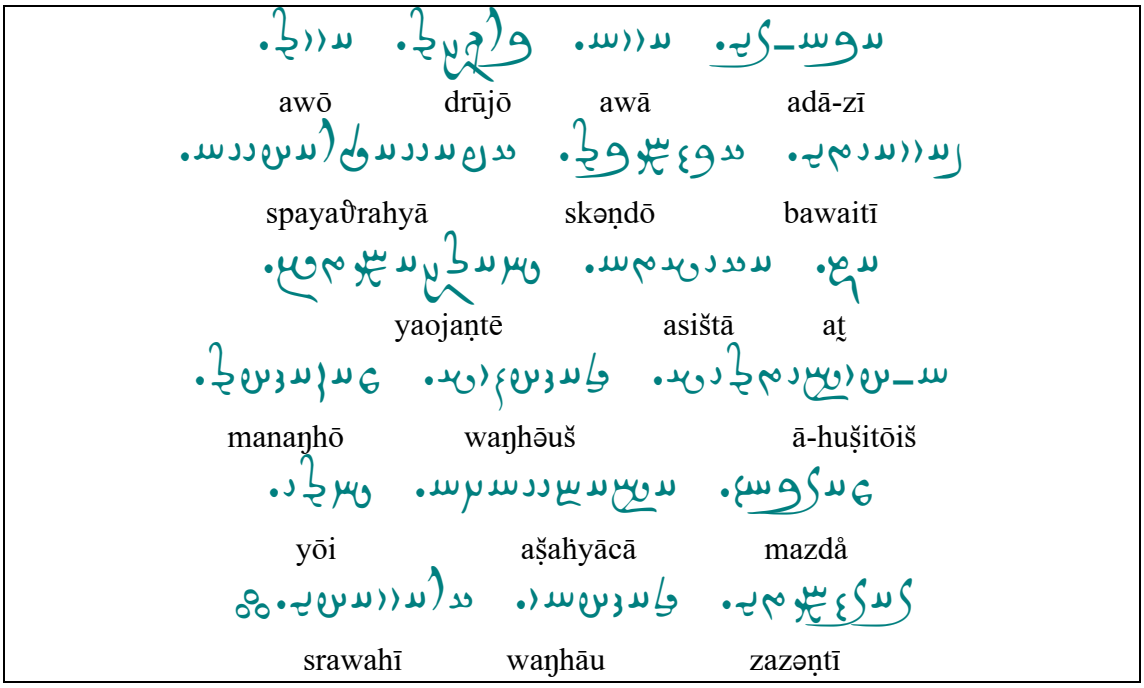

بدکاران تا به سزای بدی خود نرسند. به راه راست گرایش نمی کنند.

بدکاران پس از رسیدن به سزای زشت خود.پشیمان می شوند و اندیشه و دل آنان به سوی نیکی خواهد گرایید و آن گاه اشا و خرد پاک به یاری آنان می شتابد و در گزینش راه درست به آنان یاری می دهد.

بند یازدهم

saṣaϑā	urwātā	tā	hyaṯ
mašyåŋhō	dadāṯ	mazdå	yā
hyaṯcā	ənəitī	xʷīticā	
raṣō	drəgwōdəbyō	darəgēm	
aṯ	aṣawabyō	sawacā	
uštā	aŋhaitī	tāiš	aipī

بهشت یا دوزخ هر کس در این جهان در دست خود اوست

ای مردم اگر از قانون ازلی که مزدا برقرار داشته است. آگاه می شدید و از خوشی و پاداش نیکِ راستی و رنج و پادافره زشتِ کژی در این جهان و سرای دیگر با خبر می شدید آن گاه کاری می کردید که همیشه روزگارتان به خوشی بگذرد.

یسنا- هات ۳۱

بند یکم

tā wō urwātā marəṇtō aguštā

wacå sənghāmahī aēibyō yōi

urwātāiš drūjō aṣahyā

gaēϑå wīmərəṇcaitē aṯcīṯ

aēibyō wahištā yōi

zarazdå aŋhən mazdāi

پیام اشو زرتشت را قبلا هیچ پیامبری به آدمیان ابلاغ نکرده بود

ای مردم اینک شما را از پیامی آگاه سازم که تا حال کسی نشنیده است. و فرمانی که شنیدن آن برای بدکاران و دروغ پرستان ناگوار خواهد بود. ولی برای کسانی که از ته دل به مزدا ایمان آورده اند. دل پذیر می باشد.

بند دوم

urwānē nōiṯ āiš yezī

waĥyå aibī-dərəštā ādwå

āyōi wīspēṇg wå aṯ

ahurō ratūm yaϑā

ąsayå ayå mazdå waēdā

jwāmahī hacā aṣāṯ yā

علت برگزیده شدن پیامبران از جمله اشو زرتشت
از آن جایی که برگزیدنِ بهترین راه، برای مردم، کارِ دشواری است، من که زرتشت هستم برای رهبری شما برگزیده شده ام. رهبری که اهورامزدا گواه راستی ودرستی گفتار اوست- باشد که همه، برابر آیین مقدس مزدا زندگی کنیم.

بند سوم

aθrācā mainyū då yąm

rānōibyā cōiš aṣ̌ācā

urwatəm hyaṯ xṣ̌nūtəm

mazdā nə taṯ cazdōṇŋhwadəbyō

ϑβahyā hizwā waocā wīdwanōi

jwaṇtō yā åŋhō

wāurayā wīspəṇg

ماموریت اشو زرتشت از جانب پروردگار

من شما را از پاداش و سزایی که اهورامزدا برای گروه نیکان و بدان مقرر داشته آگاه خواهم ساخت و به شما خواهم گفت سرانجامِ کسی که به پیرویِ راهِ دینِ مزدا برآید چیست؟ مزدا این ها را از زبان و کلام خود به من آموخت و فرمان داد تا آن را به جهانیان برسانم.

بند چهارم

aŋhən zəwīm aṣəm yadā

aṣicā ahuråŋhō mazdåscā

manaŋhā iṣasā wahištā ārmaitī

aojṇghwaṯ xṣaŏrəm maibyō

wərədā yehyā

drujəm wanaēmā

یاری خواستن اشو زرتشت از پروردگار در انجام این کار بزرگ

بنابراین،من از اهورامزدا پیوسته درخواست می کنم، مرا در این کار بزرگ یاری فرماید تا بهترین راه زندگی را به مردم بیاموزم و از نیروی خرد و راستی و عشق الهی، آرزومندم مرا توانایی بخشند تا بر دروغ پرستان چیره شوم.

بند پنجم

waocā	wīcidyāi	mōi	taṯ
dātā	ašā	mōi	hyaṯ
manaŋhā	wohū	wīduyē	wahyō
yehyā-mā	daidyāi	mēṇcā	
ahurā	mazdā	tācīṯ	ərəšiš
aŋhaṯ	wā	nōiṯ	yā
wā	aŋhaitī		

دنباله یاری خواهی از پرودگار یکتا

ای مزدا اهورا- در پرتو اشا بهترین راه را به من بنما تا هم خود در آن گام بردارم و هم پاداش شادی بخش پیروی از آن را به دیگران بیاموزم. مرا نیز از منش پاک برخوردار ساز تا از حال و آینده مردمان جهان آگاه شوم.

بند ششم

yē wahištəm aŋhaṯ ahmāi

haiϑīm waocāṯ wīdwå mōi

haurwatātō yim mąϑrəm

awaṯ mazdāi amərətātascā aṣahyā

hōi hyaṯ xṣ̌aϑrəm

manaŋhā waxṣ̌aṯ wohū

دعای خیر، به ارشاد کنندگان راه راستی

کسی که راه راست را به مردم بیاموزد و دیگران را از پیام فرخنده و جاودانی مزدا آگاه سازد. بشود که از بهترین پاداش نیک برخوردار شود و از نیروی اهورایی که در پرتو پاک منشی به دست می آید بهره مند شود.

بند هفتم

pouruyō mạntā yastā

xʷāŷrā rōiŷβən raocəbīš

aṣəm dąmiš xraŷβā hwō

manō wahištəm dārayaţ yā

uxṣyō mainyū mazdā tā

hāmō ahurā nūrəmcīţ ā yə

اهورامزدا سرچشمه انوار صوری و معنوی است

ای مزدا- ای اندیشمند بزرگی که از روز نخست. افلاک را با نور خود روشن ساختی و با نیروی خرد خویش به این درستی و خوبی نظم و هنجار دادی- ای کسی که هماره یکسانی. فروغِ ایمان و نور پاک منشی را بر همه ما بتابان.

بند هشتم

pourwīm mēṇghī ϑβā aṯ

manaŋhā stōi yezīm mazdā

manaŋhō patarēm waŋhāuš

cašmainī hēm ϑβā hyaṯ

dąmīm ašahyā haiϑīm hēṇgrabəm

šyaoϑanaēšū ahurəm aŋhāuš

خدا آغاز و انجام همه چیزهاست
ای مزدا- هنگامی که تو را با نیروی خرد و اندیشه ژرف جست و جو کردم و با دیده دل نگریستم دریافتم که تویی سرآغاز و سرانجام همه چیز- تویی سرچشمه خرد و اندیشه. و تویی آفریننده راستی و پاکی. و تویی داور نیکِ کردار مردمان جهان.

بند نهم

ϑβā ārmaitīš as ϑβōi

xratūš as taṣā gəuš ā

hyaṯ ahurā mazdā manyəuš

paϑąm dadå aḥyāi

yə āitē wā wāstryāṯ

wāstryō aŋhaṯ nōiṯ wā

اهورامزدا اختیار گزینش راه نیک و بد را به خودمان داده است

ای اهورامزدا- تویی آفریننده جهان مادی و خرد مینوی و تویی که به مردم جهان اختیار انتخاب راه نیک و بد دادی تا بنا به اراده خود یا به سوی رستگاری شتابند یا به گمراهی گرایند.

بند دهم

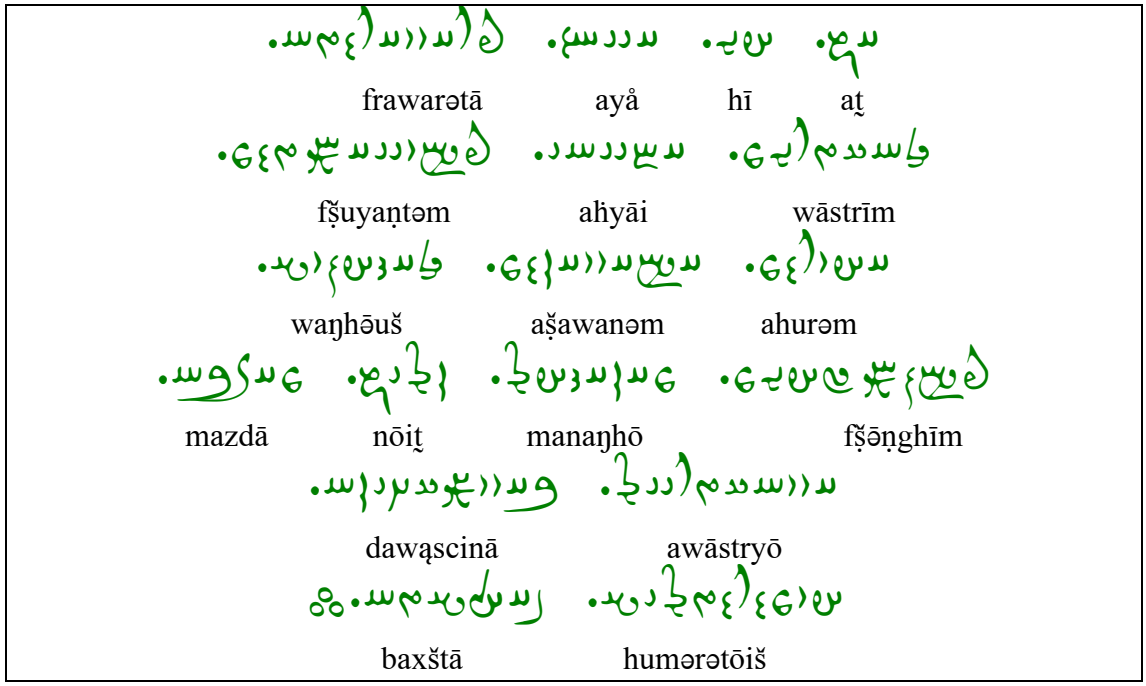

نیکی پاداش گزیندگان راه نیک و بدی پاداش گزیندگان راه بد است

از این دو راه آن که نیک اندیش و در پیشبرد نیکی کوشاست راه رستگاری را اختیار کند و آن کسی که بداندیش و کاهل وتن پرور است. راهی را برمی گزیند که جز از رنج و سختی بهره ای نخواهد برد.

بند یازدهم

hyaṯ nē mazdā paourwīm

gaēϑåscā taṣō daēnåscā

ϑβā manaŋhā xratūšcā

hyaṯ astwaṇtəm dadå

uštanəm hyaṯ šyaoϑanācā

sāṇghąscā yaϑrā warənāṇg

waså dāyetē

خداوند آدمی را آزاد خلق کرده است.

ای مزدا هنگامی که در روز نخست با خرد خویش به کالبد ما جان بخشیدی و به ما نیروی اندیشه و قوه تمیز نیک از بد دادی- از آن روزی که در تن خاکی ما جان و روان دمیدی و به ما اراده و نیروی گفتار و کردار ارزانی داشتی. خواستی که هر کس بنا به اراده خود و با آزادی کامل راهی را که خود صلاح داند برگزیند.

بند دوازدهم

miθahwacå	baraitī	wācəm	aθrā
wā	ərəšwacå	wā	
wā	əwīdwå	wā	wīdwå
manaŋhācā	zərədācā	ahyā	
mainyū	ārmaitīš	ānuš-haxš	
maēθā	yaθrā	pərəsāitē	

فرد راهنمای آدمی در انتخاب راه نیک از بد است

بنابراین، از همان آغاز هر کسی خواه طرفدار راستی یا دروغ- خواه نادان یا دانا، بنا بر ندای دل و اندیشه خود عقیده خود را آشکار می سازد. ولی در عین حال خرد مقدس اهورایی پیوسته آماده است تا کسانی را که در انتخاب راه سرگردان و در شک و تردیدند، راهنمایی کند.

بند سیزدهم

yā āwīšyā frasā yā

tayā pərəsāitē mazdā wā

aēnaŋhō kasāuš wā yā

ayamaitē mazištąm ā

ϑβisrā caṣmāṇg tā būjəm

aibī aṣā aibī hārō

wīspā waēnahī

اهورامزدا از همه چیز آگاه است.

اهورامزدا از هر کار آشکار و نهان مردم آگاه است و گناهان کوچک و بزرگ همه را با دیدگان روشن بین خود می بیند و پیوسته همه کارها را برابر قانون ابدی خویش پاداش و جزا می دهد.

بند چهاردهم

ahurā pərəsā tā-ϑβā

jəṇghaticā āitī yā-zī

dāϑraṇąm dadəṇtē išudō yå

mazdā yåscā ašāunō hacā

tå yaϑā drəgwōdəbyō

hyaṯ hēṇkərətā aŋhən

اهورامزدا برای هر کار نیک یا بدی پاداش و جزایی مقرر فرموده است

ای اهورا. می خواهم از نتیجه اعمال مردمان چه در گذشته و آینده با خبر شوم و بدانم چگونه در این جهان و جهان دیگر پارسایان و نیکو کاران به اجر و پاداش کردار نیک خود می رسند و چه سان بد کرداران و گمراهان به جزای بد خود گرفتار می شوند.

بند پانزدهم

mainiš yā awaṯ pərəsā

hunāitī xšaŷrəm drəgwāitē yā

yā ahurā duš-šyaoŷanāi

wīnastī hanarə jyōtūm nōiṯ

pasəuš aēnaŋhō wāstryehyā

adrujyaṇtō wīrāaṯcā

تنها اهورامزدا است که می تواند به درستی. نیکان و بدان را به کیفر خود رساند

آری تنها اهورامزداست که کیفر کارهای مردم را در گذشته و حال و آینده به درستی خواهد داد. چه او برای کسانی(چون دشمنانم) که پیوسته دروغ پرستی و بد کرداری را رواج داده اند و جز از نفاق افکنی و آزار طرفداران با ایمانم قصد دیگری ندارند. سزایی مقرر داشته ای و حساب همه کارهای نیکان و بدان را در روز واپسین مد نظر خواهی داشت.

بند شانزدهم

hwō yaϑā awaṯ pərəsā

dəmanahyā hudānuš yē

daḥyēuš wā šōiϑrahyā xšaϑrəm

aspərəzatā fradaϑāi aṣā wā

yadā ahurā mazdā ϑβāwąs

yā-šyaoϑanascā aŋhaṯ hwō

چه کسی دوست دار و هواخواه اهورامزدا است؟

هر دانایی که برای پیشبرد راستی از میان مردمان برای خوشبختی باشندگان خانه ها، شهرها و کشورها تلاش کند و آنان را به پیروی از راه راستی فراخواند، چنین کسی از هواخواهان اهورامزدا به شمار است.

بند هفدهم

katārəm aṣawā wā drəgwå

wā wərənwaitē mazyō

wīdwå wīduṣē mraotū mā

əwīdwå aipī-dəbāwayaṯ zdī-nā

mazdā ahurā waŋhəuš

fradaxštā manaŋhō

دانا باید راه نیک را به دیگران نشان دهد
کدام یک از این دو بزرگ تر است. کسی که دانا و پیرو راستی است یا آن که به دروغ و گمراهی گرویده است؟ پس دانا باید راه نیک را به دیگران نشان دهد تا مبادا نادان سرگشته بماند- ای اهورامزدا ما را در شناسایی راه نیک یاوری فرما.

بند هجدهم

drəgwatō wē aṯ mā-ciš

sāsnåscā gūštā mąϑrąscā

ṣōiϑrəm wā wīsəm dəmānəm āzī

duṣitācā ādāṯ wā daḥyūm wā

īš aϑā marakaēcā

snaiϑiṣā sāzdūm

نباید به گفتار گمراهان و دروغ پرستان گوش داد

هرگز به گفتار و آموزش دروغ پرست و گمراه گوش ندهید زیرا چنین کسی خانه و ده و شهر و کشور را به ویرانی و تباهی کشاند. پس باید آنان را از خود دور سازید و به خود راه ندهید.

بند نوزدهم

aṣ̌əm maṇtā yə gūštā

ahurā wīdwå ahūmbiš

xṣ̌ayamnō wacaŋhąm ərəžuxδāi

āϑrā ϑβā wasō hizwō

waŋhāu mazdā suxrā

rąnayå wīdātā

راهنمایی دانایان درمان بخش زندگی است

ای مردم به گفتار دانایان و نیک اندیشان گوش فرا دهید. زیرا راهنمایی و آموزش آنان درمان بخش روح و زندگی است. ای اهورامزدا. این گونه دانایان را به وسیله فروغ و نیروی خود زبانی شیوا و گفتاری دل نشین بخش تا بتوانند در گسترش آیین راستی کامیاب شوند. گرچه. ای اهورامزدا تو خود با داوری درست خویش از ضمیر همه آگاهی و پاداش و سزای پویندگان راه راستی و دروغ را به خوبی خواهی داد.

بند بیستم

diwamnəm	aṣ̌awanəm	āyaṯ	yē
āyū	darəgēm	xṣ̌yō	aparəm	hōi
awaētās	dušx^{w}arəϑēm	təmaŋhō
ahūm	wā	tēm	wacō
šyaoϑanāiš	drəgwaṇtō
naēṣ̌aṯ	daēnā	x^{w}āiš

خوشبختی و بدبختی خویش را هر کسی با دست خود فراهم می سازد

کسی که پیرو راستی است جایگاهش در هر دو جهان در سرای شادی و روشنی خواهد بود. ولی دروغ پرست و گمراه زمانی دراز در سرای تاریکی با ناله و افسوس به سر خواهد برد. این هر دو دسته. پاداش و جزای خود را به دست خود و با کردار خویش فراهم می سازند.

بند بیست و یکم

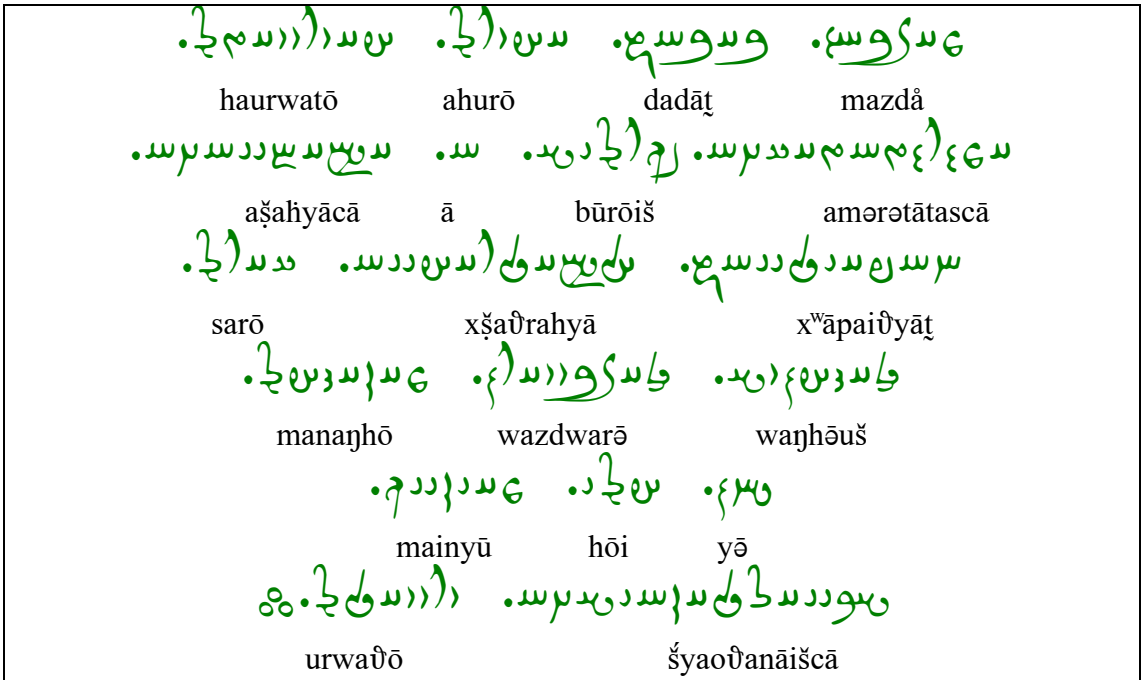

پاداش نیکان رسیدن به کمال واقعی و نیروی معنوی است

کسانی که از روی رسایی اندیشه و کردار نیک خود به اهورامزدا گروند. از بخش کمال واقعی و جاودانی و راستی و پاک منشی و نیروی معنوی برخوردار شوند. چنین کسانی به راستی به دوستان و هواخواهان اهورا به شمار خواهند آمد.

بند بیست و دوم

yaϑanā hudåŋhē ī ciϑrā

hwō wohū manaŋhā waēdəmnāi

šyaoϑanācā wacaŋhā aṣəm xṣ̌aϑrā

mazdā tōi hwō haptī

wāziṣ̌tō ahurā

astiš aŋhaitī

فردمندان و نیک منشان بهترین دوستان پروردگارند

کسی که دانا و خردمند است. با منش نیک خود حقیقت را دریافت خواهد کرد. چنین کسانی با نیروی معنوی و گفتار نیک خود از آیین راستی پشتیبانی می کنند و نسبت به مزدا اهورا وفادارند و شایسته ترین یار و مددکار مردم به شمار می روند.

یسنا- هات ۳۲

بند یکم

ahyā yāsaṯ xᵂaētuš aĥyācā

airyamnā maṯ wərəzənəm

manōi mahmī daēwā ahyā

mazdå urwāzəmā ahurahyā

tēṇg åŋhāmā dūtåŋhō ϑβōi

daibišəṇtī wå yōi dārayō

بشود که همه اعم از خویش و بیگانه به خدا روی آوریم.

برای رسیدن به خوشبختی و بخشایش اهورایی. باید همگی شما ای خویشان و همکاران و یاران و همچنین شما ای گمراهان روی به سوی خدا آرید. پروردگارا بشود که ما همه پیامبر پیغام تو باشیم و کسانی را که دشمن نام و راه تو هستند از خود دور نگه داریم.

بند دوم

aēibyō mazdå ahurō sārəmnō

wohū manaŋhā xšaϑrāţ

hacā paitī-mraoţ aşā huš-haxā

xʷənwātā spəṇtąm wā ārmaitīm

waŋuhīm warəmaidī

hā-nō aŋhaţ

بشود که همه با هم یگانه و یکدل شویم

ای اهورامزدا از روی خرد مقدس و نیروی سروری خویش دعای ما را مستجاب فرما و مهر پاک و دوستی کامل و رسا را به یاری ما فرست تا همه با هم یک دل شده یکدیگر را از خود دانیم.

بند سوم

aṯ	yūš	daēwā	wīspåŋhō
akāṯ	manaŋhō	stā	ciϑrəm
yascā	wå	maš	yazaitē
drūjascā	pairimatōišcā	šyaomąm	
aipī	daibitānā	yāiš	
asrūdūm	būmyå	haptaiϑē	

خطاب به گمراهان و بدمنشان و دیو پرستان

ای دیو پرستان و گمراهان. شما و هواخواهانتان و همه کسانی که به شما احترام می گذارند. از گروه کژمنشان و تیره دلانی هستید که مدتهاست کردار زشتتان در هفت کشور زمین بر همه آشکار و به بدی شناخته شده اید.

بند چهارم

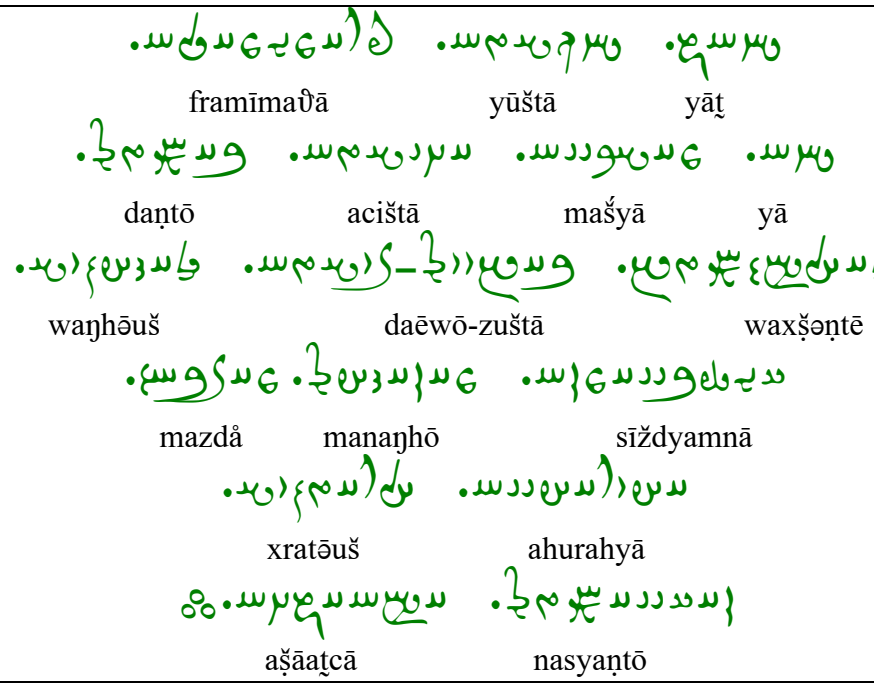

شما اندیشه مردمان را از راه راست منحرف کرده و آنان را به ارتکاب زشت ترین کارها واداشته اید. از این روی شما از یاران دروغ به شما می روید. زیرا از خواست اهورامزدا گریزان و از آیین مقدسش روگردانید.

بند پنجم

hujyātōiš mašīm dəbənaotā tā

akā wå hyaṯ amərətātascā

akascā daēwāṇg yāṇg manaŋhā

šyaoŷanəm akā mainyuš

fracinas yā wacaŋhā

xṣayō drəgwaṇtəm

ای دیوان همان گونه که اهریمن زشت کردار با اندیشه پلید خود شما را فریفته و به امید و نوید رسیدن به سروری و بزرگی. شما و هواخواهانتان را به کردار زشت واداشته است. همان گونه شما نیز. مردمان را گمراه ساخته و از زندگی خوش و جاوید بی بهره کرده اید.

بند ششم

pourū-aēnå ēnāxštā yāiš

srāwahyeitī yezī tāiš aϑā

wōistā hātā-marānē

wahištā manaŋhā ahurā

ϑβahmī wā mazdā xṣaϑrōi

aṣāicā sōṇghō wīdąm

درنبردگاه هستی پیروزی نهایی با نیکان و راست کرداران است

شخص گناهکار و گمراه ممکن است برای مدتی با کارهای زشت خود کامیاب و پیروز شود. ولی اهورامزدا از خرد خویش به کُنه اندیشه هر کسی پی می برد و کردار همه را به درستی داوری می کند و سرانجام برابر قانون ابدی او سروری و پیروزی نیکی و راستی همه جا را فرا خواهد گرفت.

بند هفتم

naēcīṯ aēnaŋhąm aēšąm

hādrōyā aojōi wīdwå

yāiš sāṇghaitē jōyā yā

ayaŋhā xᵂaēnā srāwī

irixtəm ahurā tū yaēšąm

ahī waēdištō mazdā

هر کاری واکنشی دارد، خواه نیک باشد یا بد

هیچ یک ازاین گناه کاران از درس زندگی و واکنش نیکِ کار و کوشش آگاه نیستند و از داوری و کیفر پروردگار بی خبرند- ای اهورامزدا، تو تنها از فرجام کار مردم آگاهی و از واکنش گناه مردمان به خوبی باخبر می باشی.

بند هشتم

wīwaŋhušō aēnaŋhąm aēšąm

mašyāṇg yā yimascīţ srāwī

gāuš ahmākāṇg cixšnušō

ā aēšąmcīţ xʷārəmnō bagā

mazdā ϑβahmī ahmī

aipī wīciϑōi

جمشید از گناه کاران در روز واپسین به شمار است

از میان این گنه کاران جمشید و پسر ویونگهان به خوبی شناخته شده است. چه او برای جلب رضایت خود و مردم جهان استفاده از لذت های جهان مادی را به مردم آموخت(نه معنوی را). ولی مزدا در داوری روز واپسین درباره من چنین قضاوت نخواهد کرد(چه من برای پیشرفت روان مردمان کوشیده ام. نه جسم مادی آنان).

بند نهم

duš-sastiš srawå mōrəṇdaṯ

jyātəuš hwō xratūm səṇghanāiš

apō mā īštīm apayaṇtā

bərəxδąm hāitīm waŋhəuš manaŋhō

tā uxδā manyəuš mahyā mazdā

aṣāicā yūṣmaibyā gərəzē

فریب کاران گفتار حق را تحریف می کنند.

آموزگاران دروغ تعالیم مقدس را تحریف می کنند و با آموزش های نادرست خویش. اساس زندگی مردم را به هم می زنند. چنین کسانی همه را از بخشش گران بهای عقل و خرد و به کار گماردن اندیشه درست و راست باز می دارند. ای مزدا از دست چنین کسانی با روح و قلب خود. به تو پناه می آورم.

بند دهم

mōrəṇdaṯ srawå mā-nā hwō

aogədā waēnaŋhē acištəm yā

yascā hwarəcā aṣibyā gąm

dadāṯ drəgwatō dāϑəṇg

yascā wīwāpaṯ wāstrā yascā

aṣāunē wōiždaṯ wadarə

چنین کسانی آموزش های کتاب مقدس را که می گوید به زمین و نعمت های آن و به خورشید حیات بخش و عناصر سودمند جهان به دیده احترام بنگرید. گفتاری پوچ می شمارند و بدکرداران را پول و رشوه می دهند تا نیک اندیشان را بیازارند و کشتزارها و خانه های آنان را ویران کنند و بر ضد پیروان راه راستی سلاح به کار برند.

بند یازدهم

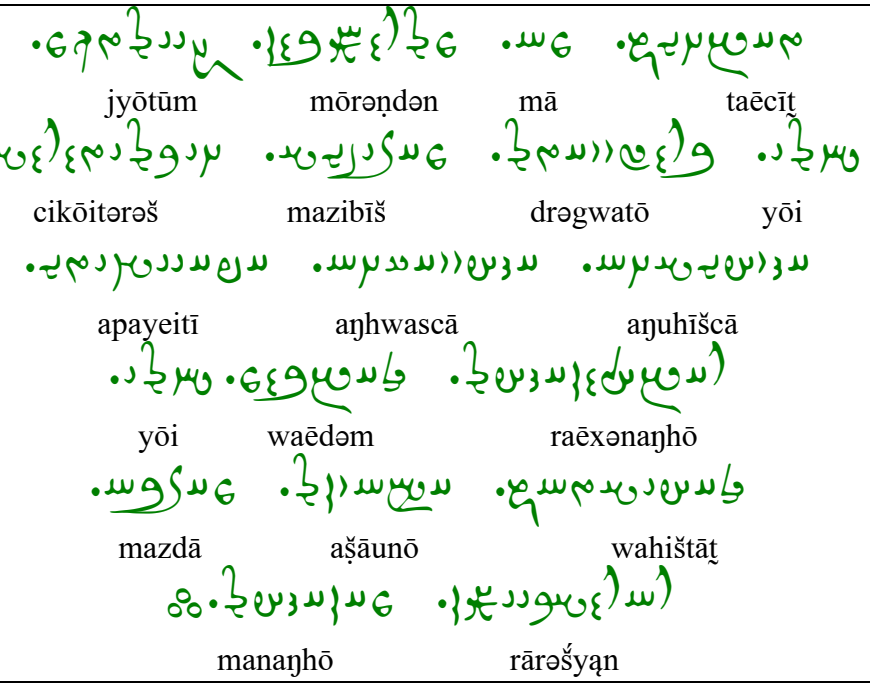

چنین کسانی پیوسته به نابودی زندگی مردمان کوشند و مردان و زنان آزمند را با مال جهان بفریبند و به این وسیله آنان را از راه راست و درست زندگی منحرف کنند و با این کارها اندیشه پارسایان را پریشان و زندگی آنان را تباه می سازند.

بند دوازدهم

wahištāṯ srawaŋhā råŋhayən yā

mazdå aēibyō marətānō šyaoϑanaṯ

mōrəṇdən gəuš yōi mraoṯ akā

gərəhmā yāiš jyōtūm urwāxš-uxtī

karapā waratā aṣāṯ

drujəm īṣanąm xṣaϑrəmcā

اشو زرتشت قربانی را منع فرموده است

با این آموزش ها. آنان مردم را از کردار نیک باز می دارند و حیوانات را با فریاد شادی قربانی می کنند و با گفتار گمراه کننده عده ای را که چون کورانِ با چشم و کرانِ با گوشند. با آشوب و غوغا به جان خلق اندازند تا خود بتوانند با جور و ستم بر مردم سروری کنند.

بند سیزدهم

hīšasaṯ gərəhmō xšaϑrā yā

manaŋhō dəmānē acištahyā

yaēcā ahyā maraxtārō aŋhəuš

kāmē jīgərəzaṯ mazdā

yə-īš dūtīm mąϑrānō ϑβahyā

aṣahyā darəsāṯ pāṯ

فریبکاران همیشه غافل از پایان کار زشت خویش هستند

با هر نیرویی که این پیشوایان دروغین دینی خواسته باشند با منش زشت خود بر مردم سروری کنند. در پایان به تباهی زندگی خودشان خواهد انجامید. ولی هر زمانی که اینان از کردار زشت خود پشیمان شوند و در پی پیام راستین برآیند پیامبر خدا آنان را می پذیرد و به سوی راستی هدایت می کند.

بند چهاردهم

nī	ā-hōiϑōi	gərəhmō	ahyā
dadaṯ	nī	xratūš	kāwayascīṯ
hyaṯ	fraidiwā	hīcā	warəcå
awō	drəgwaṇtəm	wīsəṇtā	
mraoī	jaidyāi	gāuš	hyaṯcā
awō	saocayaṯ	dūraoṣəm	yā

دشمنان اشو زرتشت و کارهای آنان

دیر بازی است که این گروه گمراه کننده که چشم و گوش خود را به عمد بر حقیقت بسته اند. از خیل هواخواهان دروغ یاری می جویند تا به مردم بفهمانند که با هدیه گوشت حیوان قربانی شده و آشام سکرآور(هوم) می توان تباهی و مرگ را از خود دور داشت.

بند پانزدهم

yā wī-nənāsā ā anāiš

kəwītåscā karapōtåscā

daiṇtī yəṇg aibī awāiš

wasō xṣ̌ayamnəṇg jyātəuš nōiṯ

bairyåṇtē ābyā tōi

manaŋhō ā-dəmānē waŋhəuš

واکنش جور و ستم بر مردم شورش و طغیان آنان است

ولی سرانجام، مردم ستم دیده از این دو دسته پیشوایان دروغین و فرمانروایان ستمگر به تنگ آیند و با شورش علیه آنان، دشمنان خود را نابود کرده و تن و روان خود را در هر دو جهان آزاد خواهند ساخت.

بند شانزدهم

yā wahištācīṯ taṯ hamām

dahmahyā syascīṯ uṣuruyē

ahurā mazdā xṣayąs

dwaēϑā aiϑīšcīṯ yehyā-mā

drəgwatō aēnaŋhē hyaṯ

aŋhayā išyēṇg əəānū

باید با مهر و محبت دل دشمنان را نرم کرد

آموزش های مرد پارسا برای هوشمندان از همه چیز سودمند تر است. ای اهورامزدا. ای کسی که در همه کارها پیروزمندی. رنج و آزار دشمنان را از ما دور دار و ما را یاری فرما تا خشم و دشمنی بد خواهان را با سخنان مهر آمیز خود دور گردانیم.

یسنا- هات ۳۳

بند یکم

yā warəṣaitē iϑā yaϑāiš

paouruyehyā aŋhāuš dātā

razištā šyaoϑanā ratūš

aṣāunē hyaṯcā drəgwataēcā

miϑahyā hāməmyāsaitē yeŋhyācā

ārəzwā hōi yācā

خداوند داور دادگر است
بر هر کس بایسته است که برابر قانون ازلی (اشا) که آیین بنیادین زندگی است رفتار کند. چه داور بزرگ در روز واپسین نسبت به نیکان و بدان و هم چنین آنان که بدی و نیکی شان برابر است. از روی بی نظری داوری خواهد کرد.

بند دوم

aṯ yə akəm drəgwāitē wacaŋhā

wā aṯ wā manaŋhā

zastōibyā wā warəṣaitī

waŋhāu wā cōiϑaitē astīm

tōi wārāi rādəṇtī

ahurahyā zaošē mazdå

چه کسی یاور نیکی است؟

کسی که با اندیشه و گفتار و کردار با بدی پیکار کند و با دست و زبان از پیشرفت بدی بکاهد یا یکی از بدکاران را به راه راست رهبری کند. چنین کسی خشنودی اهورامزدا را فراهم می سازد و از یاوران نیکی به شمار است.

بند سوم

xʷaētū wahištō aṣāunē yā

wərəzānyō wā aṯ wā

wīdąs ahurā wā airyamnā

aṯ gawōi ϑβaxṣaŋhā wā

aŋhaṯ aṣahyā hwō

manaŋhō wāstrē waŋhāuščā

کسی که یکی از طرفداران راستی را خشنود سازد. خواه آن کس خویش یا بیگانه باشد. یا این که یکی از بندگان نیک خدا را یاری دهد. چنین کسی از بوستان بهشت و خرم راستی برخوردار خواهد بود.

بند چهارم

asruštīm mazdā ϑβaṯ yə

apā yazāi manō akəmcā

wərəzənaĥyācā tarəmaitīm x^{w}aētəušcā

airyamanascā drujəm nazdištąm

wāstrāṯ gəušcā nadəṇtō

maṇtūm acištəm

چه کارهایی گناه شمرده می شوند

ای مزدا تو را ستایش می کنم و خواستارم روح نافرمانی و گژاندایشی از پیروانم دور شود. هم چنین خیره سری و بداندیشی از همکارانم و فریب و دشمنی از نزدیکانم و نکوهش و ناسزاگویی از پیشوایان و کشاورزان و دروغ از دوستانم بازداشته شود.

بند پنجم

səraoṣəm wīspā-mazištəm yastē

apānō awaŋhānē zbayā

waŋhāuš ā-xṣaϑrəm darəgō-jyāitīm

ā aṣāṯ manaŋhō

yaēṣū paϑō ərəzūš

ṣaētī ahurō mazdå

آرزوی اشو زرتشت برای انجام درست رهبری مردم

برای رسیدن به آرمان خویش و رهبری درست مردمان از سروش(نیروی فرمان برداری و ایمان) یاری می خواهم. آرزومندم که از زندگانی دراز و تندرستی و نیک اندیشی برخوردار شوم و به یاری آشا به پایه رسایی که پیشگاه اهورایی است برسم.

بند ششم

hwō	ərəzūš	aṣ̌ā	zaotā	yə
kayā	wahištāṯ	ā	manyəuš	
yā	manaŋhā	awā	ahmāṯ	
wāstryā	maṇtā	wərəzyeidyāi		
mazdā	ahurā	izyāi	tā-tōi	
hām-parštōiščā	darštōiščā			

ای اهورامزدا همچون ستایشگر با ایمانی که در راستی و پاکی پابرجاست با دل و جان و با همه وجودم از تو درخواست می کنم که در انجام رسالتم در این جهان به درستی و راستی برآیم و در پایان به دیدار و هم پرسگی تو سرافراز شوم.

بند هفتم

wahištā āidūm ā-mā

darəšaṯcā mazdā ā-xʷaiϑyācā

yā manaŋhā wohū aṣ̌ā

magāunō parə sruyē

hənṭū aṇtarə āwiš-nå

rātayō ciϑrå nəmaxʷaitīš

اشو زرتشت آرزومند رهبری همه مردمان جهان است

ای مزدا- ای بهتر از همه- در اندیشه ام راه یاب تا به درک تو نایل شوم. زیرا آرزومندم در پرتو راستی و پاک منشی بتوانم شنوندگانی را خارج از انجمن مغان به دست آورم تا بشود که همه مردمان به وظایف و تکالیف خود نسبت به خدا و خلق خدا آشنا شوند.

بند هشتم

frō-mōi	frawōizdūm	arəϑā
tā	yā	wohū	šyawāi	manaŋhā
yasnəm	mazdā	xšmāwatō	aṯ
wā	aṣā	staomyā	wacå
dātā	wā	amərətåscā
utayūitī	haurwatās	draonō

با اندیشه و دلی پاک می توان به رسایی و کمال معنوی رسید

ای مزدا ما را از حقیقت آگاه فرما تا به یاری اندیشه پاک. تو را به درستی بستاییم. اینک این سرود ستایش(مناجات) را که از راستی و دلی پاک سرچشمه گرفته است. بپذیر. باشد که در پرتو این دو نیرو(اندیشه و دل) به رسایی و جاودانی برسیم.

بند نهم

mainyūm tēm mazdā tōi aṯ

sarədyayå aṣ̌aoxṣ̌ayaṇtå

mayā maēϑā xᵂāϑrā

manaŋhā barətū wahištā

yayå hākurənəm arōi ayå

urwąnō haciṇtē

تنها با نیروی خرد و دلی پاک است که می توان خدا را شناخت

ای مزدا تنها با نیروی خرد و بینایی دل است که می توان به سرچشمه راستی که پروردگار است. رسید. نعمتی که در پرتو آن راستی و درستی در افزایش خواهد بود. بشود که به یاری و رهنمایی بهترین اندیشه و دلی پاک از بخشش های راستی و بینایی برخوردار شویم.

بند دهم

yå-zī hujītayō wīspå-stōi

yåscā həṇtī yåscā åŋharā

ϑβahmī bawaiṇtī mazdā

ābaxšōhwā zaošē hīš

xšaϑrā manaŋhā uxšyā wohū

tanūm uštā aṣ̌ācā

پروردگار رنج و شادی را به فراخور کردارمان در هر دو جهان ارزانی داشته است

ای مزدا- به راستی که همه خوشی ها و رنج های زندگی آن چه بوده و هست و خواهد بود. از تو است که به هر کس به فراخور کردارش از روی دادگری خویش ارزانی می داری. بشود که ما را در پرتو منش پاک و شجاعت معنوی(خشترا) و پرهیزکاری(اشا) به والاترین بخشش ها برخوردار سازی.

بند یازدهم

ahurō	səwištō	yə
ārmaitišcā	mazdåscā	
frādaṯ-gaēϑəm	aṣəmcā	
xṣaϑrəmcā	wohū	manascā
mərəždātā-mōi	sraotā-mōi	
paitī	kahyāicīṯ	ādāi

فدا برآورنده همه آرزو های ماست
ای اهورامزدا- ای تواناتر از همه- مرا از ایمان پاک و استوار و خرد مقدس و شجاعت معنوی و فداکاری برخوردار ساز- آواز دلم را بشنو و هنگامی که به هر یک پاداشی در برابر کردارشان می بخشی. بدون در نظر گرفتن لیاقتم مرا مشمول آمرزش خویش ساز.

بند دوازدهم

us-mōi	uzārəṣ̌wā	ahurā
ārmaitī	təwīṣ̌īm	daswā
spēništā	mainyū	mazdā
waŋhuyā	zawō	ādā
aṣ̌ā	hazō	ēmawaṯ
wohū	manaŋhā	fəsəratūm

رسایی و کمال مادی و معنوی تنها با نیروی اندیشه و ایمان پاک فراهم می شود.

ای اهورا- در اندیشه ام راه یاب و از پرتو ایمانی استوار و خردی پاک مرا رسایی و کمال مادی و معنوی بخش- ای مزدا ستایشم را به نیکی پاداش ده و به یاری اشا مرا نیروی پارسایی بخش و در پرتو خرد پاک مرا با عشق و مهر جهانی بیارای.

بند سیزدهم

dōiṣī-mōi wourucaṣānē rafəδrāi

abifrā yā-wā

yā ahurā xṣaϑrahyā tā

manaŋhō aṣiš waŋhāuš

ārmaitē spəṇtā frō

fradaxṣayā daēnå aṣā

دعای اشو زرتشت به گروندگان کیش اهورایی

ای اهورایی که از همه چیز با خبری- شادی و خرمی بی مانندت را همراه خشترا(نیروی معنوی) و وهومن(اندیشه پاک) به کسانی که به من گرویده اند بخشش فرما و به وسیله آرمئیتی(ضمیر پاک) دل های همه را روشن کن تا همه به خوبی سود پاکی اندیشه و دل را دریابیم.

بند چهاردهم

tanwascīṯ zaraϑuštrō rātąm aṯ

dadāitī uštanəm xʷaϩyå

waŋhəuš manaŋhascā paurwatātəm

šyaoϑanahyā mazdāi

uxδaϩyācā yācā ašāi

xšaϑrəmcā səraošəm

پیشکش کردن اشو زرتشت تن و جان خود را در راه خدمت به مردم جهان

من که زرتشت هستم. برای فرمان برداری تو ای اهورامزدا همه هستی و تن و جان خود را با اندیشه و عشق واقعی به تو پیشکش و در راه پیشبرد پارسایی. همه کردار و گفتار و نیروهای خود را در راه خدمت به مردم جهان آماده کرده ام.

یسنا- هات۳۴

بند یکم

wacaŋhā yā šyaoϑanā yā

amərətatātəm yasnā yā

dåŋhā taēibyō aṣəmcā

haurwatātō xṣaϑrəmcā mazdā

ahurā tōi aēṣąm

dastē pourutəmāiš əhmā

ای مزدا می دانم که در برابر نیاز گفتار و کردار نیک و ستایش پاک بندگانت به آنان جاودانی و رسایی و نیروی معنوی خواهی بخشید- بشود که ما نیز با این نیازها در ردیف کسانی باشیم که با این نیروها به شناسایی تو و ضمیر خویش نایل می شوند.

بند دوم

mainyušcā manaŋhā ī-tōi aṯcā

dātā wīspā waŋhuš

šyaoϑanā nərəš spəṇtaϩyācā

hacaitē aṣā urwā yehyā

wahmē xṣ̌māwatō pairigaēϑē

stūtąm garōbīš mazdā

تنها با اندیشیدن به خدا و گام نهادن در راه پارسایی است که روان آدمی می تواند به مزدا نزدیک شود. پروردگارا. بشود که ما نیز با ستایش و کردار پارسایی به تو نزدیک شویم.

بند سوم

ahurā myazdəm tōi aṯ

dāmā aṣ̌āicā nəmaŋhā

ā-xṣ̌aϑrōi wīspå gaēϑå

manaŋhā ϑraoštā wohū yå

wīspāiš hudåŋhō ārōi-zī

sawō xṣ̌māwasū mazdā

ای اهورامزدا- با فروتنی تمام ستایش خود را به راستی و درستی(اشا) به تو پیشکش می کنم و آرزومندم که همه جهانیان را با نیروی منش پاک و خشترا(نیروی معنوی) برخوردار سازی. چه می دانم که هوشیاران و نیک اندیشان پیوسته از این نیروها برخوردار می باشند.

بند چهارم

ahurā ātrēm tōi aṯ

usēmahī aṣā aojōŋhwaṇtəm

stōi ēmawaṇtəm asīštīm

ciθrā-awaŋhəm rapaṇtē

daibišyaṇtē mazdā aṯ

dərəštā-aēnaŋhəm zastāištāiš

ای اهورا- ما فروغ اندیشه نیک و پارسایی را که از وجود تو پرتوافکن است. خواستاریم. آن نور فروزانی که سبب راهنمایی و قوت قلب مردمان است و به کمک آن نور است که تو می توانی نیک را از بد و پاک را از ناپاک تمیز دهی. چه تویی دانای کل.

بند پنجم

kaṯ wā xṣ̌aŷrəm kā īštīš

šyaoŷanāi mazdā yaŷā wā hahmī

aṣ̌ā wohū manaŋhā ŷrāyōidyāi

drigūm yūṣ̌mākəm parā-wå

wīspāiš parā waoxəmā daēwāišcā

xrafstrāiš mašyāišcā

ای مزدا چه شگرف است نیروی تو و چه توانا است فرمانروایی تو بر جهان- ما همه آرزومندیم که به یاری نیروهای تو. یعنی وهومن و اشا. بتوانیم درماندگان و ناتوانان را از شر دشمنان دین و رهزنان راه تو در امان داریم.

بند ششم

mazdā haiϑīm stā aϑā yezī

manaŋhā wohū aṣā

dātā daxštəm mōi taṯ aṯ

maēϑā wīspā aŋhāuš ahyā

yazəmnascā wå yaϑā

paitī ayenī stawas urwāidyå

چون تو ای مزدا سرچشمه راستی و همه نیروها هستی. ما را رهبری فرما تا در پرتو نیروهایت دوران زندگی خاکی را چنان که بایسته است بگذرانیم و در پایان با روانی پاک به سویت بازگردیم.

بند هفتم

kuϑrā	tōi	arədrā	mazdā	yōi
waŋhāuš	waēdənā	manaŋhō		
sāṇghūš	raēxənå	aspāṇcīṯ		
sādrācīṯ	caxrayō	uṣəurū		
naēcīm	tēm	anyēm	yūṣmaṯ	
waēdā	aṣā	aϑā-nå	ϑrāzdūm	

هر ستایشگر واقعی که معتقد به مهر و بخشایش اهورامزدا و سودمندی آموزش های دین او باشد. باید چه درگاه خوشبختی یا هنگام بدبختی با ایمانی استوار پابرجا ماند و به گسترش پیام مقدس بکوشد و یقین بداند که او پیوسته پشت و پناه همه ماست و پیروان راه خود را از پرتو مهر و نیروهای خود نگه می دارد.

بند هشتم

byeṇtē	šyaoϑanāiš	zī-nå	tāiš
iϑyejō	pourubyō	pairī	as
nāidyåŋhəm	aojyå	as	hyaṯ
urwātahyā	ąstā	mazdā	ϑβahyā
mainyaṇtā	ašəm	nōiṯ	yōi
manō	as	wohū	dūirē

آنان که دچار شک و تردیدند. از کارها و کوشش های ما هراسان و نگران هستند. چه ما با پشتیبانی مزدا آماده روبه رو شدن با هر سختی و خطری هستیم و می دانیم که پروردگار یکتا با بد اندیشان و بد گفتاران و بد کرداران مخالف و از آنان روگردان است.

بند نهم

ϑβahyā	ārmaitīm	spəṇtąm	yōi
wīduṣō	bərəxδąm	mazdā	
awazazaṯ	duš-šyaoϑanā		
manaŋhō	əwistī	waŋhəuš	
syazdaṯ	aṣā	maš	aēibyō
xrafstrā	aurunā	ahmaṯ	yawaṯ

آنان که به راه زشت کاری و بدگویی گام می نهند. در زمره بی خبرانند و راستی از آنان دور خواهد ماند. چه آنان خود را از فروغ دانش دور کرده اند و در نتیجه خوشبختی نیز از آنان دور خواهد ماند.

بند دهم

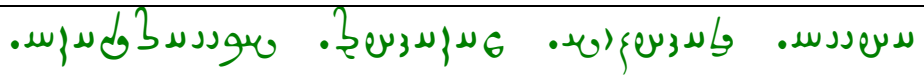

šyaoϑanā manaŋhō waŋhəuš ahyā

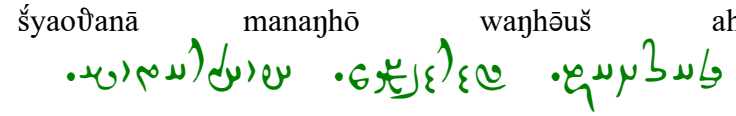

huxratuš gərəbąm waocaṯ

dąmīm ārmaitīm spəṇtąmcā

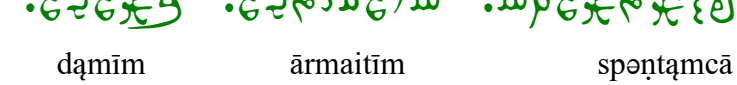

aṣahyā hiϑąm wīdwå

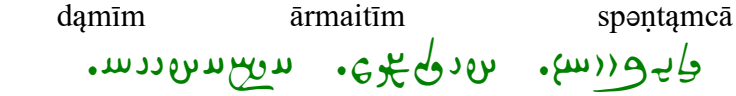

ϑβahmī ahurā wīspā tācā

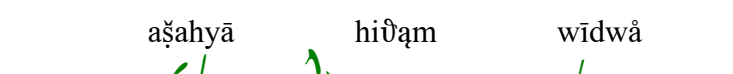

wōyaϑrā ā xṣ̌aϑrōi mazdā

ولی فرد دانا و خردمند با آگهی از دانش خدایی چون هسته مرکزی حقیقت و راستی باید تبه کاران و نادانان را به پیروی از نیک اندیشی و نیک گفتاری و نیک کرداری وادارند و بی گمان آنان پس از شناخت راه راست و درست همه به سوی خدا روی خواهند آورد.

بند یازدهم

پروردگارا- ما را از بخشش خرداد(رسایی و کمال مامدی و معنوی) و امرداد(جاودانگی و نیک نامی) که از راه وهومن و اشا و خشترا(نیک اندیشی و پرهیزکاری و تسلط بر نفس) به دست می آید. بهره مند ساز تا در پرتو این فروزگان به آرزوهای نیک خود برسیم.

بند دوازدهم

kaṯ waṣ̌ī kaṯ rāzarē tōi kaṯ

yasnahyā wā kaṯ stūtō wā

frāwaocā mazdā srūidyāi

rāṣ̌ṇąm aṣ̌īš wīdāyāṯ wā

paϑō aṣ̌ā sīṣ̌ā-nå

manaŋhō x^{w}aētāṇg waŋhəuš

کدام است آیین تو و چیست آرزوی تو ای اهورامزدا؟ چه ستایشی سزاوار توست! آن را آشکارا به من بنما تا از برکات انجام آن برخوردار شویم. پروردگارا به ما بیاموز که چگونه در پرتو راستی رهسپار راه تو باشیم.

بند سیزدهم

mōi yēm ahurā adwānəm tēm

manaŋhō waŋhēuš mraoš

yā saošyaṇtąm daēnå

urwāxṣ̌aṯ aṣ̌ācīṯ hū-karətā

mīždəm hudābyō ciwištā hyaṯ

daϑrəm tū yehyā mazdā

ای اهورا می دانم راه پاک منشی که به من نمودی راهی است که بر پایه آموزش های هوشیاران و خردمندان استوار است و آن آموزش ها می گوید هر کار نیکی که تنها به خاطر نیکی و راستی انجام پذیرد. سزاوار پیروی است و نتیجه آن همانا رسیدن به توست ای مزدا.

بند چهاردهم

wairīm mazdā zī taṯ

dātā uštānāi astwaitē

yōi manaŋhō šyaoϑanā waŋhāuš

azyå wərəzənē gāuš zī

ahurā hucistīm xšmākąm

wərəzənā frādō aṣā xratəuš

پاداش گران بهای مزدا از آن کسی است که در کالبد جسمانی و جهان مادی با منش پاک به کار و کوشش پردازد و در آبادانی و پیشرفت جهان بکوشد و به این وسیله خواست پروردگار را برآورده سازد.

بند پانزدهم

wahištā mōi aṯ mazdā

waocā šyaoϑanācā srawåscā

manaŋhā wohū tā-tū

stūtō išudəm ašācā

fəraṣəm ahurā xṣaϑrā xṣmākā

ahūm då haiϑyəm wasnā

اهورامزدا در آیین خود ما را از بهترین گفتار و کردار آگاه فرموده و برترین راه ستایش را به ما آموخته است. باشد تا با پیروی از علم و عمل یا گفتار و کردار نیک به یاری اهورا از یک زندگانی کامل که سرشار از راستی و درستی باشد برخوردار گردیم.

یسنا-هات ۴۳

بند یکم

kahmāicīṯ uštā yahmāi ahmāi uštā

ahurō dāyāṯ mazdå wasē-xṣayąs

wasəmī tōi gaṯ təwīṣīm utayūitī

ārmaitē då mōi taṯ dərədyāi aṣəm

waŋhəuš aṣīš rāyō

manaŋhō gaēm

خوشبختی از آن کسی است که در پی خوشبختی دیگران باشد

خوشبخت کسی است که خوشبختی دیگران را فراهم سازد. چنین است فرمان و خواست اهورامزدای چاره ساز. از این روی ما خواستاریم که با نیروی راستی و پایداری نیاز یکدیگر را برآورده سازیم. ای آرمئیتی، ای مهر خدایی ما را در زندگی از بخشش بینایی کامل و منش پاک برخوردار ساز.

بند دوم

wahištəm	wīspanąm	ahmāi	aṭcā
daidītā	xʷāθrəm	nā	xʷāθrōyā
mazdā	mainyū	spāništā	cīcīθβā	θβā
manaŋhō	māyå	waŋhāuš	ašā	då	yā
ayārā	wīspā
urwādaŋhā	darəgōjyātōiš

فودشناسی بهترین راه رسایی است.

ای مزدا بهترین بخشش ها را که خودشناسی است به ما ارزانی دار- ای نورانی ترین نور معنوی به وسیله خرد مقدست ما را از دانش و منش پاک برخوردار ساز تا با پیروی از قانون اشا روزهای زندگانی خود را قرین خوشبختی و رسایی مادی و معنوی سازیم.

بند سوم

aibī-jamyāṯ nā wahyō waŋhāuš hwō aṯ

sīšōiṯ paϑō sawaŋhō ərəzūš nå yā

manaŋhascā astwatō aŋhāuš ahyā

ā-ṣaētī yāṇg āstīš haiϑyāṇg

huzāṇtušə ϑβāwąs arədrō ahurō

mazdā spəṇtō

درود به آموزگاران راه راستی

پروردگارا کسی که ما را به راه راست و درست زندگی و رستگاری جهان مادی و معنوی رهبری کند. بهشت بهره اش ساز. آن بهشتی که پایگاه پرهیزگاران و پاک منشان و بارگاه قدس اهورایی است. بشود که به رهبری آنان ما به تو راه یابیم.

بند چهارم

spəṇtəm taxməmcā mēṇghāi ϑβā aṯ

yā-tū zastā tā hyaṯ mazdā

drəgwāitē aṣīš då yå awå hafṣī

ϑβahyā aṣāunaēcā

aṣā-aojaŋhō āϑrō garəmā

manaŋhō jimaṯ hazē waŋhēuš mōi hyaṯ

مزدا داور دادگر کارهای مردمان است

ای مزدا من دریافتم که تویی توانا و پاک و داور دادگری که هر نیکی و بدی را پاداش و سزا می بخشی- ایمان من به تو ناگسستنی است. چون پاداش و سزای نیک اندیش و دروغ پرست را از زبانه آذر فروغمند و پاکت که جز از راستی و داد نیست برقرار داشته ای.

بند پنجم

ahurā	mōṇghī	mazdā	ϑβā	aṯ	spəṇtəm
darəsəm	zą̊ϑōi	aŋhāuš	ϑβā	hyaṯ	
	šyaoϑanā	då	hyaṯ	paourwīm	
	uxδā	yācā	mīždawąn		
waŋhaowē	aṣīm	waŋuhīm	akāi	akēm	
apāmē	urwaēsē	dāmōiš	hunarā	ϑβā	

مزدا سرآغاز و سرانجام همه چیز است.

آن گاه تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که تو را سرآغاز و سرانجام همه چیز دانستم و دریافتم که تو از روز نخست نتیجه و بازتاب هر گفتار و کردار نیک یا بدی را مقرر فرمودی و داوری تو پیوسته بر این اصل است که بدی بهره بدان و نیکی پاداش نیکان است تا روز بازپسین.

بند ششم

yahmī spəṇtā ϑβā mainyū urwaēsē

jasō mazdā xšaϑrā ahmī wohū manaŋhā

yehyā šyaoϑanāiš gaēϑå aṣā

frādəṇtē aēibyō ratūš sēṇghaitī

ārmaitiš ϑβahyā xratēuš

yēm naēciš dābayeitī

آموزش راه دین بر همه کس بایسته است

از آن دم که خرد مقدس مزدا در درون کسی راه یابد. نیروی معنوی و منش پاک در او پدیدار شود و آنگاه است که پیامبر تو خواهد توانست به او علم دین و دانش مینوی بیاموزد تا به وسیله آن آموزش ها. کشور پارسایی گسترش یابد و کسی نتواند پیروان تو را از راه راست و درست باز دارد.

بند هفتم

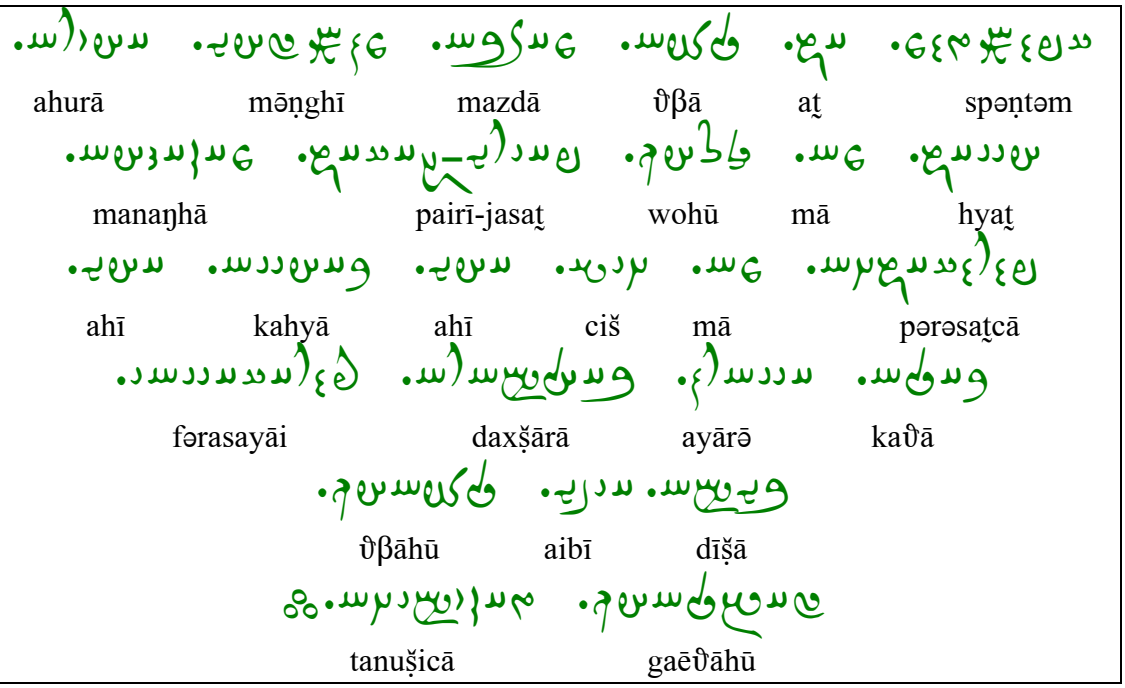

هرکس باید بیندیشد که کیست، از کجا آمده و برای چه در این جهان است؟

ای مزدا اهورا- هنگامی تو را مقدس شناختم که منش پاک به من روی نمود و واداشت تا بیندیشم که من کیستم و از کجا آمده ام و دریابم که وظیفه من در این جهان چیست و به طرفداری از کدام گروه(نیکان یا بدان) برخیزم؟

بند هشتم

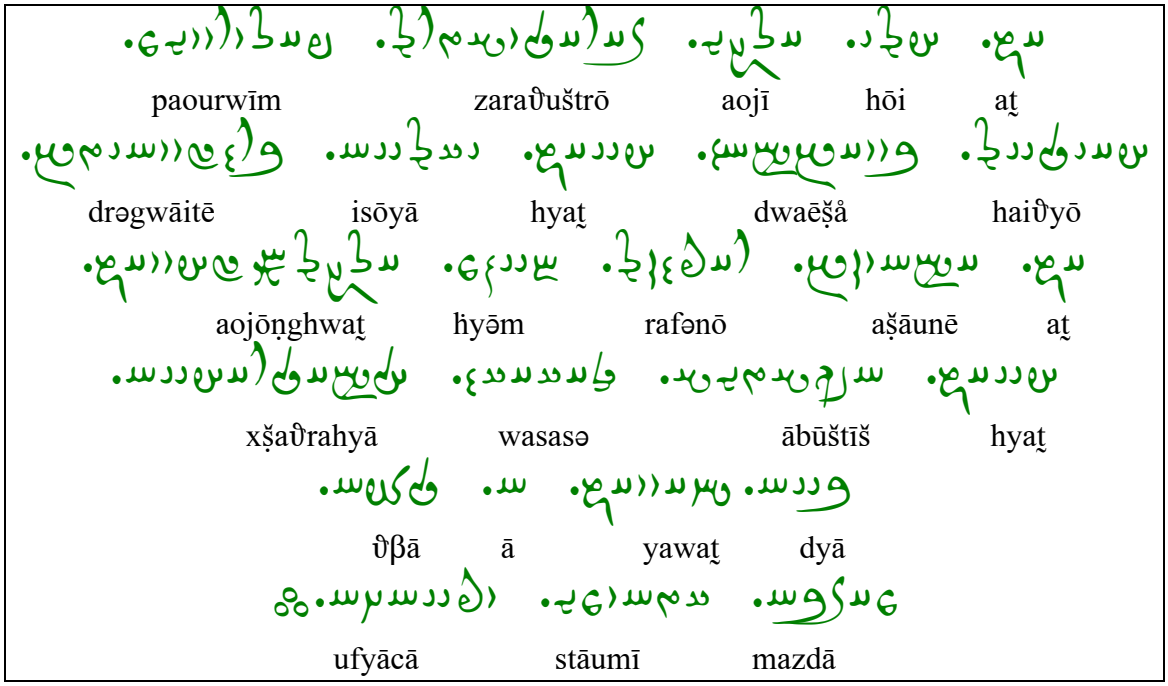

باید پیوسته دشمن دروغ و دوست دار راستی بود
آن گاه به خود پاسخ داده . گفتم: من زرتشتم و تا آن جا که نیرو دارم دشمن سرسخت دروغ و پشتیبان استوار راستی خواهم بود تا زمانی که همه جهانیان به کشور جاویدان راستی راه یابند- از این روی همیشه. ای مزدا تو را ستایش گر و با سرودهای نیایش. تو را خواهم ستود.

بند نهم

ahurā	mōṇghī	mazdā	ϑβā	aṯ	spəṇtəm
manaŋhā	pairī-jasaṯ	wohū	mā	hyaṯ	
waṣ̌ī	wīwīduyē	kahmāi	fərasōm	ahyā	
āϑrē	ϑβahmāi	ā	aṯ		
nəmaŋhō	rātąm				
manyāi	isāi	yawaṯ	aṣ̌ahyā-mā		

پیروی از راستی بهترین راه زندگی است

ای خدای دانا. آن گاه تو را مقدس شناختم که وهومن(منش پاک) به من روی آورد و پرسید: چه راهی را با صمیم قلب. پیروی خواهی کرد؟ و من پاسخ دادم. من راستی را که بهترین و والاترین راه است پیروی می کنم و تا آن زمان که نیرو دارم دل به این فروغ مینوی خواهم بست.

بند دهم

mā hyaṯ aṣəm dāiš mōi tū aṯ

ārəm īṯ hacimnō ārmaitī zaozaomī

parštā əhmā tōi yā nå pərəsācā

əmawatąm taṯ yaϑanā ϑβā zī parštəm

xṣayąš ϑβā hyaṯ

əmawaṇtəm dyāṯ aēṣəm

راه راست را تنها با منش پاک می توان شناخت

پس ای منش پاک. راه راست را به من بنما چه هماره خواهان آنم تا با نیروی آرمئیتی(آرامش وجدان) آن را بپیمایم. ای وهومن پیوسته به پرسش های ما پاسخ ده چه راهنمایی های تو چنان است که از جانب خدای بزرگ رسیده باشد و تنها این راهنمایی هاست که همه را توانایی و کوشایی می بخشد.

بند یازدهم

ahurā	māṇghī	mazdā	ϑβā	aṯ	spəṇtəm
manaŋhā	pairī-jasaṯ	wohū	mā	hyaṯ	
paourwīm	dīdaiŋ́hē	uxδāiš	xṣ̌mā	hyaṯ	
zarazdāitiš	mašyaēṣ̌ū	sąs	sādrā-mōi		
hyaṯ	wərəzyeidyāi	taṯ			
wahištəm	mraotā	mōi			

همه ما باید پیوسته در پیشبرد راستی بکوشیم

آن گاه تو را مقدس دانستم ای مزدا اهورا که وهومن(خرد پاک) بر من ظاهر شد و راه راست را به من نشان داد و چون آن را دریافتم بر آن شدم تا به مردمان بیاموزم هر چند در این راه رنج و سختی کشم. راستی را که بهترین آیین است به آنان نشان دهم.

بند دوازدهم

hyaṯcā mōi mraoš aṣəm jasō frāxšnənē

aṯ tū-mōi nōiṯ asruštā pairyaoγžā

uzərədyāi parā hyaṯ mōi ā-jimaṯ

səraoṣō aṣī mązā-rayā hacimnō

yā wī aṣīš rānōibyō

sawōi wīdāyāṯ

آوای سروش همان وحی یا ندای وجدان است که از درون آدمی بر می خیزد

هنگامی که فرمان سروش و اشا را از درون خود شنودم بر آن شدم تا راه راست و آیین درست را به مردم بیاموزم و دمی از آن سرنپیچم و چون دانستم که این آیین راست و درست است با کوشش و اراده و جراتِ تمام تعلیم خواهم داد. باشد که من و پذیرندگان این دین کامروا گردیم.

بند سیزدهم

ahurā	mōṇghī	mazdā	ϑβā	aṯ	spəṇtəm
manaŋhā	pairī-jasaṯ	wohū	mā	hyaṯ	
dātā	mōi	tēm	kāmahyā	wōizdyāi	arəϑā
naēcīš	wå	yēm	yāuš	darəgahyā	
yā	stōiš	wairyå	itē	dārəšt	
wācī	xšaϑrōi	ϑβahmī			

برای پیشبرد راستی باید در برابر دروغ پرستان ایستادگی کرد

آن گاه تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که خرد پاک به من روی کرد و پرسید: ای زرتشت آرزوی تو چیست؟ و من گفتم آرزومندِ یک زندگی دراز و سالم هستم تا بتوانم در برابر دروغ پرستان هر چه بیشتر ایستادگی کنم و بر آنان پیروز شوم.

بند چهاردهم

daidīţ iswā waēdamnō fryāi nā hyaţ

frāxšnənəm rafənō tawā mazdā maibyō

frąštā hacā aṣāţ xṣaϑrā ϑβā hyaţ

sōṇghahyā sarədanå azēm uzərəidyāi

yoi-tōi wispāiš tāiš maţ

marəṇtī mąϑrå

اهورا مزدا دوستی مهربان و یاور همه است
همان گونه که دوست مهربانی پیوسته پشت و پناه دوست خود است. ای مزدا مرا دستگیر و پشتیبان باش و نیرویی به من ده تا بتوانم آیین تو را به خوبی بگسترانم و به آنان که به فرمان تو و دستورهای تو گوش می دهند بیاموزم تا از دروغ پرستان روی بگردانند و با آنان بستیزند.

بند پانزدهم

spəṇtəm aṯ ûβā mazdā māṇghī ahurā

hyaṯ mā wohū pairī-jasaṯ manaŋhā

daxšaṯ ušyāi tušnā maitiš wahištā

nōiṯ nā pourūš drəgwatō ḥyāṯ

cixšnucō aṯ tōi wīspāṇg aṇgrāṇg

ašāunō ādarə

با یاد و اندیشه خدا می توان بر نیروی های روان افزود

هنگامی تو را مقدس شناختم ای مزدا اهورا که وهومن به سوی من آمد و مرا واداشت تا دریابم که برای نیرومندی روان بهترین چیز اندیشه و یاد تو در گوشه خاموشی است و مرا آگاه فرمود که نباید هرگز به جلب رضایت و خشنودی دروغ پرستان برآمد. زیرا آنان راستی را بدترین دشمن خود می دانند.

بند شانزدهم

zaraϑuštrō mainyūm hwō ahurā aṯ

spōništō cišcā yastē mazdā wərəṇtē

aojōnghwaṯ uštānā ḥyāṯ aṣəm astwaṯ

ārmaitiš ḥyāṯ xṣ̌aϑrōi darəsōi xʷəṇg

wohū šyaoϑanāiš aṣ̌īm

manaŋhā daidīṯ

پیروی درست از فرمان دین خدا. تنها به یاری خرد و ایمان ممکن است

بنابراین من که زرتشت هستم آرمئیتی(نیروی ایمان و وجدان) را برای خود برگزیدم. باشد که به یاری آن. نیروی راستی و پاکی چون خورشید تابان بر همه نورپاشی کند و آرمئیتی و وهومن ما را به حسب کردار نیکمان پاداش و مزد بخشد.

یسنا-هات ۴۴

بند یکم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ϑβā taṯ

xšmāwatō nəmə yaϑā ā nəmaŋhō

mawaitē saȟyāṯ ϑβāwąs fryāi mazdā

hākurənā dazdyāi fryā ašā nə aṯ

wohū ā yaϑā-nə

manaŋhā jimaṯ

پرسش های اهورایی

این را از تو می پرسم ای اهورا. مرا آگاه فرما. چگونه تو را به درستی باید ستود؟ ای مزدا آن را به من. که چون جان تو را دوست دارم. بیاموز تا همه بتوانیم از این راه به حقیقت پی بریم و منش پاک به سوی همه ما روی آورد.

بند دوم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ϑβā taţ

paourwīm wahištahyā aŋhəuš kaϑā

paitišāţ yə-ī sūidyāi kāϑə

irixtəm spəntō aṣā zī hwō

mainyū hārō wīspōibyō

mazdā urwaϑō ahūmbiš

پاداش کردار نیک خوشبختی در دو جهان است

از تو می پرسم ای اهورا. چه به راستی می خواهم بدانم. آیا سرانجام زندگی پارسایی خوشبختی در دو جهان است و کسی که برای رستگاری روان دیگران می کوشد. بهره نیک خواهد برد؟ این را مزدا می دانم که هر که به مردم مهر ورزد و برای رستگاری دیگران بکوشد. چنین کسی دوست تو و درمان بخش زندگی مردم خواهد بود.

بند سوم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ϑβā taţ

pouruyō aṣahyā patā ząϑā kasnā

adwānəm dāţ starəmcā xʷəṇg kasnā

ϑβaţ nərəfsaitī uxšyeitī må yā kā

wasəmī mazdā tācīţ

wīduyē anyācā

همه آفرینش ها از خداوند است

از تو می پرسم ای اهورا- چه به راستی می خواهم بدانم- جز تو چه کسی در روز نخست آفرینش را بیافرید؟ چه کسی به خورشید و ستارگان راه سیر بنمود؟ کاهش و افزایش ماه از کیست؟ این ها و بسا چیزهای دیگر را می خواهم به درستی بدانم.

بند چهارم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ŷβā taṯ

nabåscā adē zącmā dərətā kasnā

urwaråscā apō kē awapastōiš

āsū yaogəṯ dwącmaibyascā wātāi kē

mazdā waŋhēuš kasnā

manaŋhō dącmiš

خداوند نگهدار زمین و آسمان است

از تو می پرسم ای اهورا- چه به راستی می خواهم بدانم- جز تو چه کسی نگهدار زمین در پایین و سپهر در بالا است؟ جز تو چه کسی آفریننده آب و گیاهان است؟ جز تو کیست آن که به باد و ابر. تندرَوی فرمود؟ جز تو چه کسی برانگیزنده منش پاک در مغزهای مردم است؟

بند پنجم

ahurā	waocā	ərəš-mōi	pərəsā	ϑβā	taṯ
təmåscā	dāṯ	raocåscā	hwāpå	kā	
zaēmācā	dāṯ	xʷafnəmcā	hwāpå	kā	
xṣapācā	arēm-piϑβā	ušå	yā	kā	
	manaoϑrīš	yå			
arəϑahyā	cazdōṇghwaṇtəm				

سجده گاه نماز
جز تو کیست آن هنرمند بزرگی که روشنایی سودمند و شب آرام بخش را بیافرید؟ جز تو کیست ایجاد کننده خواب و بیداری؟ و جز تو چه کسی پدید آورنده بامداد و نیمروز و شب است که مردم را برای ادای نماز تو فرا می خواند؟

بند ششم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ŭβā taṯ

aŭā tā yezī frawaxšyā yā

dəbązaitī šyaoŭanāiš aṣəm haiŭyā

cinas wohū xṣaŭrəm taibyō ārmaitiš

azīm kaēibyō manaŋhā

taṣō gąm rānyō-skərətīm

خداوند این جهان را برای شادی ما آفرید

از تو می پرسم ای اهورا- به راستی می خواهم بدانم- آیا روزی دانش واقعی و خرد مینوی(آرمئیتی) را به یاری ما خواهی فرستاد؟ چه می دانم ملکوت تو بر نیک منشی و راستی استوار است و برای چه کسانی این جهان بارور و شادی بخش را بیافریدی.

بند هفتم

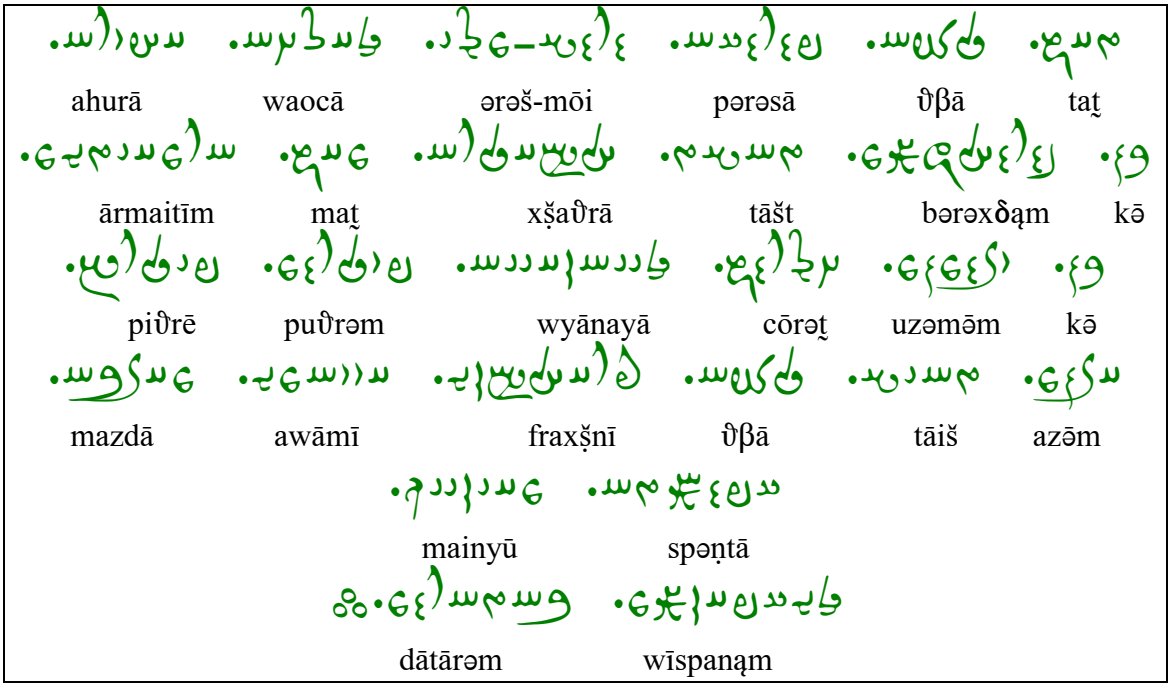

این را می دانم ای اهورا که تو از روز ازل نیروی معنوی و مهر و دوستی جهانی و همگانی را بیافریدی. تویی آن کسی که از روی خرد مهر فرزند را در دل پدر و مادر برانگیخته ای. ای مزدا آرزومندم که به وسیله خرد مقدس به تو نزدیک شوم و تو را چنان چه باید بشناسم.

بند هشتم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ϑβā taṯ

ādištiš mazdā yā-tōi məṇdaidyāi

manaŋhā fraṣī uxδā wohū yācā

waēdyāi arēm aŋhāuš aṣā yācā

urwāṣaṯ wohū urwā kā-mā

tā āgəmaṯ

ولی ای مزدا- چگونه می توان به اراده تو پی برد و راه و روش زندگی نیک منشی و پارسایی را یافت و چگونه می توان روان خود را به سوی رستگاری دو جهانی پیش برد؟

بند نهم

ahurā	waocā	ərəš-mōi	pərəsā	ϑβā	taṯ
yaoš	daēnąm	yaoš	yąm	kaϑā-mōi	
saḥyāṯ	paitišə	hudānāuš	yąm	dānē	
ϑβāwąs	xšaϑrā	ərəšwā	xšaϑrahyā		
wohucā	hadəmōi aṣā	mazdā	asīštīš		
manaŋhā	šyąs	šyąs			

این را به راستی می دانم که روان پیروان آیین تو ای مزدا در هر دو جهان در بهشت(بهترین جای) قرار خواهند گرفت و مردم تنها از راه پیروی راستی و پاک منشی به کشور جاودانی تو راه خواهند یافت.

بند دهم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ϑβā taṯ

wahištā hātąm yā daēnąm tąm

hacēmnā frādōiṯ aṣā gaēϑå yā-mōi

ərəš šyaoϑanā uxδāiš ārmatōiš

ϑβā cistōiš maϩyå daidyaṯ

mazdā usōn īštīš

به راستی ای مزدا چنین خواهد بود. چون راه و آیین تو بهترین ارمغان برای آدمیان است و از آن جایی که این آیین با راستی یکسان است. پیروان آن را فراخی و آسایش و رستگاری دو جهانی خواهی بخشید.

بند یازدهم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ϑβā taṯ

ārmaitiš wījəmyāṯ tāṇg-ā kaϑā

daēnā wašyetē ϑβōi mazdā yaēibyō

frawōiwīdē pouruyō āiš tōi azēm

manyəuš anyəṇg wīspəṇg

dwaēšaŋhā spasyā

یاری خواستن اشو زرتشت از پروردگار برای انجام درست رسالت خویش

ای مزدا- اینک که من به ارشاد مردم و آموزش راه تو پرداخته و با همه دروغ پرستان به ستیزه برخاسته ام. مرا نگهدار و پشتیبان باش و خرد پاک را به یاری مردم فرست تا به گفتار و آموزش هایم پی برند.

بند دوازدهم

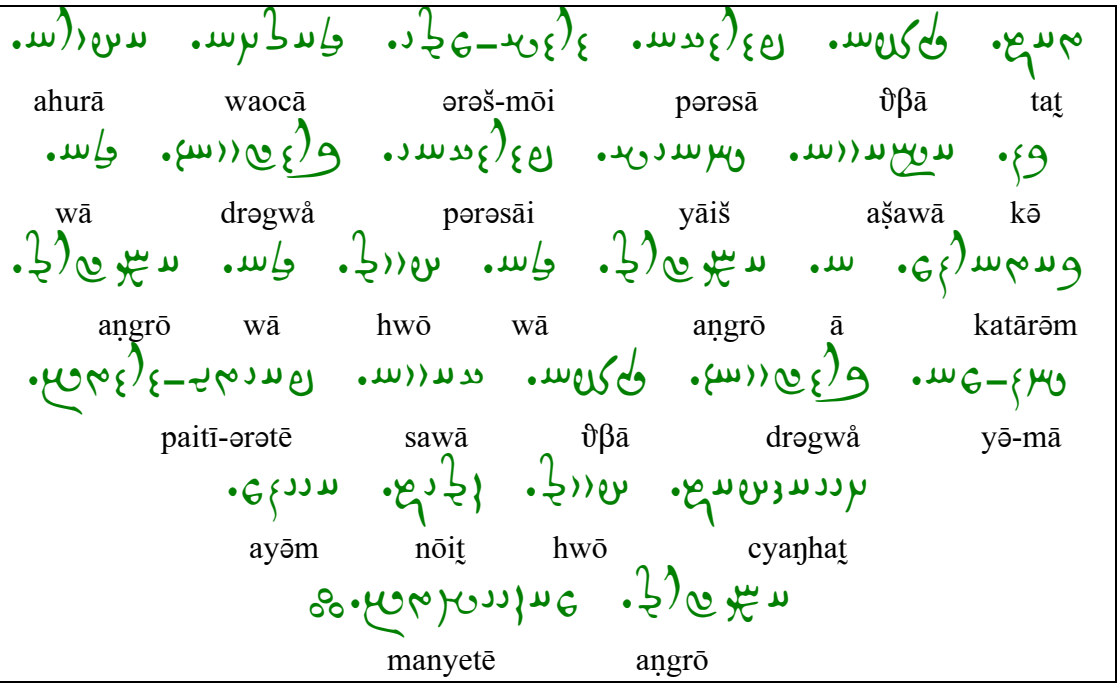

از تو می پرسم ای اهورا- به راستی می خواهم بدانم که برای آموزش راهت نخست به کدام سوی روی آورم. آنان که پیرو دروغ هستند یا آنان که طرفدار راستی اند؟ و با دروغ پرستان چگونه رفتار کنم. مگر آنان دشمن تو نیستند؟

بند سیزدهم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ϑβā taṯ

nāṣāmā nīš ā ahmaṯ nīš drujəm kaϑā

pərənåŋhō asruštōiš yōi awā tēṇg-ā

hacēmnā ādīwyeiṇtī aṣahyā nōiṯ

waŋhēuš frasayā nōiṯ

manaŋhō cāxnarā

ای اهورا- آیا باید از پیروان دروغ و مردمان بی دین و ایمان دوری کنم و آنان را از خود برانم؟ چگونه باید با کسی که برای شنیدن راستی و گفتار خردمندانه، دل بستگی نشان نمی دهد، رفتار کنم؟

بند چهاردهم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ϑβā taṯ

zastayō dyąm drujəm aṣāi kaϑā

mąϑrāiš ϑβahyā mərąždyāi hīm nī

dāwōi sinąm əmawaitīm səṇghahyā

dwafṣəṇg ā-īš drəgwasū

ąstąscā anāṣē mazdā

ای اهورا- آیا باید رهبری دروغ پرستان را به راستی خواهان واگذارم تا با آموزش کلام آسمانی روان آنان را از آلودگی پاک گردانند. یا باید با وارد ساختن شکست کامل به هواخواهان دروغ و تبه کاران. فریب و بدکاری آنان را از بین ببرم و بی اثر گردانم؟

بند پانزدهم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ϑβā taţ

xṣayehī maţ pōi aṣā ahyā yezī

jamaētē anaocaŋhā spādā hēm hyaţ

dīdərəžō mazdā yā-tū urwātāiš awāiš

kahmāi ayå kuϑrā

dadå wananąm

ای اهورا- هنگامی که سپاه دروغ پرست در برابر سپاه راستی صف آرایی کرده و به هم می تازد. آیا راستی را توانایی آن هست که دروغ را شکست دهد و طرفداران خود را نگهداری کند؟ چه وقت ای مزدا برابر قانون تو راستان را بر دروغ پرستان پیروزی خواهی بخشید؟

بند شانزدهم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ϑβā taţ

səṇghā pōi ϑβā wərəϑrəm-jā kā

ahūmbiš dąm mōi ciϑrā həṇtī yōi

səraošō wohū hōi aţ cīždī ratūm

ahmāi mazdā manaŋhā jaṇtū

kahmāicīţ waşī yahmāi

ای اهورا- آن شخص دلیر و پیروزمندی که باید از روی دستور تو دین داران و راستی خواهان را در پناه خود گیرد و پیروز گرداند کیست؟ آن را با الهام به من باز گوی که کیست آن داور نجات دهنده دانایی که بدین کار گماشته ای؟ بشود که سروش(ندای وجدان) و وهومن (منش نیک) او را و همه آنانی را که دوست دار تو هستند یار و یاور باشند.

بند هفدهم

ahurā waocā ərəš-mōi pərəsā ŭβā taţ

xṣ̌maţ hacā carānī zarəm mazdā kaŭā

ḥyāţ mōi hyaţcā xṣ̌mākąm āskətīm

haurwātā būždyāi sarōi aēṣ̌ō wāxš

yə mąŭrā awā amərətātā

hacā aṣ̌āţ rāŭəmō

نعمت رسایی و جاودانی به کسانی نوید داده شده که پیرو راستی باشند

ای مزدا- هنگامی که به دستور تو با جدیت تمام در راهی که نمودی رهسپار شوم. آیا سخنانم در مردم اثر خواهد کرد؟ و چنان چه نوید داده ای رسایی و کامروایی نهایی بهره نیکان و راستان خواهد بود؟

بند هجدهم

ahurā	waocā	ərəš-mōi	pərəsā	ϑβā	taṯ

hanānī	mīždəm	taṯ	aṣā	kaϑā

uštrəmcā	arṣnawaitīš	aspå	dasā

haurwātā	apiwaitī	mazdā	mōi	hyaṯ

hī	yaϑā	amərətātā

dåŋhā	taēibyō

ای اهورا- چگونه در پرتو اشا(راستی و پاکی) به درک راه تو و حقایق زندگی پی خواهم برد؟ و ای مزدا- چه وقت از کمال و رسایی (خرداد) و جاودانگی(امرداد) برخوردار خواهم شد؟ و چگونه خواهم توانست این دو نعمت را به مردم جهان ارمغان کنم؟

بند نوزدهم

ahurā	waocā	ərəš-mōi	pərəsā	ûβā	taṯ
dāitī	nōiṯ	hanəṇtē	mīždəm	yastaṯ	
dāitē	nā	ərəžuxδā	ahmāi	yə̄-īṯ	
pouruyē	aŋhaṯ	mainiš	ahyā	kā-təm	
	yā-īm	awąm	wīdwå		
	apəmā	aŋhaṯ			

هر فردی باید به هم نوع خود کمک کند

ای اهورا- آیا کسی که پیمان شکند و نیکان و پارسایان را در هنگام حاجت یاری نکند. چه جزایی برایش مقرر داشته ای؟ به راستی که چنین کسی برابر آیین تو در سرای دیگر به پادافره کوتاهی در انجام وظیفه اش نسبت به هم نوعان گرفتار رنج و سختی نخواهد شد؟

بند بیستم

ciθənā	mazdā	huxšaθrā	daēwā	åŋharē
aṯ	īṯ	pərəsā	yōi	pišyeiṇtī
aēibyō	kąm	yāiš	gąm	
karapā	usixšcā	aēšəmāi	dātā	
yācā	kawā	ąnmēnī	urūdōyatā	
nōiṯ	hīm	mīzēn	aṣā	wāstrəm	frādaiŋhē

همکاری و یاری بدکاران نیز گناه شمرده می شود

ای مزدا- چگونه ممکن است این دیوان بدکار که با جور و ستم و کشتار به فرمانروایی رسیده اند. از شهریاران خوب به شمار آیند و چگونه هواخواهان آنان که چون کرپان ها(کوران با چشم) و اوسیج(کران با گوش) هستند و برای خشنودی اربابان خود(کاوی ها) جهان را پر از بی دادگری و خونریزی کرده اند. از گمراهان به شمار نیایند؟ آری این بدکاران برای به دست آوردن نیرو و دارایی حاضرند جهانیان را از راه درست و راست دور نگهدارند.

یسنا-هات ۴۵

بند یکم

sraotā nū gūšōdūm nū frawaxšyā aṯ

išaϑā dūrāṯ yaēcā asnāṯ yaēcā

mazdåŋhō-dūm zī ciϑrə wīspā īm nū

ahūm duš-sastiš daibitīm nōiṯ

drəgwå waranā akā mərąšyāṯ

āwərətō hizwå

دومین سخن رانی همگانی اشو زرتشت

ای کسانی که از دور و نزدیک برای آگاه شدن آمده اید. من برایتان سخن می گویم- همه گوش هوش فرادهید و بشنوید حقایقی را که برایتان روشن می سازم و بایسته است که آن را به خاطر بسپارید تا مبادا آموزگاران دروغ شما را گمراه کنند و با گفتار نادرست و فریبنده زندگانی شما را در دو جهان تباه سازند.

بند دوم

pouruyē mainyū aŋhəuš frawaxšyā aṯ

aṇgrəm yəm mrawaṯ ūitī spanyå yayå

nōiṯ səṇghā nōiṯ manå nā nōiṯ

uxδā nōiṯ waranā naēdā xratawō

nōiṯ daēnå nōiṯ šyaoϑanā naēdā

hacaiṇtē urwąnō

دوگونگی روش اندیشیدن

من می خواهم از دو مینو یا دو گونه روش اندیشیدن در آدمی سخن گویم که یکی پاک و سپنتا مینویی است و دیگری ناپاک و انگره مینویی است. این دو. همیستار و مخالف یکدیگرند و هیچ کدام در اندیشه و گفتار و کردار و آموزش و آرزو و عقیده و روح یکسان و همانند نیستند.

بند سوم

pourwīm ahyā aŋhāuš frawaxšyā aṯ

ahurō waocaṯ mazdå wīdwå mōi yąm

mąθrəm iθā nōiṯ wā īm yōi

mənāicā īm yaθā warəšəṇtī

awōi aŋhāuš aēibyō waocacā

apōməm aŋhaṯ

نتیجه نافرمانی از آموزشم پشیمانی است

من می خواهم سخن بگویم درباره آن چه که پایه و بنیاد زندگانی نیک است و آن را از اهورامزدای دانا فرا گرفته ام. کسانی که این سخنان را بشنوند و برابر آن رفتار نکنند در پایان پشیمان می شوند و افسوس خواهند خورد.

بند چهارم

wahištəm ahyā aŋhəuš frawaxšyā aṯ

dāṯ īm yə waēdā mazdā hacā ašāṯ

manaŋhō warəzayaṇtō waŋhəuš patarəm

ārmaitiš hušyaoϑanā dugədā hōi aṯ

diβžaidyāi nōiṯ

ahurō wīspā-hišas

بهترین راه زندگی

اینک سخن می گویم از راهی که برای زندگی بهترین راه ها است. راهی که از مزدا فرا گرفته ام و آن راه پیروی از اشا (راستی و درستی) است. راهی که پروردگار دانا، که چون پدری مهربان و نیک اندیش است، برقرار داشته تا با پیروی آن این زمین بکر به وسیله کشاورزان کوشا بارور شود. آری مزدا از همه چیز آگاه است و نمی توان او را فریفت.

بند پنجم

mraoṯ mōi hyaṯ frawaxšyā aṯ

hyaṯ srūidyāi wacā spəṇtōtəmō

mōi yōi wahištəm marətaēibyō

cayascā dąn səraošəm ahmāi

waŋhəuš amərətātā haurwātā upā-jimən

ahurō mazdå šyaoϑanāiš manyəuš

کسانی به رسایی و جاودانی خواهند رسید که به ندای وجدان گوش دهند

من سخن می گویم از آن چه که مزدای پاک به من آموخت. سخنی که شنیدنش برای مردم بهترین آموزش هاست و آن این که. کسی به پایه رسایی و جاودانی خواهد رسید که به ندای وجدان خود گوش دهد و بدان ارج گذارد. چه خشنودی اهورامزدا از راه اندیشه نیک و کردار درست (آن چه که وجدان گوید) به دست می آید.

بند ششم

mazištəm	wīspanąm	frawaxšyā	aṯ

həṇtī	yōi	hudå	yā	aṣā	stawas

ahurō	mazdå	sraotū	mainyū	spəṇtā

manaŋhā	fraṣī	wohū	wahmē	yehyā

frō-mā	xratū	ahyā

wahištā	sāstū

اهورامزدا خیرخواه همه است

من می خواهم سخن گویم از کسی که بزرگ تر و خیر خواه تر از همه است و او اهورامزداست.او به وسیله خرد و روان پاک خودش ستایش کسانی که او را می ستایند می شنود.
آرزومندیم که با خرد پاک و ایمان درست به او دست یابیم و ما را از آن چه بهتر از همه است بیاگاهاند.

بند هفتم

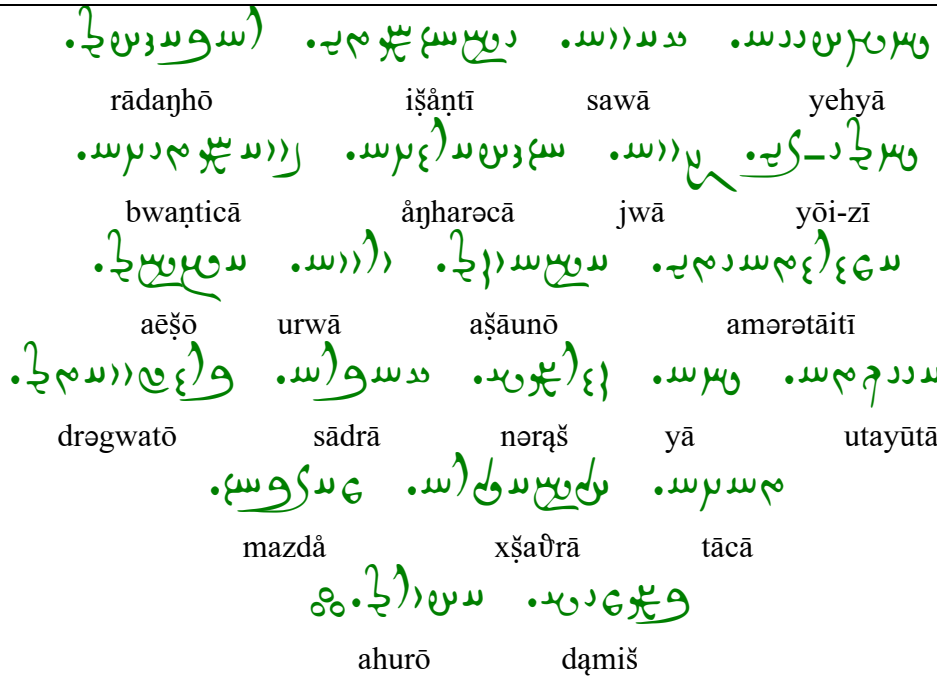

این است فرمان ابدی اهورامزدا

اوست کسی که پاداش نیکوکاری و پادافره بدکاری را تا ابد برقرار داشته. خواه آن کردار در گذشته انجام یافته باشد یا در حال و آینده انجام پذیرد و آن این که روان پاکان و پرهیزکاران پیوسته شاد و خرم و روان بدکاران همیشه گرفتار رنج و شکنجه خواهد بود. این است فرمان ابدی که اهورامزدا با دانش خویش برای همیشه برقرار داشته است.

بند هشتم

wīwarəšō ā nəmaŋhō staotāiš nə tōm

wyādarəsəm caṣmainī nū-zīṯ

šyaoϑanahyā manyəuš waŋhəuš

yōm aṣā wīduš uxδaiϑyācā

hōi aṯ ahurəm mazdąm

nidāmā garō dəmānē wahmāṇg

راه خداشناسی

از آن جایی که پروردگار یکتا را با دیده دل و از راه پارسایی شناخته ام. خواهم کوشید همه را به سوی او رهبری کنم و به مردم بیاموزم که اهورامزدا را تنها می توان از راه راستی با اندیشه و گفتار و کردار نیک شناخت و درود و ستایش خود را تنها به پیشگاه او تقدیم کرد.

بند نهم

cixšnušō	manaŋhā	maṯ	wohū	nā	tām
aspēncā	spēncā	cōrəṯ	usən	yə-nə	
ahurō	dyāṯ	wərəzānyå	xšaϑrā	mazdå	
ā	fradaϑāi	ahmākāṇg	wīrāṇg	pasūš	
		haozaϑβāṯ	aṣā	waŋhāuš	
		manaŋhō	ā		

تنها اهورامزدا سزاوار ستایش مردم است و بس

خردمند نیک اندیش کسی است که به دیگران می آموزد که اهورامزدا از همه بیشتر و بهتر سزاوار ستایش و پرستش است. اوست که داوری همه کارهای مردم را در دست دارد و به راستی تنها او سرور و آفریدگار همه آفرینش ها است. باشد که همه با منش پاک و کار نیک به او نزدیک شویم.

بند دهم

mimaγžō ārmatōiš yasnāiš nō tōm

ahurō srāwī mazdå ąnmənī yō

cōišt wohucā ašā hōi hyaṯ

haurwātā hōi xšaŷrōi manaŋhā

dąn stōi ahmāi amərətātā

utayūitī təwīšī

خودشناسی خداشناسی است

اهورامزدا را باید با ایمانی کامل و از روی راستی ستود. چه او به ما نوید داده است که در پرتو راستی و نیک منشی و خویشتن شناسی(شهریور) می توان به رسایی و جاودانگی دست یافت و آن گاه است که ما را برای همیشه در کشور مینویی در فروغ بی پایان خویش جای خواهد داد.

بند یازدهم

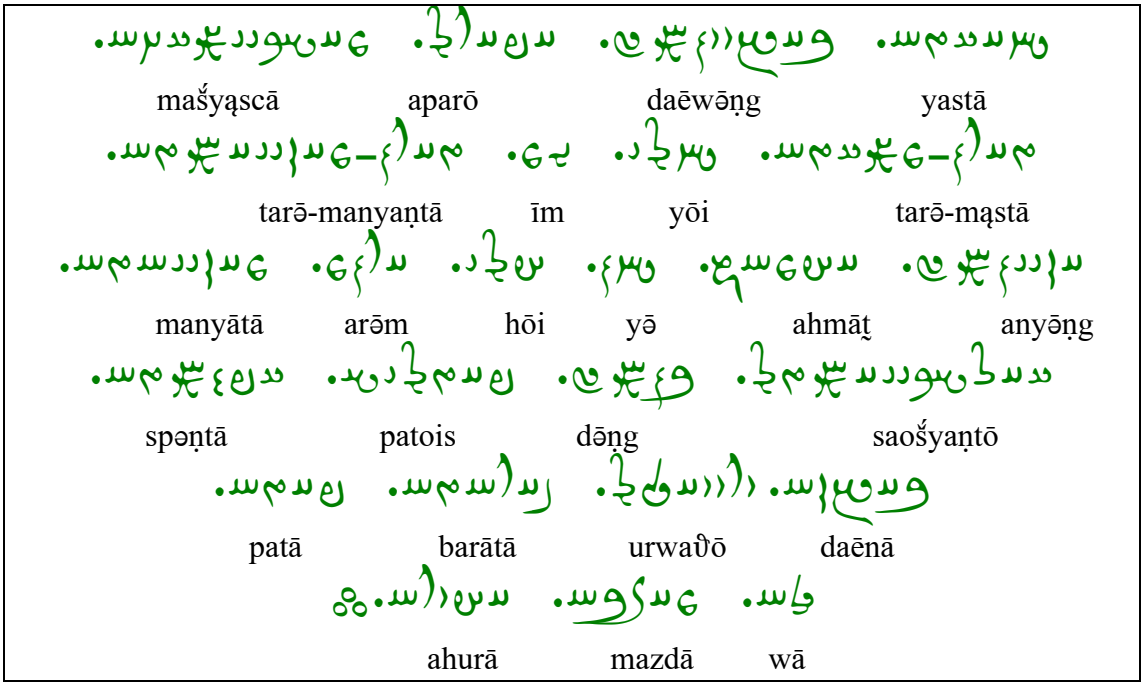

فدا دوست و برادر و پدر همه ماست
کسی که از پرستش دیوان و فرمان برداری از آنان روی بگرداند و به پروردگار یکتا و آیین پاکش روی آورد. اهورامزدا به چنین کسانی برابر وعده ای که فرموده چون دوست و برادر و پدر است. و راه اینان با دشمنان اهورامزدا کاملا جداست.

یسنا-هات ۴۶

بند یکم

ayenī	nəmōi	kuϑrā	zą̨m	nəmōi	kām
dadaitī	airyamanascā	xᵂaētəuš	pairī		
hēcā	wərəzənā	yā	xšnāuš	mā	nōiṯ
sāstārō	yōi	daϑyəuš	naēdā		
mazdā	ϑβā	kaϑā	drəgwaṇtō		
ahurā	xšnaoṣāi				

روبه رو شدن اشو زرتشت با دشمنی بداندیشان

پروردگارا- به کدام خاک روی آورم؟ به کجا رفته پناه جویم؟ دشمنانم مرا از دوستان و بستگان جدا کرده اند و آنان از من کناره می جویند. از بزرگان و فرمانروایان نادرست نیز خشنود نیستم و با این وضع چگونه می توانم در راه خدمت به تو ای اهورامزدا کامیاب شوم و آیین پاکت را گسترش دهم؟

بند دوم

anaēšō	mazdā	ahmī	yā	taṯ	waēdā
ahmī	kamnānā	hyaṯcā	kamnafṣwā	mā	
ahurā	awaēnā	ā-īṯ	tōi	gərəzōi	
fryāi	fryō	hyaṯ	cagwå	rafəδrēm	
waŋhēuš	āxsō	daidīṯ			
manaŋhō	īštīm	aṣā			

دارایی مادی و معنوی، هر دو در راه درست زیستن لازم است.

ای مزدا- می دانم چرا کاری از پیش نمی برم. چون داراییم اندک و یارانم کم اند- ای اهورا نظری به من افکن و چنان که دوستی به دوست خود یاری و دلداری دهد. مرا نیروی درونی و آرامش خاطر بخش و از پاداش نیک منشی ات مرا خاطر جمع ساز.

بند سوم

kadā mazdā yōi uxšānō asnąm

aŋhāuš darəϑrāi frō ašahyā frārəṇtē

wərəzdāiš sēŋghāiš saošyaṇtąm xratawō

kaēibyō ūϑāi wohū jimaṯ manaŋhā

maibyō ϑβā sąstrāi

wərənē ahurā

دنباله درخواست اشو زرتشت

ای مزدا- سپیده دم امید. کی به در آید و مردم چه وقت به سوی راستی روی آورند و دستور نجات دهنده خود را پیروی خواهند کرد؟ کی پیامبر تو با گفتار سود بخش خود در رستگاری روان مردم کامیاب می شود؟ ای اهورا فرشته نیک منشی را به یاری آنان فرست و مرا در انجام این وظیفه بزرگ کامروا گردان.

بند چهارم

ایستادگی در برابر بدی وظیفه دینی همه ماست

پیروان دروغ نمی خواهند مردم به سوی راستی روند و می کوشند تا آنان را از پیشرفت در زندگی و آبادانی شهر و روستای خود بازدارند. چنین کسانی کردارشان زشت و ویران گر است. بی گمان کسانی که با تمام نیروی مادی و معنوی به دشمنی با آنان برخیزند. به راه راست و درست و آیین نیک اهورایی گام می نهند.

بند پنجم

ayaṇtəm drītā adąs xšayąs wā yē

wā miθrōibyō huzēṇtuš wā urwātōiš

drəgwaṇtəm ašawā yē jwąs rašnā

xᵂaētawē frō taṯ hąs wīcirō

mazdā īm uzūiθyōi mruyāṯ

ahurā xrūnyāṯ

ارشاد و رهبری بدکاران بر همه بایسته است

هرگاه یکی از پیروان راستی، دروغ پرست بدکاری را به راه راست رهبری کند و به آیین اهورایی درآورد. بر اوست که به دیگر هم کیشان آگهی دهد تا آنان چنین کسی را از آزار بد اندیشان نگهداری کنند و یار و یاور او باشند. این است خواست و دستور اهورامزدا.

بند ششم

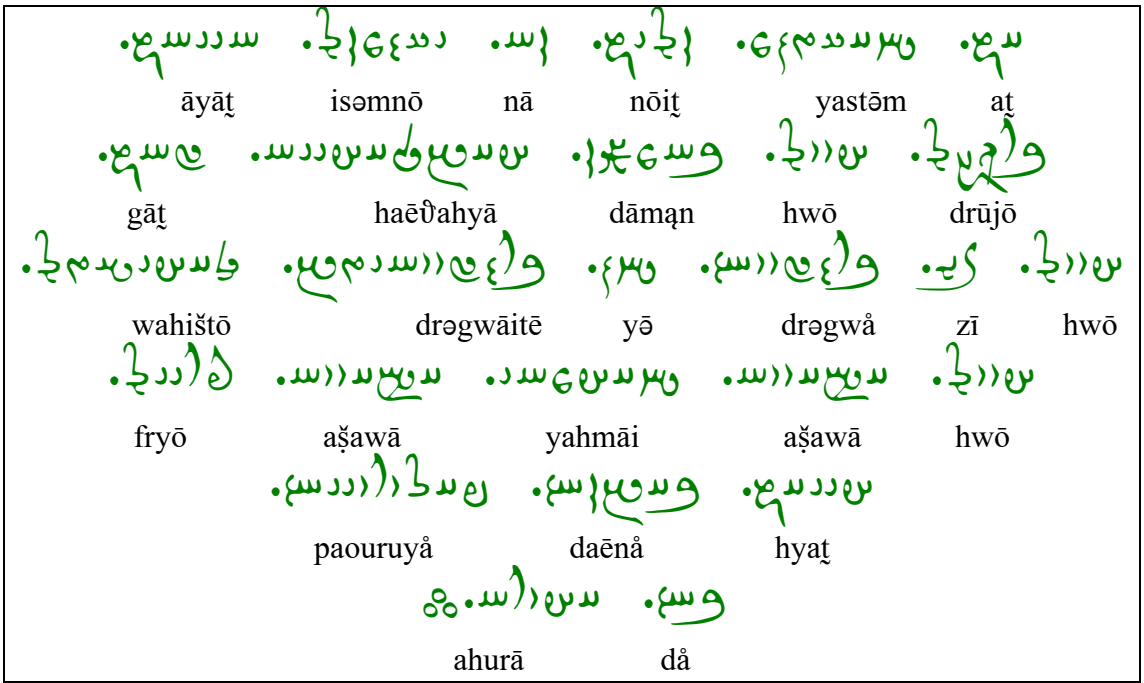

کسی که گمراهان و نادانان را به راه راست رهبری نکند گناه کار است

ولی هرگاه شخص دانا و توانایی به یاری او برنخاست. خود از گروه بد کاران به شمار است. چه بدکار کسی است که بدکاری را یاری دهد و نیکوکار آن که نیکان را یار و یاور باشد. چنین است آیین و خواست اهورا از آغاز هستی.

بند هفتم

kām-nā mazdā mawaitē pāyūm dadāţ

hyaţ mā drəgwå dīdarəšatā aēnaŋhē

anyēm ûβahmāţ āûrascā manaŋhascā

yayå šyaoûanāiš aşəm ûraoštā

ahurā tąm mōi dąstwąm

daēnayāi frāwaocā

پیمودن راه درست آیین زندگی باید با یاری فروغ ایمان و منش پاک هر دو باشد

ای مردم- هنگامی که دروغ پرست و گمراهی در پی آزار و گزند ما برخیزد. به جز فروغ ایمان و اندیشه پاک چه چیز دیگر می تواند برابر قانون جاودانی مزدا ما را پشت و پناه باشد. ای اهورامزدا همه ما را از فرمان و دستور مقدس خود آگاه فرما.

بند هشتم

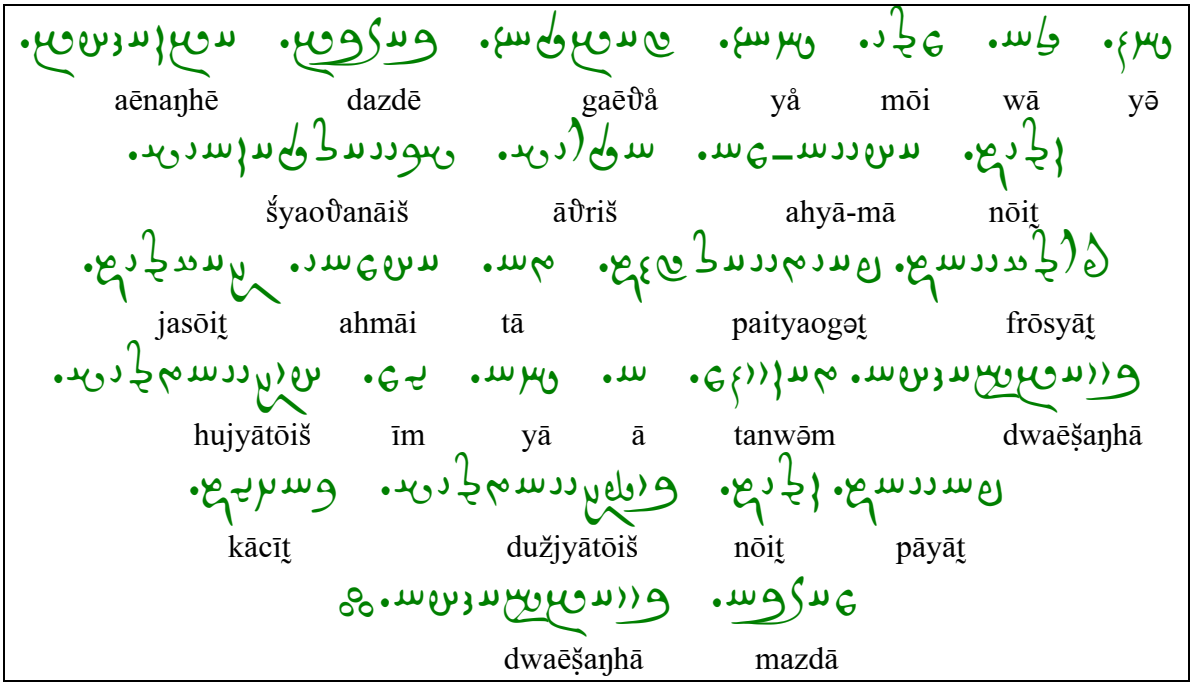

بدی به بدکاران برمی گردد
کسی که در پی تباهی دیگران بر می آید. مبادا از کردار بدش آسیبی به دیگران رسد و بشود که بدی و آزار او به خودش برگردد. چه برابر قانون تو ای مزدا خوشی و خوش بختی از بدکاران و آزار رسانندگان دور خواهد ماند.

بند نهم

pouruyō cōiθaṯ arədrō yə-mā hwō kə

uzəmōhī zəwīštīm θβā yaθā

aṣawanəm ahurəm spəṇtəm šyaoθanōi

taṣā gəuš aṣāi yā aṣā yā-tōi

tā mā iṣəṇtī mraoṯ

manaŋhā wohū tōi

اشو زرتشت نخستین پیامبر یکتا پرستی از سوی پروردگار است

منم نخستین برانگیزنده ای که به مردم بیاموخت که تویی ای اهورامزدا. به پرستش سزاوار ترین. و بهترین داورِ کردار مردمان. و سرور راستی. و آفریننده پاکی. باشد که همه با اندیشه درست آن را دریابند و به کار بندند.

بند دهم

ahurā mazdā wā gənā nā mōi wā yə

wahištā wōistā yā-tū aŋhəuš dāyāṯ

manaŋhā xšaϑrəm wohū ašāi ašīm

ā wahmāi xšmāwatąm haxšāi yąscā

cinwatō wīspāiš frō-tāiš

pərətūm frafrā

پل چینود یعنی پل گزینش نیکان از بدان و آزمایش کردار مردمان یا پل توچین کردن

می دانم ای مزدااهورا که هر مرد و زنی که برابر آموزش و آیین تو در سراسر زندگی کاری را که بهتر از همه است به جای آورد. به پاداش آن. آن بخشش پاک منشی به او ارزانی خواهی داشت و او را به آسانی از پل چینود خواهی گذارند.

بند یازدهم

kāwayascā karapanō yūjən xšaŋrāiš

mərəṇgəidyāi ahūm šyaoŋanāiš akāiš

xraodaṯ x^{w}aēcā urwā x^{w}ə yəṇg maṣīm

cinwatō yaŋrā aibī-gəmən hyaṯ daēnā

drūjō wīspāi yawōi pərətuš

astayō dəmānāi

دوزخ پایگاه دروغ پرستان است

کوی ها و کرپان ها و گروه دیگر مردم فریبان. همه را به سوی کردار زشت فرا می خوانند تا زندگی دو جهانی آنان را تباه سازند. ولی روان و وجدان آنان هنگامی که به سر پل چینود رسد در بیم و هراس افتد و تا زمانی دراز گرفتار دوزخ خواهد شد.

بند دوازدهم

hyaṯ us aṣā naptyaēṣū nafṣucā

tūrahyā uzjōn fryānahyā aojyaēṣū

ārmatōiš gaēϑå frādō ϑβaxṣaŋhā

aṯ īš wohū hōm aibī-mōist

manaŋhā aēibyō rafəδrāi

mazdå sastē ahurō

پیروان دین مزدیسنی از هر گروه و نژادی که باشند رستگار خواهند شد

هنگامی که فرزندان و نبیرگان فریان تورانی راستی را دریافتند و به یاری ایمان پاک و شجاعت درونی خود دین نیک را پذیرفتند و منش نیک آنان را وادار ساخت تا به کشور جاودانی و دین مزداپرستی روی آورند. بی گمان در روز واپسین رستگار خواهند شد.

بند سیزدهم

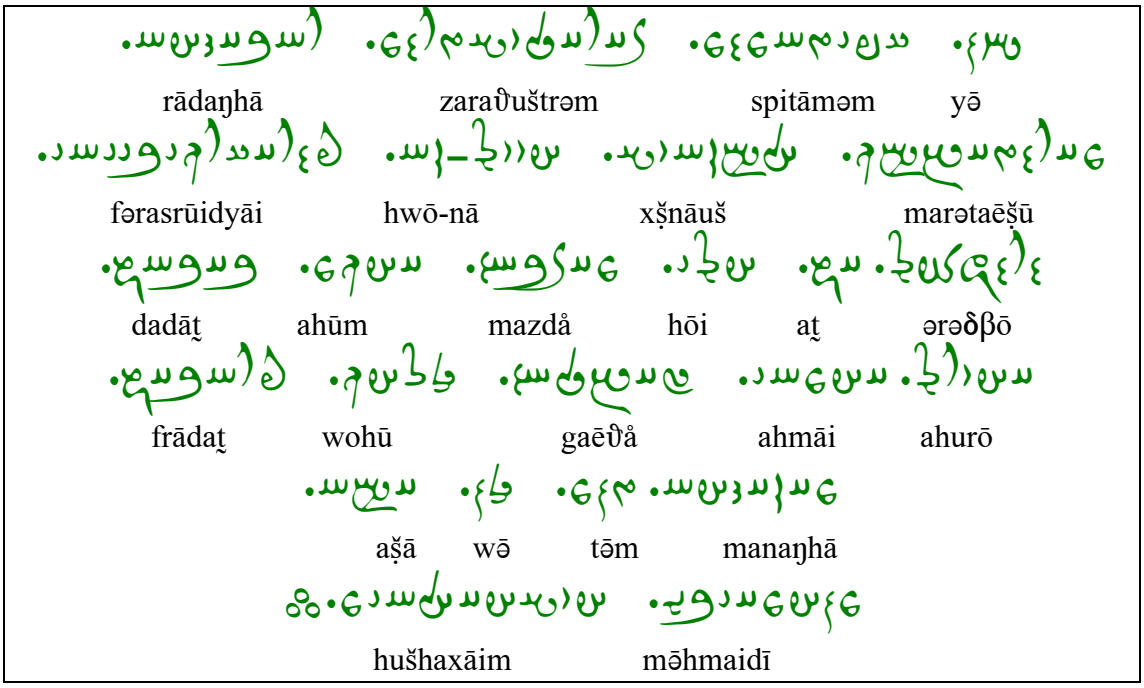

پذیرفتگان دین از هر گروهی که باشند محترمند

از میان مردمان کسی که با فرمان برداری خویش سپنتمان زرشت را خشنود سازد. سزاوار هر گونه احترام است. به چنین کسی مزدا اهورا بهترین زندگی بخشد و منش نیک او را سزاوار فردوس برین گرداند. ما چنین کسانی را یار و یاور راستی خواهیم شناخت.

بند چهاردهم

urwaϑō aṣawā kastē zaraϑuštrā

waštī fərasrūidyāi wā kē magāi mazōi

yāhī wīštāspō kawā hwō aṯ

ahurā minaš hadəmōi mazdā yəṇgstū

waŋhəuš zbayā təṇg

manaŋhō uxδāiš

گشتاسب کیانی در گسترش دین اهورایی کوشش کرد

به راستی یکی از این یاوران، شاه دلیر گشتاسب کیانی است. کسی که دوست و هواخواه راستی بوده و در گسترش دین بهی و بزرگداشت انجمن برادری(مغان) کوشش کرده است. بشود که اهورامزدا چنین کسانی را شایسته رسیدن به بارگاه خود گرداند و در سرای فردوس جای دهد.

بند پانزدهم

دین مزدیسنی راه نیک و بد زندگی را به شما خواهد شناساند

ای هچدسب و اسپنتمان و ای مردمان جهان آگاهتان سازم. هرگاه بخواهید نیک را از بد و دوست را از دشمن تمییز دهید. باید بکوشید تا برابر آیین اهورامزدا و قانون جاودانی او رفتار کنید. زیرا تنها در پرتو اشا می توان به حق و راستی زندگی پی برد.

بند شانزدهم

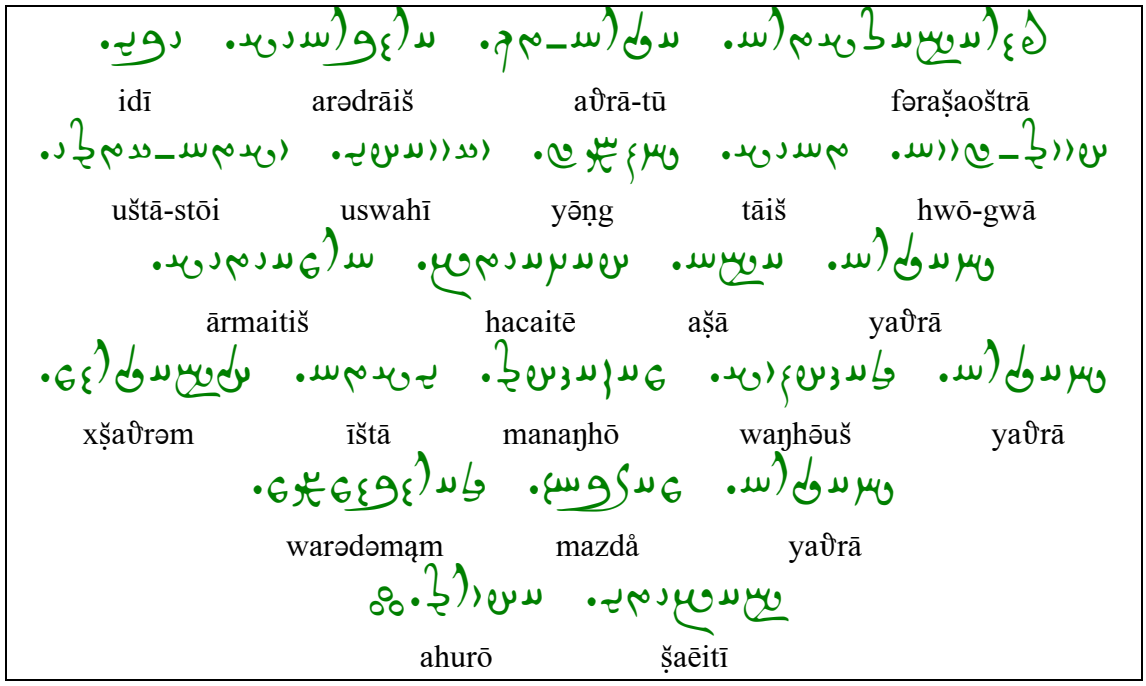

تبلیغ راه اشا باید پیوسته همراه با آرمئیتی یعنی مهر و فروتنی باشد

ای فرشوشتر هوگوه- اینک که تو و یاران پارسا برای گستردن دین راستین به سرزمین های دیگر روی می آورید: امیدوارم کامیاب شوید. باشد تا مردم جهان را به کشور جاودانیِ راستی و نیک منشی راهنمایی کنید و بر فر و شکوه دین مزدا اهورا بیفزایید.

بند هفدهم

yaϑrā wā afṣmānī sōṇghānī

nōiṯ anafṣmąm dājāmāspā hwō-gwā

hadā wāstā wahmāṇg səraoṣā rādaŋhō

yā wīcinaoṯ dāϑəmcā adāϑəmcā

daṇgrā maṇtū

aṣā mazdå ahurō

با پیروی از ندای وجدان می توان به راه راست گام نهاد

ای جاماسب دانا از خانواده هوگوه- اینک که تو از کارهای روا و ناروا آگاه شدی و به ندایی که از درونت برخاسته است گوش فرا دادی و به پیروی و ستایش دین پرداختی. همیشه راستی(اشا یا ندای وجدان) را مشاور خود قرار ده و بی گمان بدان که اهورامزدا از همه چیز آگاه است و درست را از نادرست به خوبی بازشناسد.

بند هجدهم

wahištā ascīṯ ahmāi yaoš maibyā yē

manaŋhā cōišəm wohū ištōiš maḥyå

daidītā ąstāi nå yē ahmāi ąstəṇg

xšnaoṣəmnō wārəm xšmākəm ašā mazdā

xratəuš mōi taṯ

wīciϑəm manaŋhascā

با دوستان خود دوست و با دشمنان بد باشید

کسی که به راستی با من دوست باشد. من نیز او را به بهترین چیزی که دارم بشارت می دهم. ولی کسی که با من دشمن باشد. من نیز دشمن او خواهم بود. این است خواست مزدا و اشا و این است تصمیم من از روی خرد و هوش.

بند نوزدهم

warəṣaitī	hacā	haiϑīm	aṣāṯ	yə̄-mōi
fəraṣōtəməm	wasnā	hyaṯ	zaraϑuštrāi	
parāhūm	hanəṇtē	mīždəm	ahmāi	
azī	gāwā	wīspāiš	maṯ	manə̄-wistāiš
twəm	sąs	mōi	tācīṯ	
waēdištō	mazdā			

پیروی از فرمان خدا خوشبختی آدمیان در هر دو جهان است

کسی که آموزش های مرا به بهترین وجه برابر آیین مقدس به جای آورد. در این جهان بهترین زندگی پاداش اوست و در سرای دیگر در کشور جاودانی از خوشبختی واقعی برخوردار خواهد شد. این نکته را مزدا به من آموخته است.

یسنا-هات ۴۷

بند یکم

spəṇtā mainyū wahištācā manaŋhā

hacā aṣ̌āṯ šyaoϑanācā wacaŋhācā

ahmāi dąn haurwātā

amərətātā mazdå

xṣ̌aϑrā ārmaitī

ahurō

پایه هر اندیشه و گفتار و کردارمان باید از روی خرد باشد

کسی که اندیشه و گفتار و کردارش از روی خرد پاک و برابر آیین اهورایی باشد. پروردگار دانا به او نیروی معنوی و شجاعت ذاتی و رسایی تن و روان خواهد بخشید.

بند دوم

wahištəm spēništahyā manyēuš ahyā

manaŋhō əəānū waŋhēuš uxδāiš hizwā

šyaoϑanā zastōibyā ārmatōiš

cistī ōyā wərəzyaṯ

aṣahyā patā hwō

mazdå

بهترین زندگی بهره نیک اندیشان وفداپرستان است

از آن جایی که اهورامزدا آفریدگار کل و پدر راستی است. بهترین زندگانی را بهره کسی خواهد ساخت که گفتارش همراه با نیک اندیشی و خرد پاک و کردارش بر ایمان و مهر خدایی استوار باشد.

بند سوم

tā	ahī	twēm	manyēuš	ahyā
gąm	ahmāi	yē	spəṇtō	
hēm-taṣaṯ		rānyō-skərətīm		
rāmā-då		wāstrāi	hōi	aṯ
wohū	hēm	hyaṯ	ārmaitīm	
manaŋhā		hēmə-fraštā	mazdā	

اهورامزدا آفریننده سپنتامینو یا خرد مقدس است

ای مزدا تویی آفریننده سپنتا مینو یا خرد پاک. ای کسی که جهان شادی بخش آفریدی تا از پرتو خرد و مهر جان آفرینت. به مردمان. آسایش و آرامش رسد و از نیروی آرمئیتی. یا ایمانِ به تو. در صلح و دوستی به سر برند.

بند چهارم

rārəšyeiṇtī manyəuš ahmāṯ

spəṇtāṯ mazdā drəgwaṇtō

aṣāunō iϑā nōiṯ

aṣāunē nā kasəušcīṯ

hąs iswācīṯ aŋhaṯ kāϑē

drəgwāitē akō paraoš

در پایان، راستی بر دروغ و نیکی بر بدی پیروز خواهد شد

ای مزدا با نیروی خرد پاکت، پیروان دروغ و بدی در پایان گرفتار شکست و نابودی خواهند شد، نه پیروان راستی و نیکی، چه در برابر فرمانت پیوسته مرد درستکارِ کمدار به رستگاری و خوشبختی رسد و دروغ پرست مالدار گرفتار بدبختی و بی چارگی شود.

بند پنجم

ahurā mazdā mainyū spəṇtā tācā

wahištā cīcā yā-žī cōiš aṣ̌āunē

zaoṣ̌āṯ ϑβahmāṯ hanarə

baxṣ̌aitī drəgwå

šyaoϑanāiš ahyā

manaŋhō āš̌yąs akāṯ

نیکی پیوسته بهره نیکان و بدی بهره بدان است

ای مزدا- بی گمان دروغ پرستی که در کردار خویش پیرو بدمنشی است. هرگز بدون مهر و بخشایش تو. از نعمت خرد پاک. که به پیروان راستی وعده داده شده بهره مند نخواهد شد.

بند ششم

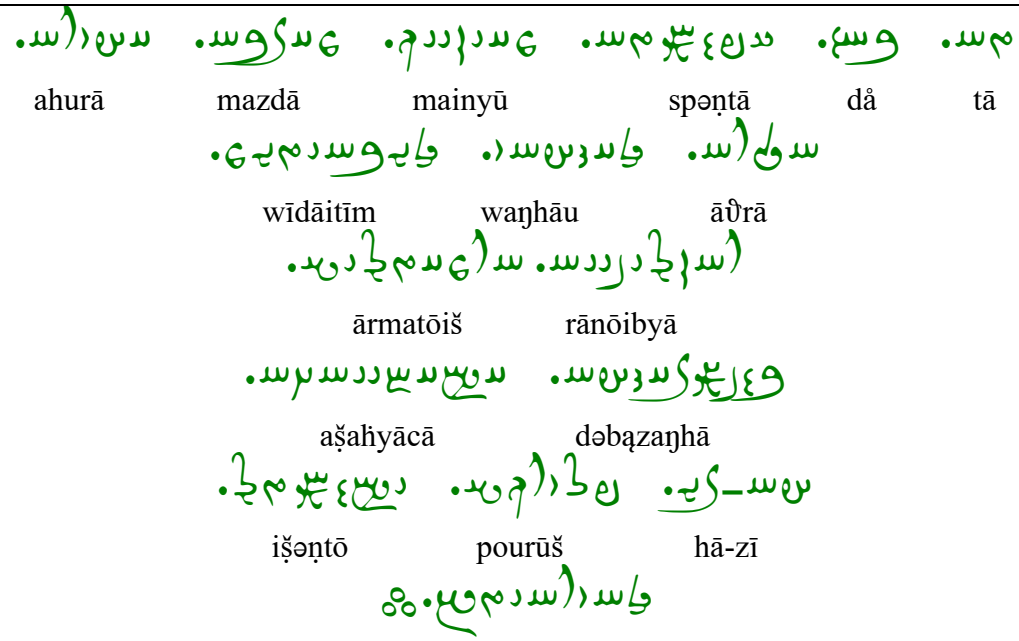

سرانجام پیروزی و خوشبختی بهره مبارزان راه راستی است

ای اهورامزدا- کسانی که برای پیشبرد نیکی پیکار می کنند. بر آنان فروغ راستی و دانش ایزدی بتابان. باشد که برابر فرمان تو چنین کسان بسیار چیزهای نیک دریابند و کارهای بسیار نیکی انجام دهند.

یسنا-هات ۴۸

بند یکم

wāṇ̊ŋhaitī drujəm aṣ̌ā adāiš yezī

fraoxtā daibitānā yā ąsaṣ̌utā hyaṯ

mašyāišcā daēwāišcā amərətāitī

sawāiš tōi aṯ

waxṣ̌aṯ wahməm

ahurā

گناهکاران بدون بخشایش مزدا رستگار نخواهند شد

هنگامی که راستی بر دروغ چیره شود. برابر آن چه خواست توست بدکاران و نیکوکاران هر یک به سزا و پاداش خود رسند. تا آن گاه که مهر تو ای اهورا برانگیخته شود و بخشایش تو به دوزخیان روی آورد.

بند دوم

ahurā wīdwå twēm yā waocā-mōi

māṇg yā mā hyaṯ parā

aṣawā kaṯ jimaitī pərəϑā

drəgwaṇtəm wēṇghaṯ mazdā

waŋuhī aŋhēuš hā-zī

ākərətiš wistā

ای اهورامزدا- مرا از زمان فرارسیدن رستاخیز و روز واپسین و یا هنگام چیرگی راستی بر دروغ آگاه ساز. بی گمان چنین واقعه بزرگی نشانه رسایی زندگانی معنوی آدمیان است و چنین آگهی برای مردم جهان مژده ای بزرگ خواهد بود.

بند سوم

sāsnanąm wahištā waēdəmnāi aṯ

ahurō aṣā sāstī hudå yąm

yaēcīṯ wīdwå spəṇtō

sāṇghåŋhō gūzrā

waŋhāuš mazdā ϑβāwąs

manaŋhō xraϑβā

تنها با دانش و خرد است که آدمی می تواند حقیقت را دریابد

بشود که همه از بهترین دانش و خرد آگاه شویم. چه دانشی که اهورامزدا، خداوند خرد، به ما آموزد بی گمان مقدس، خردمندانه و همیشه سودمند است. ای مزدا می دانم، تنها با کرداری که برانگیخته اندیشه نیک است، می توان به خوشبختی رسید.

بند چهارم

mazdā wahyō manō dāṯ yā

šyaoϑanācā daēnąm hwō aŝyascā

zaošəṇg ahyā wacaŋhācā

hacaitē warənāṇg uštiš

apəməm xratå ϑβahmī

aŋhaṯ nanā

آدمی به هر چه اراده کند به آن خواهد رسید

کسی که اندیشه خود را متوجه راه نیک یا بد کند. با گفتار و کردار ویژه خود شخصیت خود را در آن آشکار خواهد ساخت و اراده او پیرو همان راه خواهد شد. چه برابر آیین مزدا و خرد پاک او. هر کسی در دو جهان جای ویژه ای برابر خرد و وجدان خود خواهد داشت.

بند پنجم

mā-nə xšəṇtąm huxšaϑrā

waŋhuyå xšəṇtā dušə-xšaϑrā

ārmaitē šyaoϑanāiš cistōiš

ząϑəm aipī mašyāi yaoždå

wərəzyātąm gawōi wahištā

fšuyō xʷarəϑāi nə tąm

بشود که فرمانروایان راست و درست بر ما فرمانروایی کنند

بشود که فرمانروایان نیک و پاک بر ما فرمانروایی کنند. نه فرمانروایان بد و نادرست. چه پاکی و راستی از گاه تولد تا مرگ برای آدمی بهترین بخشش است. بشود که چنین فرمانروایان نیک و پاک برای خوشبختی ما در جهان فرمانروایی کنند.

بند ششم

hā-zī-nē huṣōiϑəmā hā-nē utayūitīm

dāṯ təwīṣīm waŋhəuš manaŋhō bərəxδē

aṯ aḥyāi aṣā

mazdå urwarå waxṣaṯ

ahurō aŋhəuš zą̊ϑōi

paouruyehyā

سپنتامینو یا خرد پاک بهترین پناهگاه مردم جهان است

سپنتا مینو(خرد پاک) پناهگاه امن ماست. او به ما رسایی و جاودانگی. دو بخشش بزرگی خواهد بخشید که تنها از راه نیک منشی و ایمان پاک به دست خواهد آمد. آری ای مزدا می دانم که از همان آغاز این درست ترین راه زندگی است.

بند هفتم

dyātąm nī aēšəmō nī

syōzdūm paitī rəməm paitī

dīdraγžōduyē manaŋhō waŋhāuš ā yōi

hiϑāuš yehyā wyąm aṣā

dāmąm hōi aṯ spəṇtō nā

ahurā ā-dąm ϑβahmī

در برابر خشم و ستم دیگران ایستادگی کنید

خشم باید بازداشته شود. در برابر ستم و زور باید ایستادگی کرد. ای کسانی که در پاک منشی استوارید. برای پیشرفت و پیروزی راستی و درستی طرفدار و دوست دار راستی باشید. چه جای چنین کسانی در پایان. سرای اهورایی خواهد بود.

بند هشتم

kā-tōi waŋhəuš mazdā xšaϑrahyā

īštiš kā-tōi aṣōiš

ϑβaĥyå maibyō ahurā

kā-ϑβōi aṣā ākå

arədrəṇg išyā waŋhəuš

manyəuš šyaoϑananąm jawarō

پرسش اهورایی

ای مزدا- چیست پاداش شهریاری تو برای چون منی و یارانم. به چه میزان است بخشایش تو در هنگام رسیدگی به نامه کردارمان در روز واپسین. از روی سنجش میزان ایمان و منش مان ای اهورا؟

بند نهم

kadā wāēdā yezī cahyā xṣ̌ayaϑā

mazdā aṣ̌ā yehyā-mā

āiϑiš dwaēϑā

ərəš-mōi ərəžūcąm waŋhāuš wafuš

manaŋhō wīdyāṯ saoš̌yąs

yaϑā hōi aṣ̌iš aŋhaṯ

ای مزدا- آیا با نیروی اشا(ایمان به تو) خواهم توانست در برابر ستم و آزار دشمنانم پایدار و استوار بمانم؟ از تو می خواهم مرا از یاری و پشتیبانی خویش آگاه فرمایی. چون که یک سئوشیانت و خیرخواهی چون من باید از میزان پشتیبانی تو باخبر باشد.

بند دهم

narō mąnarōiš mazdā kadā

mūθrəm ajən kadā wīsəṇtē

magahyā ahyā

karapanō aṇgrayā yā

xratū yācā urūpayeiṇtī

daȟyunąm dušə-xšaθrā

نارو ا بودن نوشابه های مستی آور

ای مزدا چه وقت مردم به حقیقت پی خواهند برد؟ کی این آشام پلید مستی آور برخواهد افتاد. چیزی که مردم فریبان زشت کردار به وسیله آن دیگران را می فریبند و هوش و خرد آنان را می زدایند؟

بند یازدهم

kadā mazdā aṣā maṯ ārmaitiš

jimaṯ xṣaϑrā huṣəitiš

wāstrawaitī kōi drəgwōdəbīš

xrūrāiš rāmąm dåṇtē

kāṇg ā waŋhāuš

jimaṯ manaŋhō cistiš

کی ای مزدا. راستی و خرد ایزدی و شجاعت معنوی به زندگی افراد خانواده داخل خواهد شد؟ چه کسی آرامش زندگی را جای گزین ستم و بی دادگری خواهد کرد؟ به سوی چه کسانی بخشش نیک منشی فراخواهد رسید و از سودهای آن برخوردار خواهند شد؟

بند دوازدهم

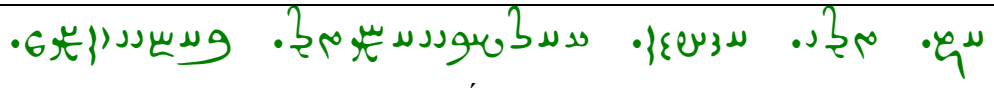

daĥyunąm saošyaṇtō aŋhən tōi aṯ

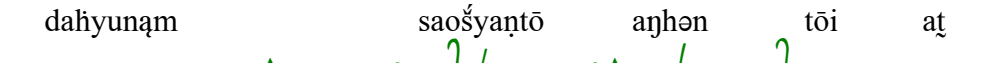

manaŋhā wohū xšnūm yōi

aṣā šyaoϑanāiš hacåṇtē

sēṇghahyā mazdā ϑβahyā

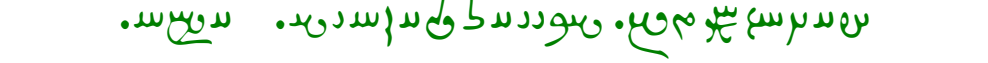

hamaēstārō dātā tōi-zī

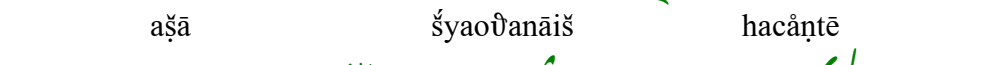

mahyā aēṣəm

سوشیانت ها چه کسانی هستند؟

به راستی کسانی از زمره سوشیانت ها و رهانندگان مردم جهان به شمار خواهند رفت که فرمان های مزدا و وظایف خود را با نیک منشی به جای آورند و بر ضد خشم و ستم به پا خیزند و آن را در هم شکنند.

یسنا-هات ۴۹

بند یکم

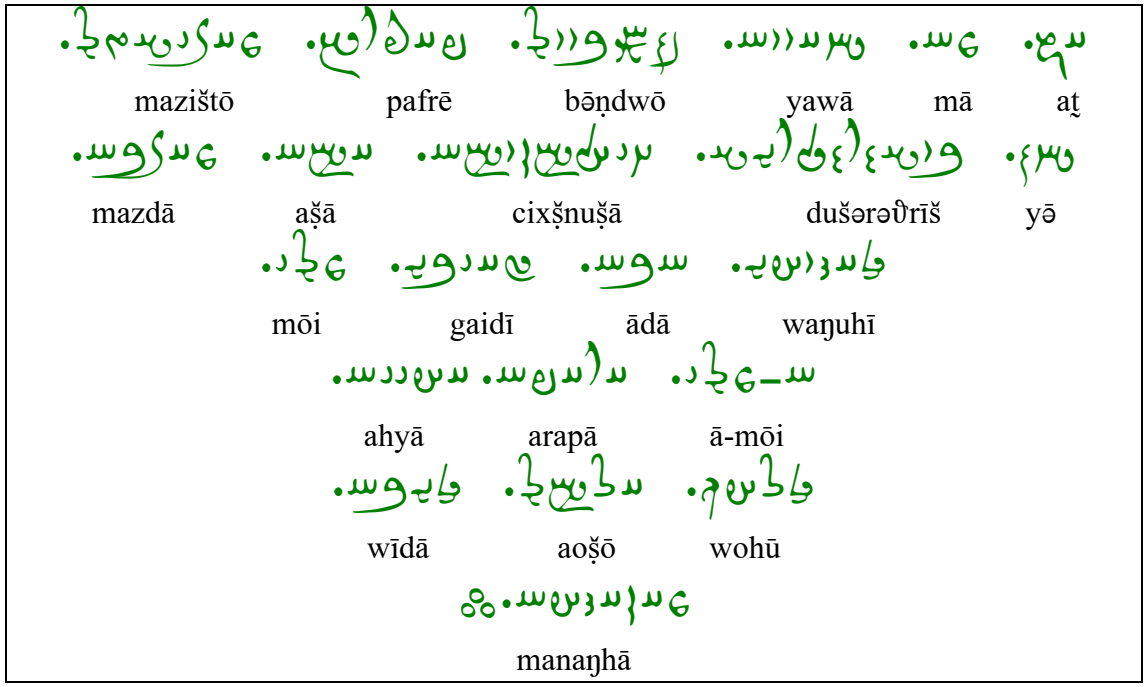

باید گمراهان را به راه راست رهنمایی کرد

ای مزدا و ای اشا. بندوَه تباه کار در برابر من ایستاده است و نمی گذارد غفلت زدگان را بیدار و به راه راست رهبری کنم- ای مزدا روی به من کن و با بخشش نیک منشی مرا نیرویی ده تا بر او و همانند او چیره شوم.

بند دوم

aṯ	ahyā-mā	bōṇdwahyā	mānayeitī
ṯkaēšō	drəgwå	daibitā	aṣāṯ	rārəṣō
nōiṯ	spəṇtąm	dōrəšt	ahmāi
stōi	ārmaitīm	naēdā
wohū	mazdā	fraštā
manaŋhā

بندوَه یکی از دشمنان اشو زرتشت

این بِندوَه گمراه کننده یکی از دروغ پرستانی است که با آموزش های دروغین خود مدتی است مرا نگران کرده. این گونه مردم فریبان از راستی و خرد ایزدی گریزانند و هرگز در پی آن بر نمی آیند که با پاک منشان به پیوندند و با آنان از روی خرد و درستی به بحث پردازند.

بند سوم

nidātəm mazdā warənāi ahmāi aṯcā

rāṣayeńhē ṯkaēṣāi sūidyāi aṣəm

waŋhāuš tā druxš

manaŋhō izyāi sarā

drəgwatō wīspēṇg aṇtarā

mruyē aṇtarā haxmēṇg

پایه دین مزدیسنی بر راستی استوار است

چون پایه دین مزدیسنی بر راستی استوار است. همیشه سودبخش است و از آن جایی که پایه دین دیو پرستی بر دروغ نهاده شده همیشه زیان بخش می باشد. از این روی من می خواهم مردم به پاک منشان بپیوندند و هم بستگی خود را با دروغ پرستان بگسلانند.

بند چهارم

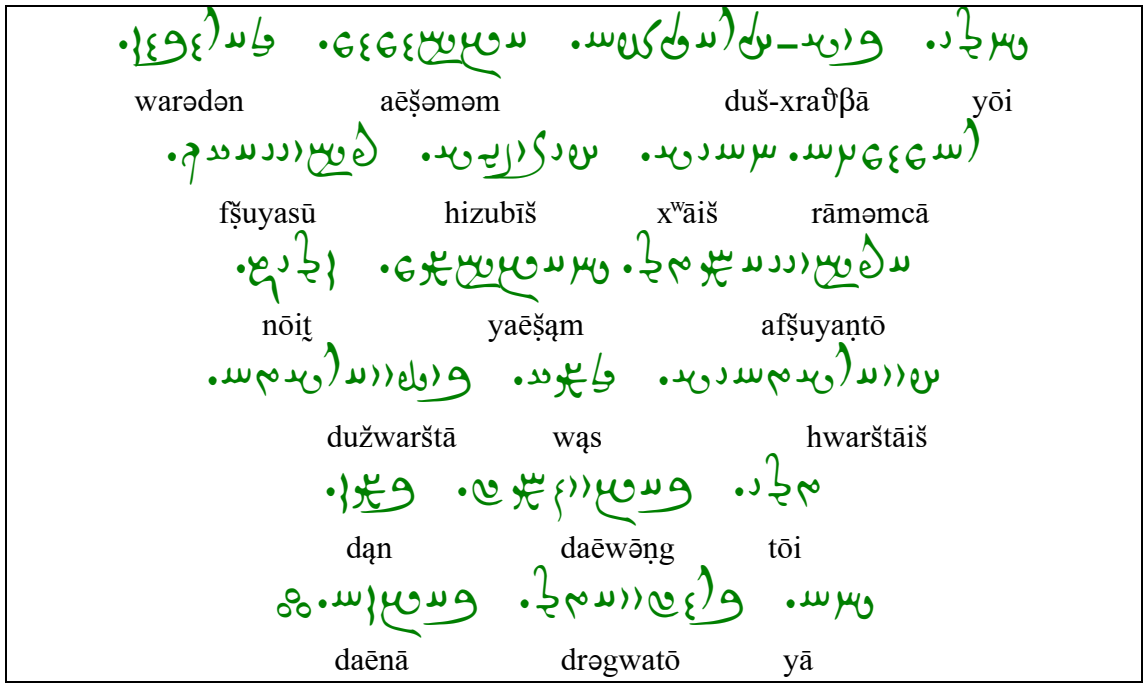

بدکرداران و بداندیشان مخالف آبادانی جهان اند

این دروغ پرستان بدکردار با زبان خویش در میان مردم رشک و خشم بر می انگیزند و مخالف آبادانی و پیشرفت جهان اند- به راستی بدکارانی که در پی گسترش کارهای زشت هستند. نظر به سرشت بد خویش همیشه راه دیوان را بر می گزینند.

بند پنجم

ā.zūitišcā	īžācā	mazdā	hwō	aṯ
manaŋhā	sārštā	wohū	daēnąm	yə
aṣā	kascīṯ	ārmatōiš		
tāiščā	huzāṇtuš			
ϑβahmī	wīspāiš			
ahurā	xṣaϑrōi			

سود خداکاری و از خودگذشتگی

خوشی و فراوانی نعمت از آنِ کسی است که از خود گذشته و پاک منش باشد. چنین کسی به واسطه داشتن فروتنی و پارسایی سزاوار آن خواهد بود که دارای خرد ایزدی گشته و در کشور جاودانی اهورایی پیوسته به سر برد.

بند ششم

mazdā fraēšyā wå frō

wē yā mrūitē aṣəmcā

ā-manaŋhā xṣ̌māākahyā xratəuš

yaϑā-ī wīcidyāi ərəš

daēnąm tąm srāwayaēmā

ahurā xṣ̌māwatō yā

باید نخست فرمان های دین را به درستی آموخت و آن گاه به دیگران یاد داد

ای مزدا از تو درخواست می کنم. وظیفه مرا که باید از روی خرد و راستی انجام یابد به من روشن سازی تا ضمن این که آیین تو را به درستی دریابم. بتوانم چنان چه باید به دیگران بیاموزم.

بند هفتم

manaŋhā sraotū mazdā wohū taṯcā

ahurā gūšahwā-tū aṣā sraotū

xᵂaētuš kā airyamā kā

yā aŋhaṯ dātāiš

dāṯ waŋuhīm wərəzənāi

frasastīm

کسی که پشتیبان راستی است. یاور نیکان خواهد بود

بشود که هر کسی با اندیشه نیک توام با راستی. این دین را فراگیرد. چون تنها اهورامزدا به درستی آگاه است که کدام یک از پیشوایان و سپاهیان و کشاورزان به این دین گرویده و در گسترش آن به من یاری می کند.

بند هشتم

då	aṣ̌ahyā	urwāzištąm	fərašaoštrāi
mazdā	ϑβā	taṯ	sarēm
maibyācā	ahurā	yāsā	
ϑβahmī	waŋhāu	yąm	
wīspāi	yawōi	ā-xṣ̌aϑrōi	
åŋhāmā	fraēštåŋhō		

بشود که ما همه پیک پیام اهورایی باشیم

ای مزدااهورا- از تو درخواست می کنم. به فرشوشتر و دیگر یارانم بهترین بخشش ارزانی داری تا با راستی و نیروی مینوی بتوانیم با هم پیک پیام تو باشیم.

بند نهم

fṣ̌ōṇghyō sāsnå sraotū

nōiṯ taštō suyē

drəgwātā didąs sarēm ərəš-wacå

wahištē daēnå hyaṯ

aṣ̌ā mīždē yūjən

dōjāmāspā yāhī yuxtā

پیروان راستی نباید با دروغ پرستان آمیزش کنند

آن یاور کوشایی که برای خدمت به مردم برگزیده شده باید فرمان های مزدا را نیک به خاطر بسپارد و بداند که پیرو راستی نباید با دروغ پرستان آمیزش کند. تو هم ای جاماسب بدان که هر کس به گروه راستان پیوست در روز بازپسین(در پایان) از بهترین پاداش برخوردار خواهد شد.

بند دهم

ādąm ŭβahmī mazdā taṯcā

urunascā wohū manō nipåŋhē

yā nəmascā aṣāunąm

īžācā ārmaitiš

wazdaŋhā xṣaŭrā mązā

awəmīrā

پیروان راستی باید پیوسته اهورامزدا را پشتیبان خود بدانند

ای مزدا- من تن و جان و روانِ پیروانِ با ایمانِ راه راستی و پاک منشی و گروندگانِ به این آیینِ مقدس را در پناه و حمایت تو می سپارم. زیرا تویی توانای بزرگ و نیرومند و زوال ناپذیر.

بند یازدهم

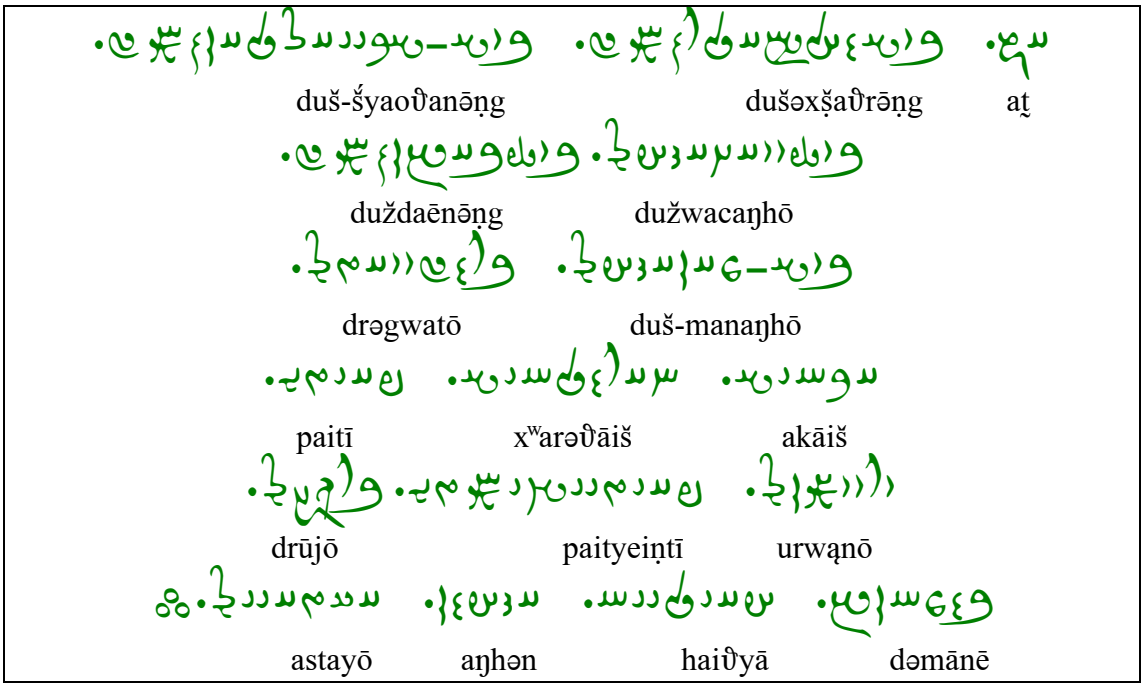

ولی روان زشت کاران و بدگفتاران و همه پیروان دروغ از خوی بد خویش پیوسته در شکنجه اند و در پایان به سرای دروغ جایی که منزل اصلی آنان است. راه خواهند یافت.

بند دوازدهم

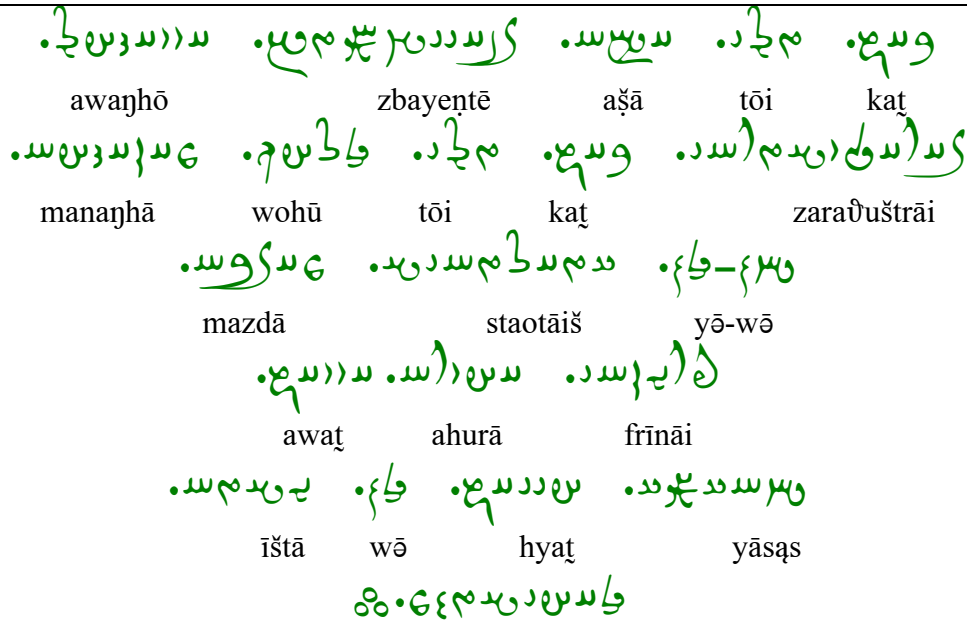

kaṯ tōi aṣā zbayeṇtē awaŋhō

zaraϑuštrāi kaṯ tōi wohū manaŋhā

yə̄-wə̄ staotāiš mazdā

frīnāi ahurā awaṯ

yāsąs hyaṯ wə̄ īštā

wahištəm

فرد و راستی بهترین بخشش های پروردگار است

ای مزدااهورا- من که زرتشت هستم تو را با سرودهای ستایش خود آفرین می گویم و از تو درخواست می کنم ما را از بخشش بهترین راستی و خرد مقدس بهره مند سازی. زیرا این نعمت ها از بزرگترین بخشش های توست.

یسنا-هات ۵۰

بند یکم

kaṯ mōi urwā isē cahyā awaŋhō

kā-mōi pasəuš kā-mā-nā-ϑrātā wistō

anyō aṣāṯ ϑβaṯcā mazdā ahurā

azdā zūtā

wahištāaṯcā

manaŋhō

در گاه سختی جز از پروردگار پشتیبانی نداریم

ای اهورامزدا- در هنگام سختی و بدبختی تنها پرتو مهر تو هست که می تواند به روان ما آرامش و آسایش بخشد- آیا جز راستی و پاک منشی، که پرتوی از هستی توست، چه چیز دیگری به یاری و کمک من و پیروانم خواهد شتافت؟

بند دوم

gąm rānyō-skərətīm mazdā kaϑā

ahmāi yə-hīm išasōiṯ

usyāṯ stōi wāstrawaitīm

pouruṣū aṣā ərəžəjīš

pišyasū hwarə

dāhwā dāϑəm nišąsyā mā ākāstəṇg

کسانی که در این جهان بخواهند زندگانی را با خوشی و آرامش به سر برند. چگونه باید رفتار کنند! بی گمان چنین کسانی باید در پرتو درخشان خورشید راستی و برابر آیین پاکت زندگی کنند. چنین کسانی چه در این جهان و چه پس از آن نیز به خوشی و جاودانی خواهند رسید.

بند سوم

aŋhaitī aṣā mazdā ahmāi aṯcīṯ

wohucā xṣaϑrā hōi yąm

yā-nā manaŋhā cōišt

warədayaētā aojaŋhā aṣōiš

gaēϑąm nazdištąm yąm

baxṣaitī drəgwå

وظیفه ماست که دیگران را به راه راست رهبری کنیم

ای مزدا می دانم که تو نیک منشی و از خود گذشتگی و راستی را بهره کسانی می کنی که با کوشش تمام مردمان پیرامون خود را که هنوز پیرو دروغ اند به دین راستی درآورند.

بند چهارم

mazdā stawas yazāi wå aṯ

wahištācā aṣā hadā ahurā

yā xṣaϑrācā manaŋhā

ā-paiϑī ståŋhaṯ īṣō

dəmānē arədrōṇg ākå

səraoṣānē garō

رسیدن به بهشت تنها با پیروی از راستی و نیک اندیشی و نیروی معنوی فراهم می شود

ای مزدا اهورا- تو را می ستاییم و آرزومندیم به یاری بهترین راستی و نیک اندیشی و نیروی معنوی همه ما پویندگان راهت بتوانیم پیوسته گوش به فرمان تو داشته باشیم و با استواری تمام پایداری کنیم و به آن چه تو در بهشت گروثمان به ما نوید داده ای برسیم.

بند پنجم

ahurā aṣ̌ā mazdā xṣ̌mā ārōi-zī

mąv̊rānē yūṣ̌mākāi hyaṯ

aibī-dərəštā waorāzav̊ā

awaŋhā āwīš̌yā

x^{w}āv̊rē yā-nå zastāištā

dāyāṯ

به یاری پروردگار می توان در هر کار نیکی کامیاب شد

از آن فرازین گاه ای مزدااهورا یاری و پشتیبانیت را برابر قانون اشا به کسانی بخش که پیوسته گوش به فرمان تو دارند و پیام مقدست را به جهانیان می رسانند. چه تنها کمک و یاری توست که می تواند ما را کامیاب گرداند.

بند ششم

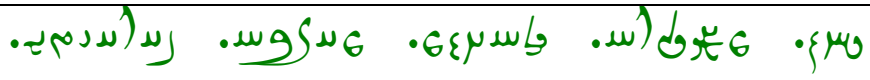

yə mąθrā wācəm mazdā baraitī

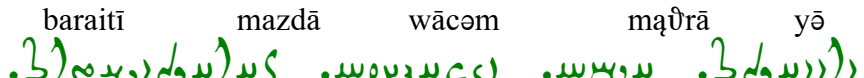

urwaθō aṣā nəmaŋhā zaraθuštrō

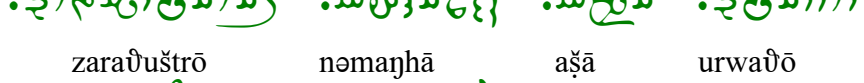

dātā xratəuš hizwō

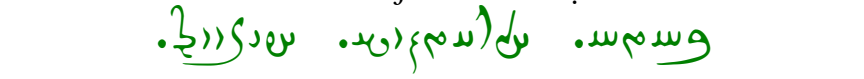

raiθīm stōi

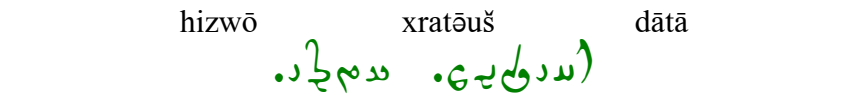

mahyā rāzēṇg wohū

sāhīṯ manaŋhā

فرمان های دین را باید با خردمندی و بدون تظاهر انجام داد

ای مزدا- من که زرتشت و دوستدار تو هستم آواز خود را با گفتار مقدس مانتره بلند می کنم. آرزومندم. پیوسته زبانم را با گفتار راستین بیارایی و با خرد پاکت مرا از نکته های باریک وظیفه های دینی ام آگاه سازی.

بند هفتم

پاکی و نیک اندیشی پاسدار آزادی است

از شما ای فروزگان مزدای توانا و ای پاسداران آزادی- ای اشا و ای وهومن که سزاوار بهترین نیایشید. با سرودهای خود خواهانم که به سوی من بشتابید و مرا در انجام رسالت خود به درستی یاری فرمایید.

بند هشتم

frasrūtā yā padāiš wå maṯ

mazdā pairijasāi īžayå

aṣā wå aṯ ustānazastō

nəmaŋhā arədraḥyācā

manaŋhō waŋhēuš wå aṯ

hunarətātā

پروردگار را تنها با نیروی ایمان و خرد می توان شناخت

ای مزدا با دستهای برافراشته و سرودهای ستایش خود که پر از راز و نیاز به درگاه توست خواستارم. مرا چون دوستی با وفا و فروتن بپذیری. تا بتوانم در پرتو اشا(ایمان) و وهومن (خرد پاک) به تو نزدیک شوم.

بند نهم

stawas paitī yasnāiš wå tāiš

waŋhāuš aṣā mazdā ayenī

manaŋhō šyaoϑanāiš

wasā maϩyå aṣōiš yadā

iṣayąs hudānāuš aṯ xṣayā

ϩyēm gərəzdā

همه باید به سوی خداوند خود بازگردیم

اینک با سرودهای ستایش خود که از روی راستی و پاک منشی و نیروی روانی ام برخاسته آرزومندم پس از انجام رسالت خود و آشنا کردن مردمان از بهره و سودهای آیین مقدست با سرافرازی تمام به سویت بازگردم.

بند دهم

pairī yācā warəšā yā aṯ

wohū yācā šyaoϑanā āiš

manaŋhā arəjaṯ cašmąm

aēuruš uxšā asnąm xʷōṇg ṛaocå

wahmāi ašā xšmākāi

ahurā mazdā

همه آفرینش های زیبا و نورانی نمایانگر بزرگی پروردگارند

پروردگارا همه کارهایی که در گذشته و حال انجام داده و می دهم از روی پاک منشی و راستی است و سرودهای ستایشم از دیدن آفرینش های نغز و زیبای تو چون خورشید تابان و سپیده دمِ روشن الهام می گیرد و می دانم که همه آفرینش ها ستایشگر تو اند ای مزدا.

بند یازدهم

mazdā aojāi staotā wē aṯ

tawācā aṣā yawaṯ aŋhācā

arədaṯ aŋhəuš dātā isāicā

manaŋhā wohū

wasnā hyaṯ haiϑyāwarəštąm

fərašōtəməm

فرمان خدا را باید از روی راستی و پاک منشی انجام داد

ای مزدا تا مرا تاب و توانست می خواهم ستایشگر تو باشم- ای فزاینده هستی. آری آدمی تنها از روی راستی(اشا) و پاک منشی(وهومن) می تواند کارهایی را که مورد پسند توست انجام دهد.

یسنا-هات ۵۱

بند یکم

wohū xšaŋrəm wairīm bāgəm

aibī-bairištəm wīdīšəmnāiš īžācīṯ aṣā

aṇtarə-caraitī šyaoŋanāiš mazdā

wahištəm taṯ

nā nūcīṯ

warəšānē

فشترا. نیروی خویشتن داری یا تسلط بر نفس است

نیروی نیک خویشتن داری نعمت بزرگی است که مزدا به کسی بخشد تا از روی خرد و راستی وظایف خود را به جای آورد. ای مزدا از تو خواستارم که آن را بهره ما بگردانی.

بند دوم

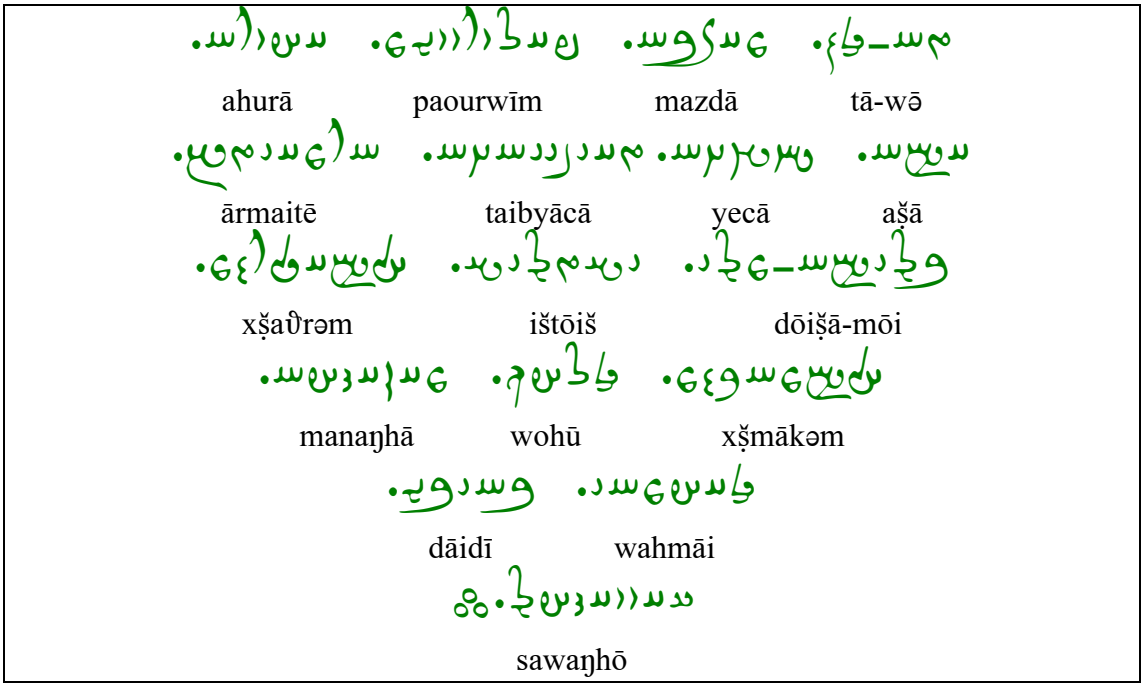

آرمئیتی(فروتنی) فشترا(شجاعت معنوی) و وهومن(پاک منشی) وسیله رستگاری است

ای مزدا اهورا- پیش از همه آفرینش های نیک تو را می ستایم و از روی راستی خواستارم که فروتنی و شجاعت معنوی و پاک منشی را که موجب رستگاری است. به کسانی ارزانی داری که تو را به درستی و بدون روی و ریا ستایش می کنند.

بند سوم

yōi hāmyaṇtū gāušā ā-wā

sārəṇtē šyaoϑanāiš wā

uxδāiš aṣā-hizwå ahurō

manaŋhō waŋhāuš

pouruyō tū yaēṣąm

apī fradaxštā mazdā

اهورامزدا ستایش کسانی را می شنود که در کردار و گفتار به درستی برابر فرمان او رفتار کنند و خود او را در هر کاری الهام بخش خود بدانند.

بند چهارم

kuϑrā āfsəratuš ārōiš kuϑrā

axštaṯ mərəždikā

aṣəm ḥyən yasō kuϑrā

ārmaitiš spəṇtā kū

kuϑrā wahištəm manō kuϑrā

mazdā xṣaϑrā ϑβā

پرسش های اشو زرتشت از اهورامزدا

پروردگارا(از تو پرسشی دارم. چه می خواهم به راستی بدانم) چگونه مهر سرشار خود را به پیروان باوفایت نشان می دهی؟ از چه راهی به توبه درست یا نادرست گناهکاری پی می بری؟

راستی و دستی مردمانی را. که خود را پارسا و پرهیزکار می دانند. از چه راهی در می یابی؟

نیروی سرشار تو را در کار آفرینش و شهریاری جاودانی تو را در جهان چگونه می توان دریافت؟

بند پنجم

wīspā-tā pərəsąs yaϑā aṣāṯ

hacā gąm wīdaṯ

wāstryō šyaoϑanāiš ərəṣwō

hąs huxratuš nəmaŋhā

yā dāϑaēibyō ərəš-ratūm xṣayąs

aṣiwå cistā

همه این پرسش ها از سوی کسی است که او را به رهبری مردمان برگزیده ای- کسی که نسبت به تو فروتن و فرمانبردار است. کسی که می خواهد راستی و درستی را به مردم بیاموزد و کسی که خواهان است جهانیان را به رازهای آفرینش و هنجار هستی آگاه سازد.

بند ششم

yascā dazed waŋhāuš wahyō yā

rādaṯ wārāi hōi

mazdå xṣ̌aŷrā ahurō

ašyō akāṯ ahmāi aṯ

apāmē wīdāitī nōiṯ hōi yā

urwaēsē aŋhāuš

در پایان اهورامزدا- به کسی که راه نیک را پیروی کرده باشد و زندگانی خود را برای خشنود ساختن او به سر برده باشد پاداش جاودانی خواهد بخشید؟ همچنین زشت کردارانی که فرمان او را به جا نیاورند به جزای بد گرفتار خواهد ساخت؟

بند هفتم

dāidī-mōi yē gąm taṣō

apascā urwaråscā

amərətātā haurwātā spēništā

mainyū mazdā

təwīṣī utayūitī manaŋhā

wohū sōṇŋhē

تنها از اهورامزدا باید درخواست برآورده شدن حاجات کرد

ای مزدا- ای کسی که (سپنتا) زمین (و خرداد) آب و (امرداد) گیاهان را آفریدی. ای کسی که تنها برآورنده نیازهای بندگانی- به من رسایی و نیروی تن و جاودانی روان و خرد پاک ارزانی دار تا پیوسته آیین تو را با استواری و پایداری به دیگران بیاموزم.

بند هشتم

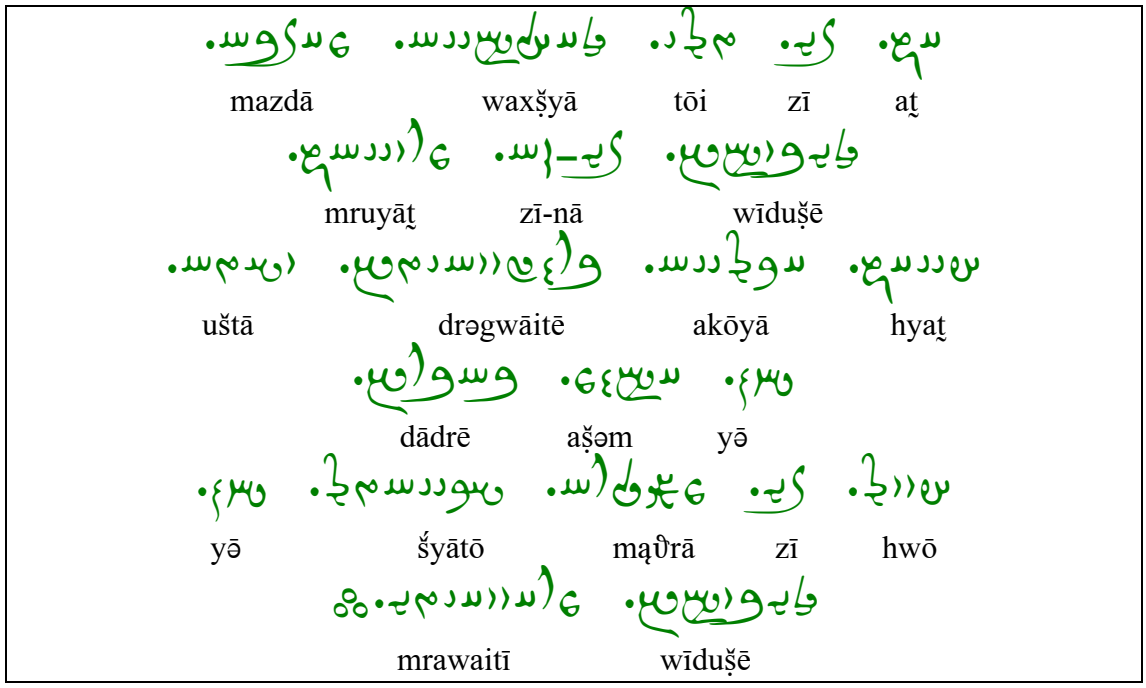

هر دانا و خردمندی باید دیگران را از پیامد کردار نیک و بد آگاه سازد و بیاموزد که پایان کارهای زشت بدبختی و سرانجام کارهای نیک خوشبختی است.

بند نهم

ϑβā då rānōibyā xšnūtəm yąm

mazdā suxrā āϑrā

aibī xšustā ayaŋhā

dāwōi daxštəm ahwāhū

sawayō drəgwaṇtəm rāšayeŋ́hē

ašawanəm

پاداش و سزایی که اهورامزدا در روز بازپسین به نیکان و بدان می دهد. برای همه ما نشانه آن است که سرانجام بدی چیزی جز بدبختی و پایان راستی چیزی جز خوشبختی نخواهد بود.

بند دهم

marəxṣaitē mā-nā yō aṯ

mazdā ahmāṯ anyāϑā

tā hunuš drūjō dāmōiš hwō

həṇtī yōi duždå

waŋhuyā aṣəm zbayā maibyō

tē gaṯ aṣī

کسی که در پی آزار و تباهی دیگران است. دشمن نیکی و فرزند دروغ و گمراهی به شمار است. چنین کسی دارای اندیشه ای نارسا و فهمی ناتوان و منشی زشت است. همه باید بکوشیم تا راستی و درستی را در میان مردم رواج دهیم و اندیشه و خرد آنان را کامل سازیم.

بند یازدهم

spitamāi urwaϑō kā

mazdā nā zaraϑuštrāi

āfraštā aṣā wā kā

ārmaitiš spəṇtā kā

acistā manaŋhō waŋhāuš wā kā

ərəṣwō magāi

دوست اشو زرتشت کسی است که از فرد و راستی پیروی کند

به راستی. دوست زرتشت کسی است که طرفدار راستی و پیرو خرد خدادادی باشد. کسی که خواهان پارسایی و نیک اندیشی است. چنین کسی شایسته همونده انجمن برادری مغان(موبدان) خواهد بود.

بند دوازدهم

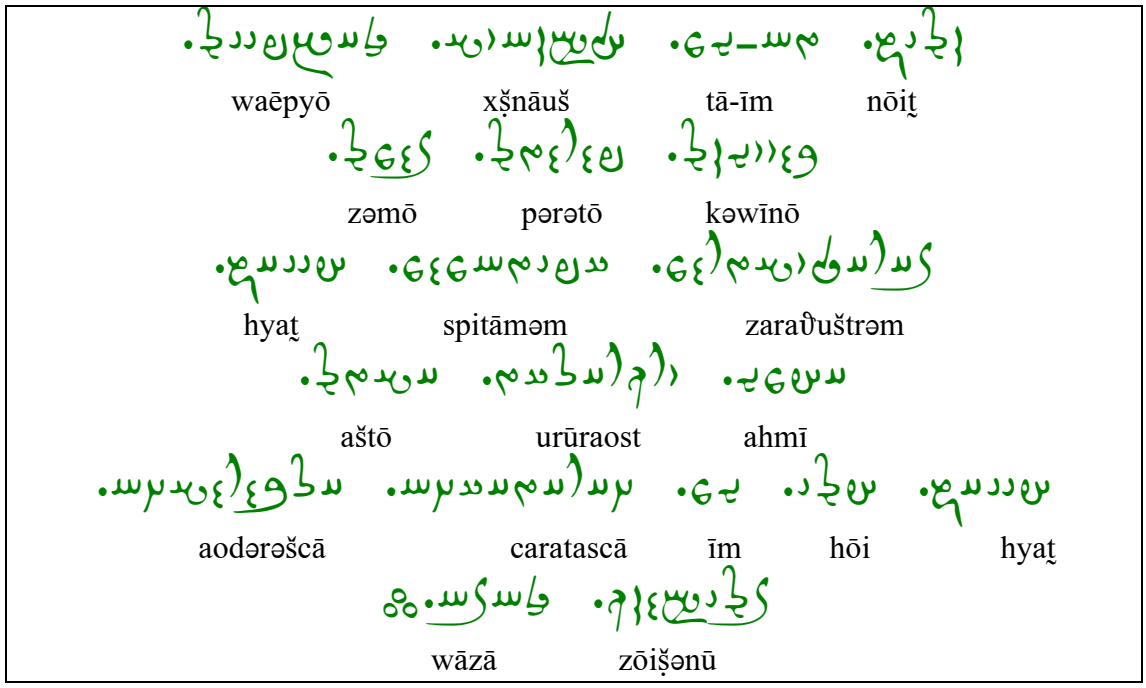

گروهی از دشمنان زرتشت به نام کاوی ها خوانده می شدند

پیروان کاوی هرگز زرتشت اسپنتمان را خشنود نساخته اند.
گر چه افرادی از این گروه کوشیده اند با اندیشه ای رسا راه نجات خود را در زندگی دریابند و به رستگاری برسند.

بند سیزدهم

daēnā	marədaitī	drəgwatō	tā
	haiθīm	ərəzāuš	
cinwatō	xraodaitī	urwā	yehyā
	ākå	ahərətå	
hizwascā		šyaoθanāiš	ħāiš
paθō	nąswå	aṣ̌ahyā	

پشیمانی پایان کار بدان است

گمراهان و دروغ پرستان که به فرمان خدا و راه درست زندگی ارجی نمی نهند و با فریب دیگران آرامش زندگی مردم را بر هم می زنند. بی گمان روز واپسین روانشان بر سر پل چینود به بیم و هراس می افتد و از کردار و گفتار بد خویش پشیمان خواهند شد.

بند چهاردهم

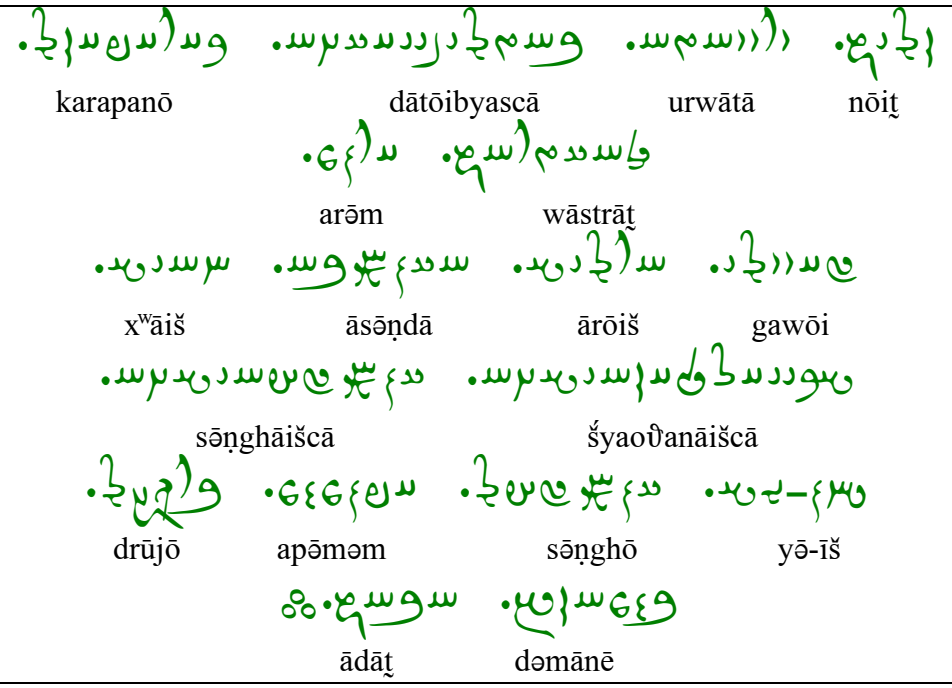

karapanō dātōibyascā urwātā nōiṯ

arəm wāstrāṯ

xʷāiš āsəṇdā ārōiš gawōi

səṇghāiščā šyaoϑanāiščā

drūjō apəməm səṇghō yə-īš

ādāṯ dəmānē

کشاورزی و آبادی زمین و پرورش چارپایان سودمند از آموزش های زرتشت است. کرپان ها این پیشوایان دروغین نمی گذارند مردم به کشاورزی و آبادانی زمین بپردازند و به جای پرورش دام ها قربانی آنان را به مردم می آموزند. بی گمان در پایان نتیجه کردار زشت و بدآموزی های خود را خواهند دید و گرفتار دوزخ خواهند شد.

بند پانزدهم

hyaṯ mīždəm zaraϑuštrō magawabyō

parā cōišt

garō dəmānē ahurō mazdå

jasaṯ pouruyō

tā wā wohū manaŋhā

aṣāicā sawāiš ciwīṣī

بهشت یا بهترین زندگانی دو جهان بهره پارسایان و نیک منشان است

همان مزد و پاداشی که زرتشت در انجمن برادری مغان از آن سخن رانده است. بهشت گروثمانی است که اهورامزدا از آغاز مقرر داشته و آن پاداش. تنها بهره کسی خواهد بود که پارسا و نیک منش باشد.

بند شانزدهم

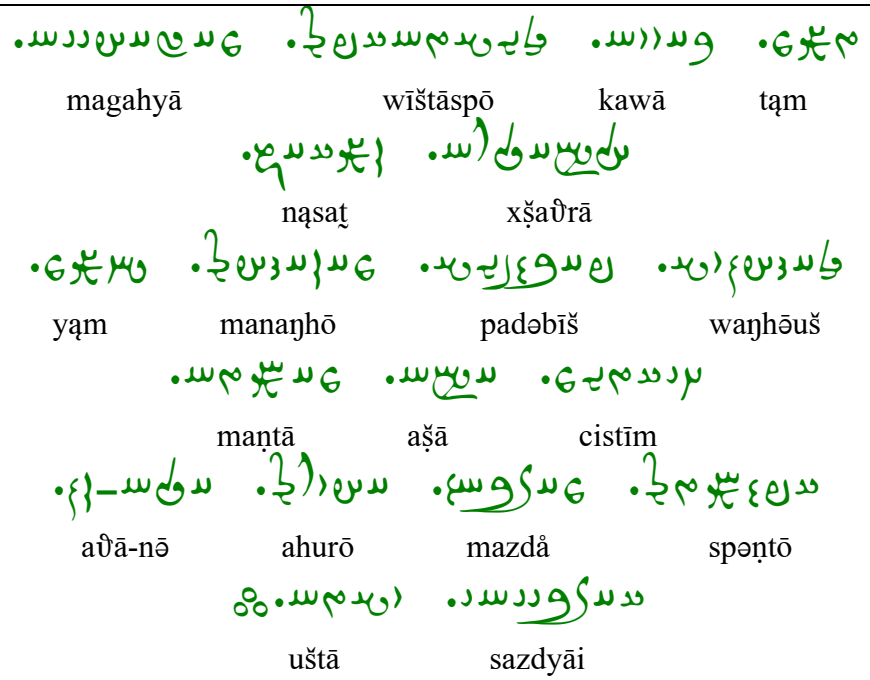

پذیرفتن گشتاسب دین زرتشتی را

کی گشتاسب به یاری انجمن برادری آیین بهی را با پاک منشی برگزید و به راه پارسایی با اندیشه و خرد نیک گام نهاد. باشد که مزدا اهورای پاک برابر قانون ابدی خود همه را به سوی راستی رهنمایی فرماید.

بند هفدهم

hwō-gwō fəraṣaoštrō mōi bərəxδąm

kəhrpēm daēdōišt

yąm waŋhuyāi daēnayāi

dātū išyąm hōi

aṣahyā ahurō mazdå xṣayąs

gərəzdīm āždyāi

فرشوشتر نیز زندگی خود را وقف خدمت به دین بهی می کند

فرشوشتر هوگوه با خشنودی. زندگی خود را در راه خدمت به آیین مقدس پیشکش نمود. بشود که مزدا اهورا او را برای ایمان پاکش. بهره راستی و رستگاری ارزانی دارد.

بند هجدهم

hwō-gwō dājāmāspō cistīm tąm

xʷarənå ištōiš

xṣaŏrəm taṯ wərəṇtē aṣā

wīdō waŋuhīš manaŋhō

mazdā hyaṯ ahurā dāidī mōi taṯ

tawā rapēn

ایمان آوردن جاماسب وزیر گشتاسب شاه

جاماسب هوگوه آن دانای خردمند نیز به آیین راستی درآمد. بشود که اهورامزدا از برای ایمان پاکش او را از دانش رسا و منش پاک برخوردار سازد و هم چنین به همه کسانی که به دین بهی ایمان می آورند. بهره نیک منشی و دانایی ارزانی دارد.

بند نوزدهم

hwō	taṯ	nā	maidyōi-måŋhā	spitamā
ahmāi	dazdē			
daēnayā	waēdəmnō	yə		
ahūm	išasąs	aibī		
ŋazdå	dātā	mraoṯ	gayehyā	
šyaoϑanāiš	wahyō			

ایمان آوردن میدیوماه پسر عموی زرتشت

میدیوماه اسپنتمان نیز پس از آن که از روی نیک منشی و دانش راستین، این دین را پذیرفت. دریافت که برای خوشبختی دیگران باید در راه آموزش دین بهی کوشا باشد. چه پیروی از آیین مزدا برای مردم جهان بهترین چیز است.

بند بیستم

taṯ wē-nē hazaoṣåŋhō wīspåŋhō

daidyāi sawō

aṣəm wohū manaŋhā uxδā

yāiš ārmaitiš

yazəmnåŋhō nəmaŋhā mazdå

rafəδrəm cagədō

اهورامزدا پناه و پشتیبان پیروان راستی است

ای کسانی که با اندیشه پاک به ما پیوسته اید و با منش پاک و راستی و فروتنی در پیشبرد آیین راست و درست کوشا هستید. بشود که مزدا بنا به وعده خود پناه و پشتیبان همه شما باشد و به خوشی جاودانی برسید.

بند بیست و یکم

cistī hwō spəṇtō nā ārmatōiš

šyaoϑanā uxδāiš

wohū spənwaṯ aṣəm daēnā

manaŋhā xṣaϑrəm

waŋuhīm tēm ahurō dadāṯ ŋazdå

aṣīm yāsā

به یاری خرد پاک و ایمان درست می توان به حقیقت دست یافت

در پرتو خرد پاک و ایمان درست می توان به حقیقت رسید. چنین کسی راه راست را در می یابد و با اندیشه و گفتار و کردار نیک خود همه را به راه راست رهبری می کند. ای اهورامزدا از تو درخواست می کنم. بخشش و خرد پاک را به همه ارزانی داری.

بند بیست و دوم

wahištəm hacā aṣāṯ mōi yehyā

paitī yesnē

yōi ahurō mazdå waēdā

həṇticā åŋharəcā

nāmənīš xʷāiš yazāi tą

waṇtā jasāi pairicā

ستایش ها باید از روی خرد و ایمان و دور از ریا باشد

از میان مردمان. کسی که به درستی و راستی و بدون تظاهر و ریا ستایش خود را به اهورامزدا پیشکش کند. پروردگار دانا آن را به خوبی در می یابد- خواه آن ستایش در گذشته یا حال باشد. من چنین کسانی را گرامی می دارم و با ذکر نام از آنان سپاس گذاری می کنم.

یسنا-هات ۵۳

بند یکم

zaraθuštrahē srāwī īštiš wahištā

āyaptā dāṯ hōi yezī spitāmahyā

yawōi mazdå ahurō hacā aṣāṯ

hwaŋhəwīm ā wīspāi

daēnayå saŠəṇcā dabən hōi yaēcā

šyaoθanācā uxδā waŋhuyå

برآورده شدن آرزوی اشو زرتشت در گسترش یکتاپرستی

برترین آرزوی زرتشت اسپنتمان برآورده شد. چه اهورامزدا از راه آشا به آیین او زندگانی جاوید بخشید و حتی آنان که دشمن دینش بودند آن را پذیرفتند و پیروی می کنند.

بند دوم

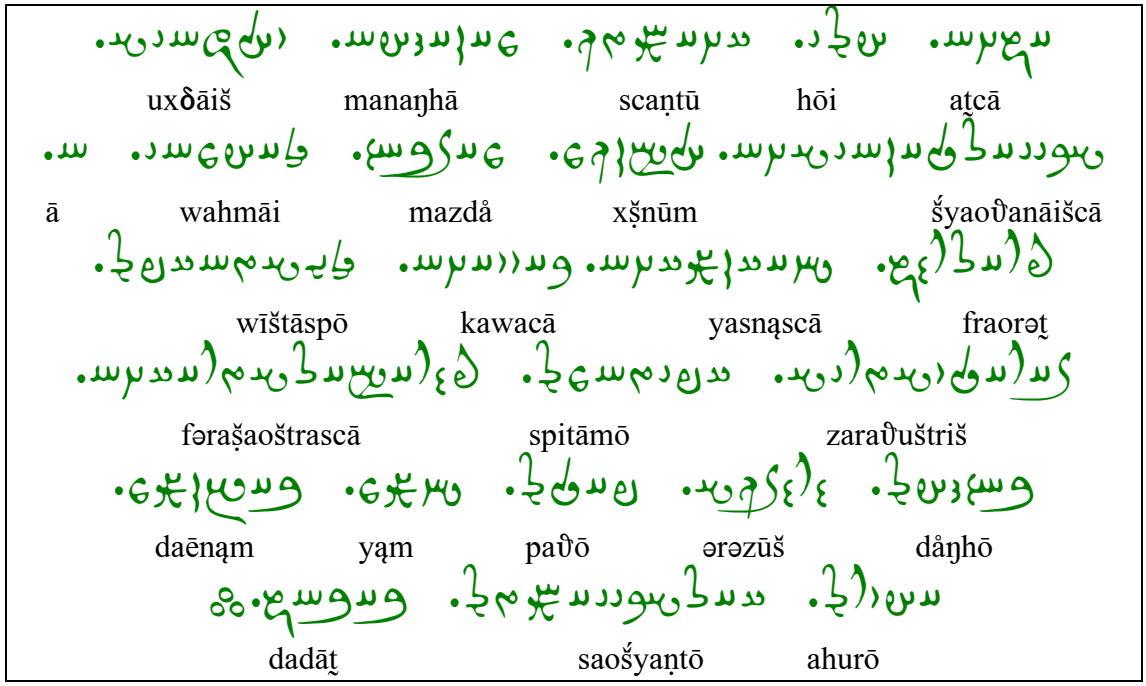

بهترین راه آموزش دین به مردم

برای خشنودی مزدا باید همه از روی میل با اندیشه و گفتار و کردار نیک برای گسترش بهترین دین و انجام کارهای نیک به آموزش مردم بپردازند. پیامد این کوشش هاست که کی گشتاسب و فرشوشتر هواخواه زرتشت شدند و از سوی اهورامزدا چون سئوشیانت ها در آموزش راه درست دین به مردم کامیاب گردیدند.

بند سوم

tāmcā-tū	pourucistā	haēcaṯ-aspānā	
spitāmī	yeziwī	dugədrąm	zaraϑuštrahē
waŋhāuš	paityāstām	manaŋhō	aṣahyā
mazdåscā	taibyō	dāṯ	sarəm
aϑā	hām	fəraṣwā	ϑβā	xraϑβā
spāništā	ārmatōiš	hudānwarəṣwā

آزادی رای جوانان در برگزیدن همسر

و تو ای پورو چیست. ای جوان ترین دختر زرتشت از خاندان هچت اسپ. من که پدر تو هستم. (جاماسب) را که یاور دین مزداست از روی راستی و منش پاک به همسری تو برگزیده ام. اینک برو با خردت مشورت کن و در صورت پسندیدن او. با عشق پاک در انجام وظیفه مقدس زناشویی بکوش.

بند چهارم

yā	warānī	spərədānī	wō	zī	tōm
wāstryaēibyō		paiθyaēcā	wīdāṯ	fəδrōi	
manaŋhō	aṣ̌awabyō	aṣ̌āunī	xᵂaētaowē	aṯcā	
bōəduš	mōm	haŋhuš	xᵂōnwaṯ	waŋhōuš	
daēnayāi	ahurō	dadāṯ	mazdå		
ā	wīspāi	yawōi	waŋhuyāi		

پاسخ پوروچیست به پدر پس از اندیشه ژرف

ای پدر. پس از ژرف اندیشی. من(جاماسب) را پسندیدم و دوست دارم و با ته دل به او مهر خواهم ورزید و او را به عنوان شوهر آینده خود مانند پدر و بزرگ تر و راهنمای خود خواهم پذیرفت. بشود که مزدا اهورا بخشش نیک اندیشی را همیشه بهره ما سازد.

بند پنجم

mraomī kainibyō wazyamnābyō sāx^{w}ənī

mązdazdūm mənca-ī wadəmnō xšmaibyācā

abyascā daēnābīš waēdōdūm

manaŋhō waŋhəuš yə ahūm

wīwəŋghatū ainīm anyō wə aṣā

aŋhaṯ huṣənəm hōi zī taṯ

اندرز اشو زرتشت در مجلس عروسی پوروچیست به نو همسران

ای نوعروسان و دامادان. روی سخنم با شماست. به اندرزم گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت در پی زندگانی پاک منشی برآیید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهرورزی بر دیگری پیش دستی جوید تا این زندگانی مقدس زناشویی را با شادی و خرمی به پایان رسانید.

بند ششم

jənayō aϑā narō haiϑyā iϑā-ī

frāidīm spaṣuϑā yəmə rāϑəmō hacā drūjō

parā tanwō piϑā hōiš āyesē drūjō

nąsaṯ xʷāϑrəm duš-xʷarəϑəm wayū-bərədubyō

anāiš dəjīṯ-arətaēibyō drəgwōdəbyō

mərəṇgəduyē ahūm manahīm ā

دنباله اندرز اشو زرتشت به مردان و زنان

ای مردان و زنان. راه راست را دریابید و با منش پاک آن را پیروی کنید و هیچ گاه گرد دروغ و خوشی های زود گذر زندگی که تباه کننده خوشبختی شما در آینده است نگردید. زیرا لذتی که با بدنامی و گناه همراه باشد چون زهرِ کشنده ای است که به شیرینی در آمیخته و همانند خورش دوزخی است. با این جور کارها زندگانی گیتی و مینوی خود را تباه مسازید.

بند هفتم

magahyā ahyā aŋhaṯ mīždəm wā aṯcā

haxtayå būnōi zarazdištō āžuš yawaṯ

yaϑrā aorācā mraocąs paracā

parā anąsaṯ drəgwatō mainyuš

wā aṯ tēm magēm iwīzayaϑā

wacō apēməm aŋhaitī wayōi

دنباله اندرز اشو زرتشت

ای جوانان و همسران. پاداش پیروی از راه درست و راست زندگی را پروردگار به کسی بخشد که هوا و هوس و خودخواهی و آرزوهای باطل را از خود دور سازد و بر نفس خویش چیره شود. زیرا کوتاهی و غفلت در این راه پایانش جز ناله و افسوس نخواهد بود.

بند هشتم

anāiš ā dužwarəšnaŋhō dafṣ̌nyā hēṇtū

zaϩyācā wīspåŋhō xraosəṇtąm upā

huxṣ̌aϑrāiš jēnərąm xrūnərąmcā rāmąmcā

āiš dadātū šyeitibyō wīžibyō

īratū īš dwafṣ̌ō hwō dərəzā

mərəϑyāuš maziṣtō moṣucā astū

فریب خوردگانی که دست به کردار زشت زنند گرفتار بدبختی و نیستی خواهند شد که سرانجامش خروش و فریاد و ناله است. ولی زنان و مردانی که به اندرز و راهنمایی من گوش دهند آرامش و خوشی زندگی بهره شان خواهد بود و سختی و رنج از آنان دور می شود و به نیکنامی جاودانی می رسند.

بند نهم

narəpīš tōi rāstī waēšō dužwarənāiš

pəšō-tanwō dājīṯ-arətā aēšasā rajas

īš yā ahurō ašawā kū

wasə-itōišcā həmiθyāṯ jyātəuš

ərəžəjyōi yā xšaθrəm tawā mazdā taṯ

wahyō drigaowē dāhī

اهورامزدا یاور نیکوکاران و درست اندیشان است

پیروان راه بد مردم نیک را خوار شمارند و دیگران را بر ضد آنان وا می دارند. اینان چون فرمانبر نفس خویش اند. دین داران را پست شمارند و می کوشند تا آنان را آلوده سازند. کیست آن سرورِ دادگری که با تمام وجود بر ضد آنان برخیزد. ای مزدا تنها تو می توانی با نیروی خود دین داران درست کردار و نیک اندیش را یار و یاور باشی و آنان را نیکوترین پاداش و مزد بخشی.

به روز زامیاد ایزد و آذرماه ۳۷۴۲ دینی
۱۳۸۳/۹/۲۲
آرمین کسروی